

ویژگیهای عملیات کربلای ۵

بر سر نامه نهضت گزادگر
به حجه الاسلام رفسنجانی

فَارَاقَ الْمَشْرِيقِ
إِنَّمَعَ الْمَشْرِيقِ

لاه محب هده

در راه خدا قبرش را در جفا بوسه بزن و سحرش را
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال ششم - شماره ۱ - بهار ۱۰۰۰ ارسال
فروردین اردیبهشت ۱۳۶۶

یا مقلب الفلوب و الابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا حول الحول و الأحوال
حول حالنا الی احسن الحال

لرزم مبارزه مستحانه

از دیدگاه

امام مجاهدین، نهضت مجاهدین

در طی دوران انقلاب اسلامی و بطور کلی تاریخ شاهد جریانهای مرموزی هستیم که همواره سعی میکنند مبارزات و انقلابات مردم را خلق الساعه می ریشه نمان دهند.

نامه ای به

آیه آ... آذری قسی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی

نظریات موجه نسبت به :

ثبات مسکنی بعث متجاوز عراق

انگیزه و هدف : بر اساس اظهارات رسمی در بین نیروهای انقلابی عراق و همچنین در بین مسئولین جمهوری اسلامی تحلیلهای مختلفی نسبت به ثبات ارتعاعی عراق وجود دارد که این نظریات در عمل به خط مشی های مختلفی علیه بعث متجاوز تبدیل میشوند. این نظریات عبارتند از :

الف : عده ای ویژگی ثبات عراق را نظامی دانسته و به خط مشی اهدام نیروهای نظامی و خورد کردن ماشین جنگی عراق می رسند.

ب : عده ای ویژگی ثبات عراق را پلیسی امنیتی دانسته و به خط مشی شکستن تورا مبنی و خوف مردم از سازمان امنیت آنجا می رسند.

ج : عده ای ویژگی ثبات عراق را وابستگی نفتی دانسته و به خط مشی فلج کردن صادرات نفتی عراق می رسند.

د : عده ای هم معتقدند که ثبات ایدئولوژی حزب بعث نشکند بقیه کارها فایده موثری ندارد
ه : برخی هم معتقدند که ثباتهای چهارگانه فوق به وجود صدام وابسته هستند و حذف صدام بک ضربه اساسی به ثبات نظامی، امنیتی، نفتی و ایدئولوژیک حزب بعث خواهد زد.

پاسخهای رئیس جمهور

به سئوالات دانشجویان



روحانیت
و
مجاهدین

باتوجه به اینکه هر تشکک الهی و اسلامی کسی ست در زمینه سازی برای ظهور امام زمان (عج) و رشد و گسترش جامعه توحیدی بدون ظلم و امتیازات طبقاتی معهدا در دوران انقلاب باید بحران تشکیلاتی مواجهیم که به شرح آن می پردازیم .
بعد از ضربه سال ۴۰ مجاهدین یک موج فکری بوجود آمد که علت ضربه سال ۴۰ را فقدان یک روحانی مجتهد در سازمان میدانست هر چند که اغلب روحانیون مبارز همچون آیه آ... طالقانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، حجت الاسلام خامنه ای، حجت الاسلام طبری، حجت الاسلام داعی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی (باکی انتقاد) سازمان را تایید میکردند.

توضیح :

بدلیل آماده نشدن صفحات، سخن امام راهنمای مستضعفین و خط امام در کلام آیه آ... العظمی منتظری، این مطالب در شماره آینده بچاپ خواهد رسید

ریشیایی اجالی
رسالت

پیگیری فرمان امام
در هفته دولت

گام به گام با

حجه الاسلام رفسنجانی

در قضیه کثرتارین

فقه اصالت انسان خدا جو
یا
اصالت مالکیت

شهید مطهری

و مبانی فقه

انگیزه و هدف :

بر اساس اظهارات رسمی، در بین نیروهای انقلابی عراق و همچنین در بین مسئولین جمهوری اسلامی تحلیلهای مختلفی نسبت به ثبات ارتجاعی عراق وجود دارد که این نظریات در عمل به خط مشی های مختلفی علیه بعث متجاوز عراق تبدیل می شوند. این نظریات عبارتند از:

الف - عده ای ویژگی ثبات عراق را نظامی دانسته و به خط مشی انهدام نیروهای نظامی و خرد کردن ماشین جنگی عراق می رسند.

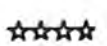
ب - عده ای ویژگی ثبات عراق را پلیسی امنیتی دانسته و به خط مشی شکستن تور امنیتی و خوف مردم از سازمان امنیت آنجا می رسند.

ج - عده ای ویژگی ثبات عراق را وابستگی نفتی دانسته و به خط مشی فلج کردن صادرات نفتی عراق می رسند.

د - عده ای هم معتقدند که تا ثبات ایدئولوژیک حزب بعث نشکند بقیه کارها فایده موتری ندارد.

ه - برخی هم معتقدند که ثبات های چهارگانه فوق به وجود صدام وابسته هستند و حذف صدام یک ضربه اساسی به ثبات نظامی، امنیتی، نفتی و ایدئولوژیک حزب بعث خواهد زد.

لذا برای رسیدن به یک انسجام نسبی و درآوردن اولویتها و اصلی فرعی کردن کارها بر آن شدم تا به بررسی خط مشی های موجود بپردازم و در پایان پیشنهادهای خود را مطرح نمایم. امیدواریم با توجه به کمی اطلاعات، این گام و کوشش تحقیقاتی از طرف نیروهای انقلابی و مسئولین دلسوز تعقیب و تکمیل شود.



الف - نظریه ثبات نظامی و خط مشی انهدام نیرو و خرد کردن ماشین جنگی عراق:

صاحبان این نظریه معتقدند که اصلی ترین ویژگی عراق ثبات نظامی آن است و منظور آنها از ثبات نظامی ارتش و نیروهای مسلحی است که پشتوانه حزب بعث بوده و تا زمانی که حزب بعث از حمایت نیروهای مسلح برخوردار است، به تجاوز و سرکوب خود ادامه خواهد داد. گستاخی حزب بعث ناشی از تکیه حزب به نیروهای مسلح می باشد. ناگفته نماند که بسیاری از افسران و فرماندهان عراقی عضو تشکیلاتی حزب بعث بوده و با آموزشهای حزب بعث را قبول دارند. صاحبان این نظریه معتقدند اگر بعث عراق به ایران تجاوز کرده و میکند علنش با روی نظامی او یعنی ارتش عراق می باشد.

با توجه به این تحلیل اصلی ترین گام و خط مشی انهدام نیرو و خرد کردن ماشین جنگی می شود. در این خط مشی طبعاً "مجاهدین عراقی که در ایران فعالیت دارند، بایستی به خدمت جبهه ها درآیند و مجاهدین عراقی داخل عراق نیز به ایمن خط مشی از طریق اطلاعات و غیره کمک نمایند. در بررسی این نظریه و خط مشی باید گفت:

اولاً بجای آنکه اساس کار این خط مشی

بسیج و فعال کردن مجاهدین در داخل عراق باشد، بیشتر به طرف جبهه ها بوده که این شیوه در دراز مدت جنگ را از حالت رهایی بخش خارج کرده و به صورت جنگ دولتی یا دولت درمی آورد. در حالیکه اساس کار باید تقویت جنگ رهایی بخش یعنی جنگ بین مردم عراق از یک طرف و رژیم وابسته عراق از طرف دیگر باشد و بقیه امکانات نیز

نظریات بوجه نسبت به ثبات شکنی بعث متجاوز عراق

با بدراین جهت فعال شوند.

ناگفته نماند که بسیج مجاهدین به سمت جبهه ها در این خط مشی بهتر است از کارهای صرفاً "تسلیماتی و فرهنگی". از موضع کار تبلیغاتی و کارهایی نظیر پیوستن - زنی، نماینده این خط مشی انتقاد کرد.

ثانیاً: از آنجا که این جنگ تحلیلی معلول خط مشی آزادی قدس از جانب جمهوری اسلامی است، و بعث عراق با شعارهای ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی چپ نمایی میکند و سربازان و درجه داران و بسیاری از افسران عراقی انگیزه های ضد صهیونیستی دارند. لذا اساس کار ما در مورد ارتش عراق بایستی تقویت انگیزه های ضد صهیونیستی و "حرآفرینی" در درون آن باشد و نه صرفاً انهدام نیروها. چرا که در خط مشی آزادی قدس، این ارتش بایستی برای از بین بردن صهیونیسم به کار برده شود. فرجام خط مشی انهدام در دراز مدت بد آنجا می رسد که بین دولت ایران و عراق کینه ها پی

متقابل بوجود آید که حتی پس از پایان جنگ و حذف صدام، اتحاد ایران و عراق علیه اسرائیل ناممکن گردد.

در رابطه با حرسازی در ارتش عراق فرماندهی سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۱ عیدین مضمون مطرح کرده بودند که جمهوری اسلامی قصد انهدام کامل ارتش عراق را ندارد چرا

که بایستی این ارتش در جهت ضربه زدن به صهیونیسم استفاده شود. (اطلاعات ۶۰/۹/۱۶)

ثالثاً: از آنجا که حزب بعث عراق قدرت ایدئولوژیک (آرمانخواهی عرب و سوسیالیسم) و لذا قدرت کادرسازی و تربیت دارد، بنابراین ضربه های نظامی را میتواند تا تکیه به این قدرت ایدئولوژیک و درآمدنفت و تورپلیسی حزب بعث ترمیم و با سزای نمایی که از عملیات رمضان به بعد شاهد آن بوده ایم.

ب - نظریه ثبات پلیسی امنیتی و خط مشی شکستن خوف مردم از سازمان امنیت عراق:

صاحبان این نظریه معتقدند اصلی ترین مانع رهایی و قیام مردم عراق خوفی است که مردم از سازمانهای امنیتی پلیسی

فرماندهی سپاه پاسداران در سال ۶۱ بدین مضمون مطرح کرده بودند که جمهوری اسلامی قصد انهدام کامل ارتش عراق را ندارد چرا که بایستی این ارتش در جهت ضربه زدن به صهیونیسم استفاده شود. (اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۶)

عراق دارند. می گویند پلیس سیاسی عراق به لحاظ سرکوب و ترور و وحشت قابل قیاس با ساواک منحل شده نیست. چرا که ساواکها مزدور بوده و برای پول کار می کردند و پلیس سیاسی عراق برای سرکوب های بی توجه ایدئولوژیک داشته و لذا انگیزه دارند. منظور از ایدئولوژی حزب بعث، شعار وحدت عرب، آزادی، سوسیالیسم "میباشد باید توجه داشت که وحدت عرب یا "عربیت" از آنجا که زیر فشار اسرائیل بوده به یک پدیده مظلوم هم تبدیل شده و این انگیزه در بین مردم عراق از پایگاه قوی برخوردار است. بطوری که حتی سازمانهای اسلامی درون عراق هم معتقدند که بایستی مرجع تقلید علما، صلاحیت از نواد عرب باشد تا بتواند پذیرش عامه مردم عراق را بدست بیاورد.



می گویند سازمان امنیت عراق تسور امنیتی پلیسی خود را در تمام ارگانها مدارس، دانشگاهها و روستاها گسترده است و تا این تورشنکند امکان هیچگونه تشکلی سلاح، مشورت، حرکتی محدود و بی نظاهرات وجود ندارد. یعنی ها توانسته اند بدون خانواده ها نفوذ کنند تا حدی که پسر علیه پدر و مادر چاقوسی می نماید.

صاحبان این نظریه معتقدند اگر عراق یک سازمان امنیت قوی باشد که چپسری گسترده نداشته باشد امنیت برای حفاظت نفت و صدور نفت باقی خواهد ماند و نه ارتش می تواند انسجام خود را حفظ نموده و نه حزب بعث میتواند حاکمیت جابرا نه خود ادامه دهد.

جهت تقریب به ذهن و ملموس شدن به ذکر چند نمونه می پردازیم:

قره باغی در کتاب خاطرات یک ژنرال می گوید: روزهای ۲۱ بهمن به ما خبر میرسد مردم چند کلانتری را تصرف کرده اند ولی فرماندهان نظامی دیگر این تصرفات را تا بید نمی نمودند تا اینکه از بختیار پرسیدم: او با طور موثق گفت کلانتری فرماندهی که نزدیک منزلش بوده سقوط کرده است. آنگاه قره باغی چنین نتیجه میگیرد: از آنجا که سازمان امنیت و شبکه خربیش از بین رفته لذا ارتش با تمام طول و عرض تاب مقاومت را نخواهد داشت و به جمع بندی تسلیم میرسد.

صاحبان این نظریه معتقدند ثبات نظامی و ثبات نفتی و ثبات ایدئولوژیک بدون ثبات پلیسی امنیتی میسر نمی باشد. قبل از سقوط شاه در بین نیروهای مبارز و نظریه برای پیروزی انقلاب وجود داشت. مثلاً "مجاهدین معتقد بودند اصلی ترین مانع حرکت، خوف مردم از تسور پلیسی ساواک که در ذهنها لانه کرده است، می باشد. لذا ابتدا بایستی بایک قیام این تورپلیسی را در شهرها شکست و سپس ارتش را بدون شهرها کشاند، تا با برخورد - های کوروش، موجبات قیام مردم را فراهم نماید.

گروههای دیگر منجمله فدائی ها معتقد بودند که اصلی ترین مانع حرکت مردم، ارتش شاه است. لذا بایستی در جنگلهای شمال یک منطقه آزاد شده ایجاد نمود و ارتش را از این طریق شکست داده و ثبات نظامی ایران را شکسته و موجبات رهایی مردم را فراهم نمود.

فلسطینی ها هم در برخورد با مجاهدین به آنها گفته بودند که نباید شما اینقدر روی تورپلیسی تکیه کنید. بلکه شاه ارتش گسترده ای دارد که عضونا توی بوده و شما در ایران کوهستانهای زیادی دارید که میتواند حرکت را از آنجا شروع کنید.

در بررسی نظریه ثبات امنیتی باید گفت:

اساسی ترین فرقی که اعضای سازمان امنیت عراق نسبت به ساواک شاه دارند همانا انگیزه و ایدئولوژی جهت توجیه سرکوبگری شان می باشد. در این رابطه ساواک منحل نیز از سال ۵۳ به جمع بندی حزب بعث رسیده و شاه حزب رستاخیز را بوجود آورد. شاه ساواک مشاهده کردند که جوانان زیادی در زیر شکنجه مقاومت کرده و شهید می شوند و همچنین جوانان زیادی تا پای جوبه اعدام هیچ بقیه در صفحه ۲۷

شیوه عملیات نفوذی، محدود، بی امان، سراسر ذاتی، دراز مدت، هماهنگ و کم تبلیغ راه گشای جبهه ها میباشد.

روحانیت و مجاهدین

در جریان رحلت آیت‌الله بروجردی در اوایل سال ۴۰ انجمن اسلامی دانشجویان با چند اتوبوس به قم رفتند و در مراسم چهارم آیت‌الله بروجردی با یک تابلو که بر روی آن روایتی نوشته بودند که با سیاست‌شاه برخورد داشت شرکت کردند. از این مراسم عکس نیز گرفته شد و در مجله پیکار و اندیشه (ارگان انجمن اسلامی دانشجویان) به چاپ رسید. در آنجا طلاب نیز از دانشجویان انجمن اسلامی پذیرایی کردند و اولین اولین پیوند دانشجویان و طلاب حوزه بود. گردانندگان این انجمن اسلامی بعد از جزو سازمان دهندگان مجاهدین شدند. آنها اول در نهضت آزادی فعال بودند. جلسات هفتگی انجمن اسلامی نیز در کتابخانه بصورت شبانه در خیابان امیریه نزدیک منزل دکتر شیبانی برگزار میشد. بعد که انجمن گسترش پیدا کرد جلسات زیادتری داشتند. کلاسهای اسلام‌شناسی بوسیله سید مرتضی جزایری شبهای جمعه برگزار میشد.

کلاس در شرکت انتشار بود که آقای شاهچراغی در آنجا تدریس مینمود. عده‌ای از اعضا شبها به منزل آقای جعفری تبریزی فیلسوف می‌رفتند و از سخنرانی ایشان استفاده میکردند. شبهای جمعه هم در مسجد هدایت تفسیر قرآن برپا بود و عده‌ای هم به آنجا می‌رفتند. آقای شیبانی و آقای گلزاده غفوری نیز کلاسهای دیگری داشتند. شهید حنیف نژاد و مهندس بازرگان کسانی بودند که پای روحانیت را در دانشگاه‌ها باز کردند. برای جشن صحت و ۱۵ شعبان و تولد حضرت علی (ع) در یکی از دانشگاه‌ها یا کوی دانشگاه روحانیون را دعوت کرده و سخنرانی میکردند و دانشجویان و برخی استادان هم در آن شرکت میکردند و کلمه آمدن روحانیون به دانشگاه عادی شد. دیدگاهی که راجع به اسلام در دانشگاه وجود داشت و اکثر اسلام را با کلیسا و انگیزاسیون مقایسه میکردند و فکر میکردند اسلام همچون کلیسا ضد علم است عوض کردند. آنها تهری را که معتقد بسود سلمانها روحانیت کودتای ۲۸ مرداد را تأیید کرده از بین برده و تلویحاً مخالفت خود را با رژیم اعلام میکردند. در این سخنرانیها در مورد رابطه علم و دین نیز خیلی صحبت میشد. یکی انگیزاسیون دوره رنسانس و کلیسای روم را میگرد و سلمانها را اهل علم و تجربه و کاوش و تحقیقات میدانستند. در کنار این حرکتها جلسات ماهانه‌ای نیز بود که همراه یکی سخنرانی میکرد. در این جلسات ماهانه افرادی مانند آیت‌الله طالقانی، استاد مطهری، سید مرتضی جزایری، گلزاده غفوری، سید موسی صدر، شهید بهشتی، حاج میرزا خلیل کوهی و... شرکت کرده و سخنرانی میکردند. مستمعین جلسات ماهانه همان اعضای انجمنهای اسلامی بودند و گردانندگان این

این تشکیلاتی که همه تحت نظارت و قیمومیت روحانیت است اما هر یک دیگری را قبول ندارد. بنی صدر با این جمعیتی که تمامی گروهها منحرف شده‌اند یک خط مشی ضد گروه را در انقلاب یاب کرد و دستهای مرموز دیگر هم این خط را دامن زدند. در حقیقت او بسا کوبیدن گروهها باند خود را تقویت نمود و شعار باند آری گروه هرگز را تثبیت کرد. دفتر هماهنگی نه ظاهراً گروه بود نه حزب ولی باندی شده بود که بر همه سلطت حکمفرمای میکرد و با همه گروههای انقلابی در افتاد.

در ریشه بانی تشکیل گروههای اسلامی مستقل از حوزه ملاحظه خواهیم نمود علت اصلی آن فقدان یک اسلام راهنمای عمل در حوزه‌های علمی است اسلامی که راهنمای عمل در سیاست اقتصاد و علم باشد. جوانهای مسلمان که فطرتاً عدل طلب و ضد ظالمند خواهان مبارزه با ظلمت بودند ولی حوزه‌های علمی به این نیاز پاسخی ندادند بلکه با جدا کردن حوزه ماده از حوزه معنی جواز تشکیل گروه و حتی انحراف آنان را صادر نمودند. گفتند یک حوزه معنی داریم که حوزه وجود و قرآن و روایت و علت و سببیت معنوی است و حوزه دیگری داریم بنام ماده که حوزه سیاست و اقتصاد و علم و کلاً تجربه و حوزه علت و سببیت مادی است.

آنها خود را در حوزه معنی محصور نموده و حوزه ماده را به دست غیر روحانیون دادند. شبیه همین تقسیم بندی در کتابهای مهندس بازرگان و مجاهدین بود که منجر به کتاب راه انبیا راه بشر شد. مجاهدین حوزه معنی را راه انبیا و قرآن و نهج البلاغه و... و حوزه ماده را راه بشر نامیدند. با نسخه‌ای که روحانیت برای جوانان پیچیده بود خود را مجاز شمردند که برای مبارزه با ظلمت در زمینه‌های علم و سیاست و اقتصاد از دستاوردهای بشر استفاده کنند که در این اسکلت ماثو چه گوارا، مارکس، ریکاردو، لاسال، پلانک، ساموئلسن و کینز هم جزو راه بشر بحساب می‌آیند. باید بجای منحرف شدن از بیخ و بن گروهها به دلسوزی آنان برای اسلام راهنمای عمل و در دین و در مردم هم توجه نمائیم. امثال حنیف نژاد نیز بدون برخورد با روحانیت دست به تشکیل گروه نزدند. در این نوشته برآنیم که سیر برخورد مجاهدین با روحانیت را از زمان تشکیل نطفه‌های سازمان مجاهدین بررسی نمائیم.

× × × × ×

قبل از ۲۸ مرداد دانشجویان اصیل مذهبی در خط دولت ملی صدق بودند. رژیم دانشکده فنی‌ای مانند مهندس بازرگان با این دولت همکاری میکرد و دانشجویان، که عرق ملی مذهبی داشتند در کادر فعالیت‌های دولت بودند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد فاصله بین دولت و ملت بوجود آمد این فاصله بخصوص در ۱۶ آذر که سه تن از دانشجویان شهید شدند بیشتر شد. همه جناح‌های دانشجویی از دولت فاصله گرفتند و انجمن اسلامی دانشجویان مخالفتش بیشتر شد. از آنجا که رژیم ادعا میکرد مذهبی و ضد کمونیست است و از روحانیت طرفداری میکند انجمن اسلامی فضای بازی پیدا کرد و رشد نمود. بیشتر دانشجویان هم به آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان گرایش داشتند و در سخنرانیهای ایشان و عاشورا تاسوا شرکت می‌جستند.

تا سال ۳۹ که فعالیت‌های دانشجویی بسیار زیاد شد انجمن اسلامی نیز گسترش پیدا کرد بطوریکه هر دانشکده‌ای برای خود انجمن اسلامی دایر کرد. تا آنوقت فقط دانشکده فنی نمازخانه داشت (آنهم به همت مهندس بازرگان). دانشکده‌های دیگر هم تلاش میکردند نمازخانه و مسجد داشته باشند و جلسات مذهبی هم برگزار شد. انجمن اسلامی دانشجویان بعد از انتخابات سنجاری داشت. در انتخاباتی که در هر دانشکده‌ای برگزار شد. شهید حنیف نژاد به عنوان نماینده انجمن اسلامی سراسر دانشگاه برنیزید شد. بعد از فوت آیت‌الله بروجردی سمینار انجمنهای اسلامی هم تشکیل شد که در آن انجمن اسلامی پزندگان و مهندسان و مکتب توحید نیز شرکت داشتند کتاب مرجعیت روحانیت از ثمرات این سمینار بود.

مقدمه:
باتوجه به اینکه هرتشنگ الهی و اسلام، کالی است در زمینه سازی برای ظهور امام زمان (عج) هر شد و گسترتر جامعه توحیدی بدون ظلم و امتیازات طبقاتی معینا در درون انقلاب بایک بحران تشکیلاتی مواجهیم که به شرح آن می‌پردازیم.

بعد از ضریب سال ۴۰ مجاهدین یک موج فکری بوجود آمد که علت مبره سال ۴۰ را فقدان یک روحانی مجتهد در سازمان میدانست هر چند که اغلب روحانیون مبارز همچون آیت‌الله طالقانی شهید بهشتی، شهید مطهری و حجت الاسلام خامنه‌ای، حجت الاسلام طیبی، و حجت الاسلام داعی و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی (باکم، انتقاد) سازمان را تأیید میکردند.

این جریان فکری حضور روحانیت را در تشکیلات مانع هرگونه انحراف و التقاط تصور میکرد. پس از انقلاب تشکیلهای داشتیم که با نظارت و حضور روحانیت اداره میشد همچون حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب خلق مسلمان، گروه سید مهدی هاشمی، گروه جامعه مدرسین، گروه فدائیان اسلام، گروه انجمن حجتیه، گروه مؤتلفه اسلامی، حزب خلق مسلمان که برهبری یک مرجع تقلید تشکیل یافت و اقبتربه کودتای امریکایی و خطش براندازی علیه مرجع دیگری یعنی امام خمینی منجر شد.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم که نماینده ولایت فقیه داشت به انشعاب و تفرقه کشید عده‌ای بعنوان جناح اول یا بنده تلقی شدند جناح رشد یافته هم که سرانجام به بهانه جبهه رفتن و کسالت نماینده امام منحل شد. گروه دیدیم که ایشان به کارهای پر مشغله توی چون بنیاد رسالت که امر امام هم نبود پرداختند. بنظر رسید که علت انحلال این نبوده و در بین مردم تلقی دروغ شد و نتیجه اثر انفعال از روحانیت و تشکیلات گردید.

گروه سید مهدی هاشمی هم که اغلب طلاب روحانی بودند و کانال ولایتی هم داشتند و خودشان دیگران را به گروه‌گرایی و نداشتن کانال ولایتی متهم میکردند سرانجام به عنوان یک گروه التقاطی و منحرف تلقی شد و به دستگیری انجامید.

گروه مؤتلفه اسلامی هم که منشأ خدماتی در ابتدا بود حالا بدینصورت در آمده است که تحریفات آقای بادامچیان را از تاریخ معاصر یا تأیید میکند یا در برابر آن سکوت میکند. ایشان بجای تصحیح اشتباهات گذشته سعی در توجیه دارند که این مسئله را بدتر میکنند مثل قتل که سید مهدی مجاز شمرده و بعداً انکار میکرد و سپس با ضربه زدن به شخصیت‌های مذهبی اعتراف کرد.

بنی صدر با این جمع بندی که تمام گروهها منحرف شده اند یک خط مشی ضد گروه را در انقلاب با یک کسردو دستهای مرموز دیگر هم این خط را دامن زدند، در حقیقت او با کوبیدن گروهها با نذخود را تقویت نمود

انگلسون مشاهده میکنیم که گروه مؤتلفه از نیت اولیه بنیانگذاران چون شهید عراقی جدا شده و با باند مرموز امثال بقاییها و... همراستا شده‌اند.

حزب جمهوری اسلامی که با جمع بندی و عبرت از جنبشهای گذشته اسلامی به لزوم یک تشکیلات فراگیر آهنگین رسیده بود نیز زوفا رهای مختلف رویه محدود شدن و انحلال میورد. واقعیت این است که گروه رسالت و حوزه حزب را قبول ندارند و معتقدند تا تشکیلات سراسری حوزه‌های علمی با آموزش منسجم آن وجود دارد تشکیلاتی جدا از تشکیلات حوزه چه ضرورتی دارد؟

نمونه دیگر انجمن حجتیه ضدبهای است که مؤسسان یک مجتهد فقیه میباشد و اکثر مراجع و مدرسین آنرا تأیید کرده بودند و رجوع شونده کتاب در راستای فقه و کتاب نظرات نماینده امام در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. دیدیم که کارتر به انحلال کشید و امام خصی ایدئولوژی آنها را اسلام امریکایی خواندند.

در مورد گروه جامعه مدرسین بنظر میرسد با این شیوه‌ها و عملکرد آنها نمیتوانند جوانهای انقلاب را در برگیرند. بعنوان مثال هنوز فقهت شریعت‌داری را قبول دارند و فقط مرجعیت او را نفی کرده‌اند آن هم با تردید. یا نظراتی که در مورد شکنجه داده‌اند ویا تحریف تاریخ (رجوع شود به کتاب نگرشی به نهضت ملی ایران و مقایسه چاپ دوم و سوم آن دراه مجاهد شماره ۲۰ تحت عنوان تحریف تاریخ و هم چنین کتاب چهره حقیقی صدق السلطنه از انتشارات جامعه مدرسین).

در ریشه‌هایی تشکیل گروههای اسلامی مستقل از حوزه ملاحظه خواهیم نمود علت اصلی آن فقدان یک اسلام راهنمای عمل در حوزه‌های علمی است اسلامی که راهنمای عمل در سیاست اقتصاد و علم باشد.

جلسات بیشتر هواداران نهضت آزادی بودند. در مقابل این جلسات فرهنگ نخعی و روحانیون خارج از دانشگاه هم بودند که سعی داشتند دانشجویان را از حرکت مسجد هدایت بازدارند و به این حرکت که در جهت احیای قرآن بود مارک و هابیکری و سنی گری میزدند. جریان مسجد هدایت معتد بودند در حالیکه انگلیس و اسرائیل و فرانسه علیه مسلمانان مصر و اهل تسنن دخالت نظامی کرده‌اند ما نباید غلبه مسلمانان حرکت کنیم. اختلافات ما با اهل تسنن بجا ولی وحدت مسلمین در مقابل استعمار باید حفظ شود.

در بهمن ۴۱ آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی دکتر شیبانی و شهید حنیف نژاد دستگیر میشوند. بدنبال اینها هم مهندس سبحانی، آقای محمد مهدی جعفری دستگیر شدند.

جریان روحانیت نیز تحت رهبری مراجع و بخصوص امام به اوج خود رسیده بود. انجمن اسلامی دانشجویان هم وقتیکه حرکت روحانیت شروع شد اعلامیه داده و جوهره ضد سلطنت اعلامیه مراجع را ذکر کردند. نهضت روحانیت از مخالفت با انجمنهای ایالتی و ولایتی و شرکت زنان در آن شروع شد ولی انجمن اسلامی سعی داشت این حرکت را به سمت ضدیت با ظلم دربار و ستشاهی بکشاند و خیلی هم در این رابطه نقش داشتند. اعضای انجمن اسلامی در حرکت روز دوازده خرداد (عاشورا) نقش بسزایی داشته و دوتن از اعضای انجمن در مقابل دانشگاه سخنرانی کردند. همینطور که روحانیت و دانشجویان در عمل صالح زمان شرکت داشته و حرکت میکردند

پیوندشان نیز زیادتر میشد. روزی که به مدرسه فیضیه حمله کردند لطف... میشی و فرد دیگری در حجره حجت الاسلام حجتی بودند بعد هم در کلاسهای انجمن اسلامی کتاب راه طی شده را به دست جمع میخوانند.

در هنگام تظاهرات ۱ خرداد عده ای در زندان بودند و عده زیادی نیز در تظاهرات شرکت داشتند. بعد از ۱۵ خرداد آیت... میلانی از شهید به تهران آمده و در خیابان امیریه اقامت کردند. آیت... شریعتمداری از قم به تهران آمده و در شهریور اقامت کردند. انجمن اسلامی و چه های نهضت آزادی هردو با مراجع تماسهای میکردند بخصوص با سید مرتضی جزایری که بچه های انجمن را خوب می شناخت. مراجع انتخابات بعد از ۱۵ خرداد را تحریم کردند که نقطه عطفی در تاریخ روحانیت بود. این تحریم دره موجود بین مردم و سلطنت را عمیقتر کرد. در شهریورماه شهید حنیف نژاد از زندان آزاد شد.

در اواخر سال ۴۱ جریانی بوجود آمده بود که میگفت اعضای نهضت آزادی سلمان هستند ولی سلمان باید اسلام راهنمای عمل داشته باشد. همینطور نمیتواند سلمان بود و تحلیل اجتماعی نداشت و این موضوع را با آیت... طالقانی، دکتر سجایی و مهندس بازرگان در میان گذاشتند. این نیاز مطرح بود تا بعد از ۱ خرداد که شدت گرفت شهید حنیف نژاد میگفت مردم انگیزه دارند و شهادت طلب هستند ولی روش و شیوه میخواهند فقرا فقر روش و شیوه است.

مهندس میشی نقل میکردند "بعد از ۱۵ خرداد یکبار با شهید حنیف نژاد به قم رفتم هدفمان این بود که صدای آیت اول سوره بقره را در شرایط فعلی چه کسانی هستند یعنی نیاز ما صدای آیت... آیت... ربانی شیرازی و حجت الاسلام سید هادی خسروشاهی و آقای مکارم شیرازی ملاقات کردیم. شهید بهشتی گفتند کتاب راه طی شده آنرا بخوانید آقای بازرگان یک تنه زحمات زیادی کشیدند در مورد مؤمن منافق و کافر گفتند باید فکر کرد انشا... بازم خدمت میرسیم.

شهید حنیف نژاد به این جمع بندی رسید که اینکارها را خودمان باید انجام دهیم و شیوه روش در آهریم. بعد حنیف نژاد به سوزاری رفت و در این رابطه من هم دستگیر شدم.

قبل از سال ۵۰ همانطور که حنیف نژاد میگفت مسئله سازمان را با آیت... طالقانی مطرح کرد. او قبل از سال ۵۰ نیز با آقای خامنه ای تماس داشت. وقتیکه مجاهدین حرکتشان علنی شد همه روحانیون حمایت میکردند. آیت... طالقانی به همین علت دستگیر و تبعید شدند. آقای طبسی، آیت... ربانی شیرازی، استاد مطهری، گلزار ده غفوری، (که در خارج از کشور بودند) از سازمان حمایت میکردند. آیت... شریعتمداری هم نامه ای به شاه نوشت که اعضای سازمان را اعدام نکند شاه در جواب نوشت شما دیگر چرا از یک مشت خرابکار حمایت میکنید. حجت الاسلام طبسی نیز سهم امام میدادند. آیت... منتظری کمک مالی میکردند. حجت الاسلام داعی هم حمایت میکردند. کلاً از میان روحانیون هیچکس مخالفتی با مجاهدین نکرد. تشکیلات فعلی امام نیز همه با مجاهدین موافق بودند. آقای هاشمی رفسنجانی انتقادهایی به کتابهای اقتصاد به زبان ساده و شناخت داشتند اما از طریق شهید رجایی، با آقای هاشمی تماس داشتیم. مهندس احمد جلالی رابطه نزدیکی با استاد مطهری داشت و از طرف دیگر با سازمان هم پیوند داشت. او میگفت در دانشکده الهیات نظر آقای مطهری را راجعه مجاهدین پرسیدم ایشان عمامه خود را برداشته و مشغول فکر کردن شدند و گفتند من چه صلاحیتی دارم که راجع به مهندس علی اصغر بدیج زادگان اظهار نظر کنم.

سال ۵۲ که از زندان خارج شدم شهید بهشتی پیام دادند که شما را ببینم. بحثهای زیادی راجع به مسائل درون زندانها داشتیم و اینکه کار ایدئولوژیک لازم است و مقداری از دستاوردها را به ایشان گفتم گفتند شما در جنبه مادر پشت جبهه در نهایت به هم میرسیم. و خدا پشت و پناهنشان باشد. ایشان میگفتند اگر مجاهدین ضربه بخورند اسلام ضربه میخورد میگفتند اسلام تاکنون عمل نداشته است و اکنون این عملش و اسلام پیشتازی خود را عمل هم نشان داده است. آیت... طالقانی میگفتند اینها را که پیش ما می آیند برای دادن وجوهات به آنها میگویم بروید خودتان پیدا ایشان کنید و هدیه تاعلاوه بر پول پیوندی هم بین آنها و سازمان ایجاد شود.

آقای داعی و املائی نیز در ایور روحانیت مبارزه عراق را اداره میکردند و در بیت امام هم بودند. شهید محمد منتظری، آقای لاهوتی، آقای معادپخواه همکاری کامل با سازمان داشتند بکتاب امام حسین (ع) را

قبل از چاپ شهید حنیف نژاد به آقای خامنه ای دادند بخوانند بعد از آن حنیف نژاد آمده بود با خوشحالی که آقای خامنه ای خوانند بعد از نظرخواهی از عده ای از علما به چاپ رسید. راجع به تحلیل اوضاع انقلاب... با آقای خامنه ای تماس میگرفتند. کلاً هیچ روحانی با جنبش سلحشانه که از مجاهدین هم بوجود آمده مخالفتی نکرد ساواک سعی کرد با قتل مرحوم شمس آبادی نقطه عطفی بفتح خود در جنبش سلحشانه ایجاد کند. توضیح آنکه تا آنزمان هر که را که مجاهدین اعدام انقلابی میکردند یا امریکایی بود یا درباری یا انگلیسی و یا وابسته به اسرائیل بود و مقتول و کافر و قاتل و مؤمن و مجاهد به حساب می آمد ولی بعد از قتل شمس آبادی این واژه ها جای خود را عوض کردند و مقتول، مرحوم و شهید و قاتل، کافر و ساواکی به حساب می آمد. ساواک میخواست روحانیون را از این طریق جذب کرده و همه آنها را علیه جنبش سلحشانه بسیج نماید. مادر زندان اینکار را تحلیل کرده و محکوم نمود و گفتیم اینها بجای فعال شدن در تضاد خلق و امپریالیسم در تضاد کار و سرمایه فعال شدند که انحرافی است در

۱. مرجعها دو مباحثه را بنا بدینصافی کردند که دانشجویان روحانی و... با بدبینان را تا... میدکند. یکی از آفتهای انقلاب این است که امر مباحثه صنفی شود. اوایل انقلاب به هر کس انقلابی تر بود و سابقه خوبی داشت ارزش بیشتری داشت ولی حالا مملکت ارزشها نزدیکی به یک صنف شده است

حرکت انقلابی مردم. منظر این است که تا آن زمان هیچ روحانی علیه مجاهدین حرفی نزنده بود حتی پس از قتل مرحوم شمس آبادی نیز کسی علیه حرکت اصلی مجاهدین حرفی نزد. تشکیلات امام نیز آنها را تأیید میکردند. مجاهدین هم جان به کف بوده و شهید میدادند. امام هم موضع علنی علیه سازمان مجاهدین نگرفتند و تمام تشکیلات امام بنفهم سازمان و هوادار آن بودند کسی هم شک نمیکرد که امام مخالف خط مشی و ایدئولوژی سازمان باشد امام از چنین جریانی که کار میکرد و شهید میداد بی خبر نبودند ولی موضعی هم علیه آنها نگرفتند از سال ۵۱ در درون زندان و بیرون آن انتقاداتی به ایدئولوژی سازمان وجود داشت و کسی از انتقاد امام به ایدئولوژی سازمان خبری نداشت جز آن دو نفری که با امام ملاقات کردند.

عده ای خط مشی سازمان را مشی چریکی جدا از توده میدانند در حالی که آیت... طالقانی با پشتوانه ۳ میلیون مردمی که برای تشییع جنازه او آمدند از این سازمان دفاع میکردند و مشی سازمان جدای از توده ها نبود. امر جبهه و مبارزه را نباید صنفی کرد که دانشجویان روحانی و... باید اینکار را تأیید کنند. یکی از آفتهای انقلاب این است که امر مبارزه صنفی شود. اوایل انقلاب هر کس انقلابی تر بود و سابقه خوبی داشت ارزش بیشتری داشت ولی حالا ملاک ارزشها نزدیکی به یک صنف شده است در انتخابات در دروم مجلس حزب جمهوری اسلامی کاندیدا نداد. احزاب سیاسی دیگر هم کاندیدا ندادند. کمیته صنفی بازار، روحانیت مبارزه، دانشجویان، معلمین کاندیدا دادند.

در تحلیلی که استاد مطهری در کتاب مرجعیت و روحانیت از روحانیت شیعه ارائه میدهند ویژگی آنرا عوامزدگی میدانند. ایشان معتقد بودند روحانیت مصر و اهل تسنن روحانیت دولتمداری است و آنها دولتمداران اولی الامر میدانند و استقلال خود را از دست میدهند یعنی اگر کسی مثل مرحوم عبدالناصر که مرفق بود روی کار باشد روحانیت هم مرفق میشود و اگر کسی مثل سادات پیدا شد روحانیت هم مثل خودش می شود. آقای مطهری معتقدند برعکس روحانیت شیعه دولتمداری نیست ولی عوامزده است. مقاله استاد مطهری در سازمان بعنوان یک مقاله استراتژیک آموزش داده میشد. از این مقاله شهید حنیف نژاد چیز دیگری در آورد گفت... عمل صالح زمان ما مبارزه سلحشانه مکتبی با رژیم شاه است. استاد مطهری معتقدند روحانیت عوامزده است حال ما بجای عوامزده میگوئیم توده زده است و بعد اگر توده ما را با نامل صالح زمان یعنی خط مشی ضد سلطنت و ضد امپریالیسم ضد صهیونیسم بسیج کنیم روحانیت بسیج زده میشود یعنی در مقابل بسیج توده موضع میگیرند عده ای از آنها به اعتبار قرآن و سنت و روایت و فرهنگ عاشورا و شهادت در کنار مردم می آیند و مردم را تأیید میکنند و عده ای نیز که در این حرکت اصیل به مردم نمیوندند و در مقابل آن بنیستند منزوی میشوند. سازمان معتقد بود روحانیت به فرهنگ انقلابی شیعه صلح

است و وقتیکه مستضعفین بسیج شوند یک بخش از روحانیون به علت فرهنگ انقلابیشان این بسیج توده را تأیید میکنند. در بعضی شهرستانها وقتیکه از روحانیون سؤال میشد که میتوان یا مجاهدین همکاری کرد جواب آنها تأیید آمیز بود حتی در جریسان انقلاب نیز در منزل آیت... خادمی در اصفهان عکس لطف... میشی و شهید شریف واقفی نصب شده بود. و یادار اعتصاب غذا بی که در پاریس توسط شهید محمد منتظری برپا شده بود عکسهای از آیت... طالقانی، آیت... منتظری، مهندس سجایی، مهندس میشی و سید مهدی هاشمی زده شده بود و جزوه ای با عکس و شرح حال آنها منتشر شد. اینکه بگوئیم جریان مجاهدین جدای از روحانیت بود صحیح نیست. کتابهای امام حسین (ع)، راه انبیا راه بشر، سوره محمد (ص)، خطبه عثمان ابن حنین و... از طرف سازمان چاپ شده بود و لازم بود که با آن برخورد شود روحانیون اگر اشکال و مسئله عده ای در این کتابها میدیدند باید با افراد سازمان که مذهبی صادق و جان به کف بوده و زیر شکنجه مقاومت نموده و شهید میشدند مطرح میکردند. روحانیت حوزه های عراق هم اکنون مبارزه ای علیه رژیم صدام ندارند و به همین علت گروههای سیاسی خارج از حوزه که علیه صدام میجنگند مشروعیت پیدا میکنند و حتی صدام نیز مشروعیت پیدا میکند.

مبارزه بر علیه ظلم یک حرکت دفاعی است ظلم تجاوز است و حرکت علیه ظلم دفاع و تعطیل بردار نیست و نیشود گفت حال که روحانیت حوزه عراق در سیاست فعال نیست پس کرد دیگری نیز علیه صدام مبارزه نکند حرکت دفاعی بر همه مسلمین واجب است و در همه رساله ها آمده است که دفاع فتوا بردار نبوده و مرجع و امام نیکو خواهد.

قرآن بر امامت ولایت و روحانیت و هر صنف دیگری مقدم است. روحانیت نیز تا کنون تفسیر محکی در مورد محکم و مشابیه در قرآن که کلید فهم قرآن نیز هست ارائه نکرده است. آنها میگویند حکمات آنهاست است که در آن شکی نباشد و همه مردم آنرا قبول داشته باشند. که این هم عوامزدگی است و در حقیقت منطق اوست که منطق عوام نیز هست محکم میشود و با قبول این حرف بدیهیات ارسطویی محکمتر از قرآن شده و ارزشهای الهی مفید و نسبی میشوند. اکثر علمای موجود میگویند محکم آن است که اکثر مردم در آن شکی نداشته باشند. روزگاری نیز در چرخش خورشید کسی شکی نداشت این محکم نمیشود. بسیاری از علما معتقدند در آن چیزی که کلی تر و فراگیر تر است محکم تر است.

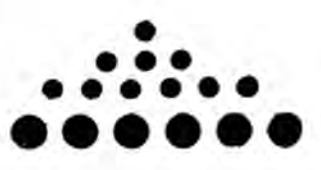
در جریان انقلاب مردم میگفتند این است شعار ملی خدا قرآن خمینی یعنی مردم از ارزش مطلق بنام خدا با الهام از الله اکبر شروع میکردند

وقتی که مجاهدین حرکتشان علنی شد همه روحانیون حمایت میکردند آیت... طالقانی به همین علت دستگیر و تبعید شدند. آقای طبسی آیت... ربانی شیرازی، استاد مطهری، آقای گلزاره غفوری از سازمان حمایت میکردند... کلاً از میان روحانیون هیچکس مخالفتی با مجاهدین نکرد، تشکیلات فعلی امام نیز همه با مجاهدین موافق بودند.

و با ملا خدا یعنی این ارزش مطلق، به آیت قرآن میرسدند و از آنجا که امام خمینی بیشترین آیت قرآن را تحقیق میدادند مردم رهبری ایشان را پذیرفتند. این در مقاله انسان عاشق راه مجاهد شماره گفته شد بیایم انسانها را با عشقشان به خدا و قرآن و امام اطهار و مستضعفین بسنجیم نه اینکه این انقلاب مقدس را صنفی کرده و ارزش های الهی را به ارزشهای شکی نظیر لباس و... خلاصه کنیم.

تجربه ۸ سال انقلاب بهتر نشان داد که در هر صنفی خوب و بد هست و تن آدمی شریف است به جان آدمیت. در آن مقاله نتیجه گرفته شد که انسانهای عاشق در هر مکان و لباسی که باشند هم دیگر را پیدا کرده و در یک راستا حرکت میکنند.

والسلام



وظیفه ما حفظ و تقویت اصلاح انقلاب است

آنها... منتظر

لزمه مبارزه مسلحانه

ضرورت بحث

در طی دوران انقلاب اسلامی و پیلور کلی تاریخ ما هد جریا نهی مرموزی هتم که همواره سعی میکنند میسارات و انقلابات مردم را خلق الساعه و بی نشان نهند. این جریانات برای پیشبرد چنین مقاصدی سعی میکنند جریا نهی مبارز در تاریخ را مخالف بکنند و گریه نهند. از جمله اختلاف بین انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی، هفت ملیت و انقلاب اسلامی مجاهدین و امام خمینی و...

در این مقاله ضمن مبارزه با دستهای مرموز، بر آنیم تا وحدت نظرهای امام خمینی و جریان مجاهدین در زمینه استراتژیک را مورد بررسی قرار دهیم. در این سلسله مقالات که بدنبال سفر تحول فکری مجاهدین به چاب مرسد سعی شده است مواضع امام و مجاهدین را در زمینه‌های زیر مورد بررسی قرار نهم باشد تا این مواضع همنودی برای حل مشکلات فعلی جامعه نیز ارائه دهد.

- ۱- دشمن اصلی کدام است؟ سلطنت، امپریالیسم یا صهیونیسم؟
- ۲- برخورد قهرآمیز با دشمن
- ۳- دراز مدت بودن مبارزه
- ۴- لزوم مبارزه مسلحانه
- ۵- لزوم کار مکتبی و کادر سازی
- ۶- لزوم کار تشکیلاتی
- ۷- لزوم طرح و تدوین استراتژی

بر این شمار - به بررسی نقطه نظرها بهرامون لزوم مبارزه مسلحانه می پردازیم.

مبارزه مسلحانه "از دیدگاه امام خمینی"

۱۰۲۶ درص ولایت فقیه امام خمینی در این مورد چنین میگویند: "... نهضتی که اگر حکام ستمکار و منحرف به آن تسلیم نشوند و به صراط مستقیم رویه اسلامی تبعیت از احکام الهی بازنیا بند و بخواهند با قدرت سلطنت آنرا ساکت کنند در حقیقت به تاج و زسلحانه دست زده و فقه باغیه" خواهند بود و بر مسلمانان است که به جهاد مسلحانه با "فقه باغیه" یعنی حکام تاج و زگر بپردازند..."

۱۰۲۷ درص کتاب ولایت فقیه چنین میگویند: "... همه چیز آماده و مهیا است و فقط میماند بر نامه‌های وزارت که آنهم به کمک و همکاری مشاورین و معاونین متخصص در رشته‌های مختلف در یک مجلس مشورتی ترتیب

از دیدگاه امام مجاهدین و نهضت مجاهدین

داده و تصویب میشود. خوشبختانه ملتها هم تابع و متحد است آنچه که کم دارد همت و قدرت مسلح است که آنرا هم انشاء الله بدست میآوریم. به عاصی موسی احتیاج داریم و همه همت موسی. کسانی باید باشند که عاصی موسی و شمشیر علی ابن ابی طالب را بکار ببرند." ۰۳ درص کتاب ولایت فقیه چنین آمده است: "... در صورتیکه اشعه دین، چندی (سرباز) بودند، سردار بودند، حتی بودند، در جنگها - بی که شرح را در تاریخ ملاحظه میفرمائید با لباس سربازی به جنگ میرفتند، آدم میکشند و کشته میدادند. امیرالمومنین علی (ع) خود بر سر مبارک میگذازد و زوره بر تن میکرد و شمشیر حمایل داشت. حضرت امام حسن و سیدالشهدا (ع) هم اینطوری بود حالا مطلب به اینجا رسیده که پوشیدن لباس جنی مضر به عدالت انسان است و نباید لباس جنی پوشید و اگر بخواهیم حکومت اسلامی تشکیل دهیم باید با همین عبا و عمامه تشکیل حکومت دهیم و الا خلاف مروت و عدالت انسان است اینها موج همان تبلیغاتی است که به اینجا رسیده و ما را به اینجا رسانیده که حالا

نهضتی که اگر حکام ستمکار و منحرف به آن تسلیم نشوند و به صراط مستقیم رویه اسلامی تبعیت از احکام الهی بازنیا بند و بخواهند با قدرت سلطنت آنرا ساکت کنند در حقیقت به تاج و زسلحانه دست زده و "فقه باغیه" خواهند بود و بر مسلمانان است که به جهاد مسلحانه با "فقه باغیه" یعنی حکام تاج و زگر بپردازند.

محتاجیم زحمت بکشیم که اثبات کنیم که اسلام هم قوا شد حکومتی دارد. ۰۴ در سخنرانی امام در عا شورا سال ۴۲ قبل از قیام ۱۵ خرداد ما موران شاه نژاد امام آمده و میگویند که از طرف امام علی حضرت بشما ابلاغ مینماید که اگر امروز سخنرانی کنید کماندها را به مدرسه میریزیم و آنجا را به آتش و خون میکشیم ما م بلافاصله در جواب آنها گفتند: "ما هم به کماندهای خود دستور میدهم که فرستاده‌های علی حضرت را تأدیب نمایند" و آنروز موقع سخنرانی، بسیاری از یاران امام و صحبتنامه نوشتند و آماده شهادت شده و برخی با اسلحه گرم و سرد مسلح شده بودند.

مبارزه مسلحانه از دیدگاه مجاهدین

مجاهد شهید علی میبندوست در دفاعیات خود چنین میگوید: "کودتای ۲۸ مرداد و کشتار ریحانه ۱۵ خرداد دخیبی نشان میدهد که ملت ما با بدبختی مبارزه مسلحانه روی آورد و تنها راه پیروزی را در آن جستجو کند. تکامل مبارزه در ایران همانند تمام مبارزات ملل جهان از حالت مسالمت حویانه

به قهر انقلابی و مسلحانه رسیده و آغاز دهه ۶۰-۳۵ از این دوره تاریخی در مبارزات ملت ایران است بدین دلیل است که ما اسلحه بدست گرفتیم و برای نشان دادن راه مسلحانه به خلق ایران به جنگ علیه هیئت حاکمه فاسد پرداختیم. بین ما و شما آقای داستانی که نماینده رژیم هستید فقط کلمه میتوانند کمیت داشته باشد. من با توهیح بحثی ندارم. اگر همین الان مسلسل بدست می رسید در شکست خالی میکردم... در جاسی دیگر از دفاعیه میگوید: "... توسل به مبارزه قهرآمیز و مسلحانه امری بدیهی است و تنها راه موجود برای احقاق حق خلق ماست که مدتهاست همه چیز خود را از دست داده است"

دفاعیه مجاهد شهید سعید محسن:

"ملت ما در پیرو تجربه روشن مبارزات ۷۰- ساله اش پی برده است که باید حق خود را مسلحانه از غاصبین بگیرد و اگر خنثی مسلحانه با لفظ در محیط مادر حال حواسی است ولی بالقوه دوران بلوغ آن رسیده است" و در جای دیگر از دفاعیه میگوید: "مگر در محیطی که حقوق مردم بحق پرداخته شود مگر مردم دیوانه اند که اسلحه بدست گیرند ما نیز برای دفاع از جان و مال و ناموس مردم اسلحه بدست گرفته ایم یک عده تحصیل کرده و روشنفکرانه سادیم دارند و نه در دست گرفته اند که اسلحه بدست بگیرند... این وظیفه

لزوم مبارزه مسلحانه با رژیم سلطنتی و حامیان امپریالیستی و صهیونیستی از دیدگاه نهضت مجاهدین خلق ایران

در صفحات ۲۱ الی ۲۴ کتاب سازمانها و مکتب آمده است: "در شرایط فعلی چرا مبارزه مسلحانه داریم؟ دلیل تاریخی (منظور تاریخ ایران است) : وقتی پیرو مبارزات خلق ایران علیه سلطنت و امپریالیزم بررسی شود میبینیم که همواره مبارزات مسلحانه باعث شده اند تا چه در مشروطیت چه سردار جنگل، قیام خیابانی، کنگل پیمان و... تا دوران مبارزات ملی عدل نقت... باز این جریا نهی مبارز در

لسان نصیحت کردن غیر از لسان سخن کردن ضایع کردن است امام خمینی

۱۰ خرداد خود را نشان میدهد که رابطه خلق با رژیم سلطنتی و حامی امپریالیستی امریک را بطلان آن گونستی است...
۲ دلیل دیگری که سازمان برای مبارزه مسلحانه نداشت این بود که رابطه خلق با امپریالیسم آن گونستی است...
دلایل دیگری که سازمان برای مبارزه مسلحانه نداشت این بود که رابطه خلق با امپریالیسم آن گونستی است...
پس مکتبی بودن مبارزه مسلحانه خواهد آمد...
صفحات ۴۰ و ۴۱ سازماندهی و مکتب...
" بعد از قیام ملی ۱۵ خرداد که موسسین سازمان به جمع بندی لزوم مبارزه مسلحانه رسیدند، بلافاصله دست به اسلحه نمیزدند با توجه به این مسائل بود که ضرورت مبارزه " مسلحانه مکتبی" مطرح شد...
پس آنرا در سال ۴۴ به این جمع بندی رسیدند که تنها، مکتب نجات بخش اسلام است که میتواند توده ها را نجات دهنده و مکتب تبیین کننده مبارزات رهایی بخش مسلحانه باشد... به کتاب مراجعه شود.

نتیجه گیری در لزوم مبارزه مسلحانه
الف) - نظر امام راجع به مبارزه مسلحانه علیه رژیم سلطنتی
دیدیم که امام معتقدند اگر

عده ای میگویند گروههایی مانند گروه شهید باهنر، حزب ملل اسلامی، فدائیان اسلام که علیه رژیم مبارزه مسلحانه کردند، برای این امر از مجتهدین فتوا گرفته و لی مجاهدین برای مبارزه مسلحانه و ترور شاخص فتوا نگرفتند

رژیم در مقابل نهضت اسلامی دست به تجاوز مسلحانه زند " فتنه باغچه" بوده و واجب است مسلمانان نیز به جهاد مسلحانه با آن رژیم بپردازند... رژیم محمدرضا بکبارتر قیام ۲۰ آذر به مردم تجاوز مسلحانه کرد و ۲۸ تن را شهید نمود و نیز از آن پس عده زیادی از انقلابیون راه همسایه رساند... مورخ ارتش شاه به ناگاه در ۱۶ آذر ۲۲ و نیز تهاجم نیروهای مسزور رژیم به مدرسه فاضله در فروردین ماه سال ۴۲ در حقیقت تجاوز مسلحانه به ملت بود... تهاجمی که به قتل عام بسیاری از طلاب و مردم قم منجر شد... در این روز ماورین فاسد رژیم بسیاری را از پشت یا مها به زیر انداخت و حتی اجساد آنها را هم به یغما بردند... رژیم محمد رضا شاه در آن زمان هم " فتنه باغچه" شمرده میشد... هر مسلمان مؤمنی که محافظه کاری و توجیه کاری را کنار میگذاشت به این جمع بندی میرسید و بنا بر فتوای امام راه مبارزه با حکام تجا وزگر، یعنی جهاد مسلحانه را در پیش میگرفت... امام خمینی در جامی دیگر برنا انقلاب و کمبونها را بر میسرند و میگویند همه چیز آماده است... در آن موقع بسیار

به بهانه اینکه متحصص اسلامی نداریم ما رتبه نداریم و قوا نمین اسلام تدوین نشده است... برنامه برای وزارتخانه نداریم...
از امر مبارزه با رژیم شاه خالی می کردند و مبارزات حق طلبانه زمان را نداشتند... درست و محکوم اعلام مینمودند... امام همه این بهانه ها را رد کرده و مفرمانند تنها چیزی که کم داریم یکی همت و اراده قاطع و تصمیم جدی به امر مبارزه است (ایمان) و دیگری قدرت مسلح... امام میگویند باید افرادی باشند که مسلحانه چون علی (ع) و حضرت موسی (ع) اقدام به مبارزه نمایند... در این گفتار همسراه مبارزه با رژیم تجا وزگر را مبارزه مسلحانه و تشکیل جمعیت مسلح میدانند...
ب) - نظر مخالفین مبارزه مسلحانه

در آن زمان مخالفین مبارزه مسلحانه به بهانه های فرعی جلوی رشد و گسترش این تفکر را میگردانند... آنها مطرح میکردند که اسلام با جنگ و خون ریزی مخالفت دارد... ما را با اسلحه چکار؟
اگر ما کجا مسلح بودیم؟ ائمه ما کی جنگ میکردند؟ لباس روحانیت متناسب با مسلح شدن و آموزشهای نظامی نیست... لباس نظامی و رزمی نباید به تن کرده و از این قبیل... این تفکرات بیشتر در حوزه ها و در بین روحانتمون غیر مبارز مطرح بوده و همت و مانع اصلی رشد مبارزان و منطبق روحانیت مبارز در میان روحانتمون بوده است... امام در پاسخ به این نوع تفکرات مطرح میکنند که ائمه همه جنگجو بودند... میگویند گفته میدانند و... امام با مبارزه ایدئولوژیک با این افکار ارتجاعی راه را برای مبارزه مسلحانه هموار کرده و بطور ایدئولوژیک از مبارزه مسلحانه با حکام تجا وزگر دفاع میکنند...
ج) - تشکیل گروه شهید محمد باهنر

این گروه خط می مسلحانه نداشت و بنا بود همزمان با گفتن منصور بعضی مهره های دیگر چون نصیری معلم باقبال و بعضی مدرسان جراید را که به امام توهین کرده بودند نیز اعدام انقلابی نمایند... و بعضی از مراکز وابسته به ترسارو امپریالیسم و صهیونیسم را منفجر کنند... شهید حاج مهدی عراقی نیز ما مور گفتن شاه بود که چند بار غنا سازی رفت ولی موفق نبود... این گروه پس از اعسداد انقلابی منصور لو رفته و هدگی اعضای دستگیر شدند... در تشکیل این گروه چند تن از روحانتمون نزدیک به امام نیز شرکت داشتند که برخی از آنان شناخته شده و چندتن نیز ناشناخته مانده اند... (شهید بهشتی) آیتا... محافل لندن انواری شهید مطهری آقای مولایی) و در حاشیه آقای هاشمی رفسنجانی و شهید رجایی... بعد از دستگیری این عده روحانیت مبارز و حوزه علمیه قم از آنها پشتیبانی میدیدند... نمودند و اعلامیه هایی در دفاع از آنها صادر کردند... آیتا... حاج سید عبا... غیر از آیتا... قمی با صدور اعلامیه از آنها حمایت کرده و خواستار آزادی اعضای گروه شدند... طلاب قم در منزل آیتا عظام گلپایگانی و نجفی مرعشی و هم در منزل شریعتی متحصن شدند و به

بیدارگاه اعنای این گروه اعتراض کردند روحانتمون بعضی از شهرستانها نیز همسین برنامه ها را داشتند... از حرکت مسلحانه گروه شهید باهنر باقی ماند... مشخص میشود که باران امام در آن موقع مبارزه مسلحانه را تأیید کرده و حتی خود بنان اقسام نمودند که این نمیتواند چنان از نظر امام باشد... لزوم مبارزه مسلحانه آنقدر بدیهی بود که حتی مراجع غیر امام هم بر این خط مشی تلویحا صحه گذاشتند... (صفحات ۸۱۰ تا ۸۲۸) کتاب نهضت امام خمینی

این گروه از آنجا که مراحل مبارزه را مشخص نکرده و بعضی پیچیدگیهای رژیم را در نظر نگرفته بود بعد از دستگیری کارهای اصلی، متوقف شده ولی از جهت نفس مبارزه مسلحانه و تخصیص نفین اصلی و انفجار مراکز صهیونیستی امپریالیستی و ترور مهره های رژیم به خط مجاهدین بیاهت زیادت نداشت...
د) - تأیید مبارزات مسلحانه فلسطین

امام همیشه انقلاب فلسطین را تأیید کرده و از آنها حمایت و پشتیبانی مینمود و در هیچ جا مبارزه مسلحانه توده ای آنها را محکوم ننمودند... بلکه همیشه خط سازش و مصالحه و پذیرفتن موجودیت اسرائیل را به هر نحو هم چون قرار داد کب دیوسد مدینا محکوم میکردند... جمله معروف امام

مبارزه با ظلم یک امر فطری دفاعی و ناشی از طبیعت است... طلبی انسان است و نیاز به فتوانندارد بلکه یک امر اصولی است و اصول ولایت بردار نیست، یعنی اگر مجتهدی فتوا بفرستد مبارزه با ظلم بدهد از اجتهاد ساقط میشود.

که میگویند قس را با مسلطهای متکی به ایمان آزاد میکنیم گواه بر این مطلب است...
ه) - شرکت باران امام در مبارزات مسلحانه

با شروع حرکت مسلحانه مجاهدین و اوج گرفتن آن روحانیت مبارز در ایران از این حرکت پشتیبانی کرده و با سازمان ارتباط داشته و با آن همکاری میکردند... عملیات نظامی مجاهدین نیز مورد تأیید واقع میشد... در رابطه با اعدام بنامان گذاران مجاهدین در سال ۵۱ روحانیت مبارز و حوزه علمیه و آیتا... منتظری و آیتا... مطالباتی موضع گرفتند و از آنها حمایت کردند... به بنا دگاه آنان اعتراض نمودند... کتاب گوهرهایی که در تاریکی درخشانند... امام اگر با مبارزه مسلحانه مخالف بودند حداقل باران نزدیک و روحانیت مبارز و مقلدین خود را از همکاری با این جریان و شرکت در این خط نمی میکردند...
و) - نظر امام راجع به مبارزه مسلحانه با امپریالیسم

تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی که اعتقاد به مبارزه مسلحانه توده ای بسا

امپریالیسم است... با تشکیل سپاه پاسداران که از لزوم مبارزه مسلحانه با بقایای سلطنت ناسی میدهد تا بیدار می فهمیده (نوجوان ۱۳ ساله ای که امام او را رهبر نامید) و بیفتاز نداشتن آن که تأیید شد... عمو مسلحانه چریکی در مبارزه با امپریالیسم مبادعو همچنین اعلام جنگ چریکی برای زدن با امپریالیسم از طرف سپاه پاسداران (که از طرف امام هم مورد تأیید قرار گرفت) همان خط مشی مجاهدین است... امام صریحاً خطاب به جوانان فرمودند با یک دست اسلحه و با دست دیگر قرآن ناهته با عده صهیونیست همین جمله را نیز شهید حنیف نژاد گفته است " با یک دست اسلحه و دست دیگر قرآن"

نتیجه نهایی

الف) - وحدت نظر امام و مجاهدین دیدیم که امام بعد از ۱۵ خرداد لزوم مبارزه مسلحانه را تأیید میکنند و آنرا بر مسلمانان واجب میدانند... مجاهدین نیز با جمع بندی حرکتها ی گفته و تحلیل از شرایط روز به این مسئله رسیدند که تنها راه احقاق حق مردم توسل به مبارزه قهرآمیز و مسلحانه است...
ب) - امام در سخنرانی خود اشاره کردند زمانی یکی از مجاهدین برای گرفتن تأیید از امام در جهت قیام مسلحانه نزد امامان رفته بود که نهایتاً امام گفته بودند دست به قیام مسلحانه نزنید که خود را به هلاکت می اندازید... برخی این مسئله را بزرگ کرده و به عنوان اینکه امام مبارز مسلحانه با رژیم را قبول نداشته اند و به عنوان یکی از موارد اختلاف امام و مجاهدین تبلیغ میکردند...

واما واقعیت جریسان

اولاً - اینکه امام در آن شرایط حدود سال ۵۲ قیام مسلحانه را امری درست ندانسته اند امری بجا بوده چرا که هنوز شرایط لازم و زمینه ها برای این امر آماده نشده بود و معاری چر وانه بود... چرا که قیام مسلحانه یک هدف برای زدن مبارز مسلحانه است... و زمان آن وقتی است که همه مردم بسیج شده و به لزوم برانداختن رژیم رسیده باشند و برای این امر آماده قیام باشند...
ثانیاً - جمع بندی مجاهدین هم بعد از سال ۵۰ عمل بزرگ نبودن همسرام پهلوی و دستگیری کا در مرکزی این بود که با بستن به عملیاتی محدود و کیفی بر نداشت و به همین دلیل به انفجار مرکز اساسی رژیم و اعدام انقلابی مهره های رژیم پرداختند و تحلیلگران این بود که بار بعد این عملیات مثبتات و عظمت رژیم در انان مردم شکسته شود و این زمینه ای بود برای قیام عمومی... با این وصف می بینیم در ان شرایط خط امام و مجاهدین همسین بر چر وانه بودن قیام مسلحانه بر هم منطبق است و تضادی ندارد...
و آخر سال ۴۹ بران مجاهدیه جمع بندی شده در صفحه ۲۴

زبان اختلاف زبان شیطان است «امام خمینی»

ریشه‌یابی اجمالی از مواضع رسالت

قسمت نهم

انگیزه نگارش:

امام خمینی طی سخنانی که بمناسبت هفته دولت بیان فرمودند مواضع روزنامه رسالت را که به تضعیف دولت می انجامد، مورد نقد قرار دادند. هرچند مسئولان روزنامه در یافتن روی سخن امام با ایمان است و اعتباه خودشان را پذیرفتند لیکن تا بحال ریشه مابقی مواضع گذشته را در روزنامه ندیده‌ام لذا امکان تکرار آن وجود ندارد حال که نماز به يك بازنگری از جانب مسئولان روزنامه مطرح شده است مواضع عنوان برانگیز این روزنامه را ذکر میکنم تا بلکه مورد توجه قرار گیرد و ریشه مابقی شود.

در قرآن نیز سه مرحله جهت اصلاح ذکر شده است: الف - توبه یا قیول اشتباه - ب - اصلاح و پاکسازی اشتباه - ج - تبیین و ریشه مابقی آن. آیه ۱۶۰ سوره بقره می فرماید: **إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ** ...

لازم به ذکر است که بدنبال فرمایشات امام از جانب محصلین و منتقدین برخوردها می باروزنامه رسالت شد که تقریباً "هیچکدام در جهت ریشه مابقی و اصلاح اشتباهات نبوده است". امیدوارم این مقاله یک گام دلسوزانه در این جهت تلقی بشود. در این مقاله فقط به ریشه مابقی اجمالی اکتفا می شود و ریشه مابقی عمیق را در نامه سرگنده به جامعه مدرسین در زمستان ۶۲ مطرح کرده ام و به آن ارجاع می‌دهم.

تبلیغ عدو...

راه مجاهد

تحریف تاریخ

در مقاله ای که بمنظور ریشه مابقی مواضع رسالت در راه مجاهد شماره ۳۹ بجای رسیده، مطلبی تحت عنوان تحریف تاریخ باعتمد که گویش ای از مواضع این روزنامه در تحلیل وقایع تاریخی مورد بحث قرار گرفت. در نامه آن دیدگاه این روزنامه را در تحلیل انقلاب مشروطیت و نهضت ملی و... مورد بررسی قرار می‌دهم:

۱ - تحلیل انقلاب مشروطیت

رساله مقاله "قيام مشروطیت حرکتی بسه رهبری روحانیت بر علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی" ... در کنار تحسن علمی در مقام معده ای از مردم باز رهبری جمعی از روحانیون مغرض با نا آگاه و عده ای از روشنفکران غرب زده و غرب باختر... در سفارت انگلستان و تحت بنا هندیگی آن سفارتخانه برای رسیدن به خواسته های نهضت تحسن نمودند اساساً لفظ مشروطه در بین رهبران واقعی مردم تا قبل از این مرحله مطرح نبود. این لفظ در جریان تحسن سفارت از جانب عمال سفارت در بین مردم طرح و

نویننده مقاله انقلاب مشروطیت را تلویحاً القا شده از طرف انگلیسی دانسته است. در این رابطه نکاتی بنظر می‌رسد: - مشروطه معنی مشروط کردن استبداد به رعایت قانون و مقررات. در عبارتی که "زمانه برای براندازی سلطنت فراهم نبود، اصولی ترین مبارزه مشروط کردن حکومت استبداد به قانون بوده است. کما اینکه نویسنده در قسمت دیگری مطرح می کند که محد و دکوردن سلطنت مطلقه و استبداد از طریق قانون اساسی و وجود عدالتخانه در راه خواسته های رهبران نهضت بود.

تمام علمای طراز اول با شروع انقلاب مشروطیت از آن حمایت کردند. علامه نائینی در تبیین انقلاب مشروطیت کتاب "تنبيه الامم و تنزيه الملّه" را نگاشتند و دلایل شرعی و اسلامی این حرکت را بیان نمودند. عهد مدرس در چهار چوب همین قانون عمل کرد و در مجلس شورای ملی شرکت نمود و وبکمک اصول اسلامی و مردمی که در قانون اساسی گنجانده شده بوده در مقابل وابستگی و سلطنت استبداد و آیت الله کاشانی نیز که بدروان روی را

تداوم نهفته خط شیخ فضل الله میدانند تا آخر عمر شعار قانون اساسی میداد و ریاست مجلس شورای ملی دوره هفدهم را بدست گرفت.

شیخ فضل الله نیز پیرایه ای که پنج نفر مجتهد برای تصویب نهایی قوانین در مجلس شورای ملی پذیرفته بد طبیعتاً میباشد تاثری تا من شده و آنرا تأیید می کرد.

امام خمینی نیز در سال ۴۱ شعار مشروط کردن شاه را میداد. بیچاره این اجماع علما انقلاب مشروطیت را تأیید میکردند. با این وجود عده ای میگویند انقلاب مشروطه چیزی جز دفع فاسد به افسد نبوده است. اینها آنگاه نه ما نا آگاهانه انقلابیون مشرواه اعم از علما و غیر علما و کلاً نفس حرکت انقلابی آن زمان را زیر سؤال میبرند. در حالیکه قیام سنی تیر یک نمونه از احیای قانون اساسی انقلاب مشروطه بوده است.

باعث تعجب است که نویسنده در عنوان مقاله انقلاب مشروطه را حرکتی ضد استعماری و استبدادی و به رهبری روحانیت خوانده است و در متن آنرا الفاسد انگلیس می نامد.

این روزنامه که به اسم دفاع از روحانیت و با استفاده از نظریات شیخ فاضل الله نوری هقام مشروطیت را غیر شرعی و انگلیسی می خواند، تأیید علما بزرگ را چگونه تبیین می کند؟ با بدین ترتیب قیام مابقی بعد از آن که فاقد شعار نفی سلطنت بودند و وابسته معرفی نمی شوند؟ با این تحلیل حرکت میهد مدرس و آیت الله کاشانی و ۳۰۰۰۰ ما رک استعماری و انگلیسی نمی خورد؟ چه تضمینی وجود دارد که با این شیوه تحلیل بعد از گذشت یک قرن انقلاب اسلامی و شعارها و دستاوردهای برارز آن منسوب به آمریکا قلمداد نشود؟

رساله ۹ بهمن ۶۵

"شیخ فضل الله که میبندد اساس و هدف اصلی نهضت مشروطه که عبارت از اجرای احکام الهی و کاهن استبداد و ظلم حکام بوده تبدیل شده و غول استبداد تحت عنوان مشروطیت به شکل دیگری که عبارت از شکل غربی آن یعنی استبداد ملبوس به دموکراسی و مشروطه باشد. ما از مگردن... در مقابل این جریان استنادی کرد..."

راه مجاهد

درگیری بین حق و باطل عاملی ترین ضاد هر زمان است و هرگونه اختلاف دیگری جنبه فرعی دارد. تناقض اصلی آن زمان خلافت آنچه ذکر شده، درگیری بین مشروطه و مشروعه (اجرای احکام اسلام) نبوده است. بلکه حقیقتاً مشروطه خواهان با استبداد سلطنتی درگیر بوده اند و حرف آنان این بود که مشروطه باید مشروعه باشد. امام خمینی هم در تحلیل انقلاب مشروطیت بدین مضمون گفتند که مشروعه خواهان اینطور نبود که انقلاب مشروطه را قبول نداشته باشند.

تحلیل امام بصورتی است که از مشروطه و مشروعه دو قطبی کاذب درست نمیشود. در گذشته عده ای میخواستند این را بکنند کما اینکه هم اکنون نیز عده ای در خط انقلاب مشروعه و مشروطه هستند.

اگر انحراف نهضت مشروطه ایجاد شده اما بهتر نبود با ای استنادی که در دلسوزانه با رفق نقایص چه به واحد و مضمی بر علیه استبداد بوجود می آمد؟ از این استنادی و مبارزه چه کسانی سود بردند؟ از بدستی که بین مشروطه خواهان و طرفداران مشروعه بوجود آمد استبداد تقویت شد و بقول نویسنده: "بپایه ای بدست محمد علی شاه ناد تبار که از اساس مخالف مشروطیت و پایداری بندگی به قانون بوده، مجلس را به توب بست."

با وارونه جلوه دادن حقایق و عمده کردن تناقضات درونی نهضت مشروطیت چه هدفی دنبال می شود؟ با چنین تئوریهایی است که اکنون نیز عده ای خود را مجاز میبینند که بجای برخورد دلسوزانه با نظام با مشاهده کوچکترین نقصی ای در جهت لجن مال کردن و سر کوبی آن برآیند غافل از اینکه برنده اصلی در این مسلمان استعمار خواهد بود و اگر خدای نکرده حاکم شود، بقول امام به هیچکدام از طرفین دعوا رحم نمی کند.

۲- تحلیل نهضت ملی شدن نفت

اول- انتصاب مصدق به نخست وزیری

رساله ۲۶ بهمن ۶۵
مقاله "نهضت ملی شدن نفت و نقش روحانیت" استعمار از طریق جمال امامی بسه مصدق پیشنهاد نخست وزیری کرد. استعمار بدین وسیله می خواست با این پیشنهاد نهضت را بر سر دوراهی قرار بدهد... اگر مصدق نخست وزیری را نمی پذیرفت لایحه ملی شدن نفت ولو تصویب شده بود و برای همیشه متروک و مسکوت می ماند و اگر می پذیرفت زیر فشارهای ناخواسته از مملکت (خصوصاً مسئله نفت) پس از مدتی کنار رفته و نهایتاً موضوع ملی شدن نفت از این طریق بدست فراموشی سپرده میشد... آیت الله کاشانی که بخوبی از حمله سیاسی استعمارگران ۳۰۰۰ آگاه شده بود پس از تفکر بسیار و محاسبه جوانب مختلف به مصدق پیشنهاد پذیرفتن نخست وزیری را کرد.

راه مجاهد

مصدق با آگاهی از توطئه فوق مشخصاً اقدام به قبول پیشنهاد نخست وزیری مشروط به دو شرط زیر نمود: ۱- تصویب لایحه اجرایی ملی شدن نفت. ۲- در صورتیکه شاه وی را از نخست وزیری عزل نماید اجازه برگشتن به مجلس را داشته باشد. با این توطئه فوق... آیت الله کاشانی نیز از بدست و وزیر ایسان حمایت نمود.

موافق نیستیم در جنگی که بماتحمیل شده دخالت خارجی وجود داشته باشد

دوم - دستهای موموز در نهضت ملی

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"استعمار موفق مداز طریق ایادی نفوذی هود در نهضت مصدق را که در تحت حمایتها و رهبریهایی مذهبی آیت الله کاشانی از قدرت سیاسی و پشتیبانی مردمی برخوردار شده بود بصورت قطبی مقابله جریبان مذهبی نهضت قرار داده بود..."

راه مجاهد

در تحلیل فوق معامل اصلی ایجاد اختلاف بین آیت الله کاشانی و مصدق عناصر نفوذی معرفی شده اندولینامی از آنها برده شده است. برخی از این عوامل بشواهد استاد تاریخی عبارت بودند از:

۱- سرلشکر زاهدی سرلشکر بقایی و اکثر سران ارتش که تحت فرمان شاه بودند و سرلشکر زاهدی در بین افسران ملی نفوذ کرده و تربیت آیت الله کاشانی نیز از مقبولیت بالایی برخوردار بود. چنانچه وقتی دکتر مصدق اقدام به دستگیری وی نمود آیت الله کاشانی از وی حمایت کرد. - ابراهیم سرافان که از وابستگان

به سد ضیا* بوده و به شهادت می رسید حاج مهدی عراقی* طراح ترور شهید فاطمی بود. حتی اصلاحه ترور را نیز تهیه نمود. (رجوع شود به مقاله دست مریمز در ترور دکتر فاطمی که بود؟ راه مجاهد شماره ۳۸)

۲- شمس قنات آبادی که از نزدیکان آیت الله کاشانی بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد فکلی و دیوباری شده و لباس روحانیت را کنار گذاشت.

۳- دکتر مافر بقایی که روابط پنهانی او از سال ۳۰ با سفارت آمریکا در جلد ۲۳ اسنادلانه جاسوسی افشا شده است. نامبرده نقض عهده ای در ساقط کردن حکومت ملی ناپاکت. - سید حسن امامی امام جمعه لندنی تهران و میراشرافی که با دخالت ارتش به مجلس هفتم راه یافت.

سوم - موارد اختلاف دکتر مصدق - آیت الله کاشانی

الف - انتخابات مصدق

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"از جمله کارهایی که مصدق بلافاصله پس از روی کار آمدن انجام داد با انتخابات غلط افراد خائن در مسئولیتهای دولتی بود. وی سرلشکر وثوق (عامل کشتار مردم در ۳۰ تیر) را که عنصری شناخته شده بود به معاونت خود در وزارت جنگ برگزید."

راه مجاهد

۱- "اولاً بعضی افراد نامبرده که اکنون دارای چهره شناخته شده ای هستند در آن شرایط از وجهه ای ملی برخوردار نبودند مثلاً وقتی مصدق اقدام به دستگیری سرلشکر زاهدی نمود او به آیت الله کاشانی در مجلس شورای ملی پناه برد و

ایمان خطاب به زاهدی مطالبی فرمودند که در روزنامه کیهان ۳۱/۲/۶۵ بجا رسیده است. "ما میسرمان مجلس مبنای بیست و بعلاوه مورد احترام همه آقایان بود و هستیم و از مزاحمت ما می که تاکنون برای ما فراهم شده متاسفانه چون خدمات شمارا به نهضت ملی ایران هنوز فراموش نکرده ام و امیدوارم به خدمات بیشتری نائل شوید." (مکتوب آیت الله کاشانی ج ۲ - ص ۲۵۶)

۲- ثانیاً "در باره سرلشکر وثوق آیا بهتر نبود آیت الله کاشانی به جای درگسر شدن با مصدق به مبارزه با وثوق ادامه میدادند؟ حال اینکه ایمان درگیری با وثوق و امثال وی را تعطیل کرده و با مصدق درگیر شدند."

ب - لایحه اختیارات و انحلال مجلس هفتم

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"مصدق با ارائه لایحه اختیارات به مجلس در صدد تضعیف قوه مقننه که ریاست آنرا آیت الله کاشانی به عهده داشت و تمرکز قوه قانون گذاری در دولت و قوه مجریه و شخص خود وی بود..."

ایمان قضیه طوری برخورد شده است که انگار مسکرات ممنوع بوده و دولت مصدق آنرا آزاد اعلام کرده است. حال اینکه قبلاً از نخست وزیر مصدق نیز مسکرات آزاد بود. از طرف دیگر دکتر مصدق جهت ایفای دوشوئیست نخست وزیر شده بود. یعنی "ملی کردن صنعت نفت" و دیگری "اصلاح قانون انتخابات" بنا بر این اجرای سایر امور فرعی در حوزه اختیارات ایمان نبوده است.

بعلاوه در طول ۲۸ ماه حکومت مصدق حتی یک مورد هم معنی نیامده که آیت الله کاشانی انتقاد وی به اسلامیت مصدق داشته باشد یا اجرای احکام اسلامی را به صورت خاص خود بازو بخواند.

د - دستگیری شهید نواب صفوی

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"از مسائل مهمی که در دوره دوم حکومت دکتر مصدق با سر و ناامیدی مردم و اختلاف روحانیت با دولت مصدق شده اما نتایجی بود که بمذهب و روحانیت

امید داریم روزنامه رسالت در این تحلیلهای مرورانه تأمل بیشتری نماید که از امریکایی نامیدن مصدق دستهای مرموزی چون مظفر بقایی و کنسرسیوم نفت که در سقوط دولت مصدق نقش داشتند تیرگی میشوند.

راه مجاهد

۱- از آنجا که عده ای از نمایندگان مجلس هفتم با دخالت ارتش انتخاب شده بودند (از جمله شمس قنات آبادی) مصدق حسن امامی، میراشرافی (کومانس دولت مردمی در جهت اصلاحات داخلی بودند) مصدق تقاضای اختیارات از مجلس برای اجرای اصلاحات داخلی نمود. با این اختیارات دستهای مرموزی چون بقایی و عناصر وابسته به دربار مخالفت کردند و آیت الله کاشانی از موضع حفظ قانون اساسی اقدام به این امر نمود حال اینکه اکثر مردم بالایحه اختیارات موافق بودند و این موافقت را در رفتارندمی جهت انحلال مجلس هفتم به اثبات رسانیدند. (رجوع شود به کتاب خاطرات و تأملات مصدق - ص ۲۵۰ تا ۲۵۲)

ج - آزادی مسکرات

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"در دولت مصدق بود که مسکرات آزاد اعلام شد و این کار مورد مخالفت جدی آیت الله کاشانی و روحانیت قرار گرفت."

راه مجاهد

مصدق از ابتدای پذیرش نخست وزیر سر کنترول بر ارتش و قوای نظامی نداشت. باعث تعجب است که با علم به این مسئله دستگیری شهید نواب را به ایشان منتسب می کند.

ه - قانون امنیت اجتماعی

رسالت ۲۷ بهمن ۶۵
"قانون امنیت اجتماعی از جانب دولت مصدق که بر همین مبنای اختیارات قانون گذاری به دولت) انجام شد از موانع دیگر اختلافات بین مصدق و آیت الله کاشانی بود..."

راه مجاهد

۱- دکتر مصدق به پنهان فانیون امنیت اجتماعی توانست دستگیری را که عامل اصلی ربودن و قتل افشارطوس بود دستگیر نماید و اقدام به دستگیری سرلشکر زاهدی کند. نیت دکتر مصدق از تصویب قانون فوق این بود که برای مبارزه با توطئه های ضد انقلاب بتواند قانونی داشته باشد. از آنجا که تصویب قانون فوق به سختترین درگیری را بین عوامل کودتای ناپاکت. به استناد کتاب در بیستگاه تاریخ دکتر بقایی از سردمداران مخالفت با قانون فوق بود. (صفحه ۱۲۲)

۲- نویسنده به اساسی ترین مورد اختلاف ایمان اشاره ای ننموده و به ذکر مورد فرعی اکتفا کرده است. اساسی ترین مورد اختلاف را از زبان خود مرحوم آیت الله کاشانی می شنوم که در کتاب مجموعه مکتوبات سخنرانها و پیامهای آیت الله کاشانی هج ۴ - ص ۳۴ چاپ شده است.

۳- بنابر شما بزرگترین اعتبار مصدق کدام است؟ آیت الله کاشانی به صدرنگ جواب داد. «با مال کردن قانون اساسی و عدم اطاعت از او امر شاه»

و - اداره اصل ۴

رسالت ۲۰ بهمن ۶۵
"تلاش مصدق با آمریکا در ارتباط با اصل ۴ ترومن، موافقت با ایجاد اداره اصل ۴ که در واقع جاسوخانه آمریکا در ایران بود در دوران حکومت دکتر مصدق انجام شد."

راه مجاهد

۱- در این رابطه چند نکته قابل ذکر است. اولاً اداره اصل ۴ "در رابطه با همکاریهای مشترک در زمینه ارائه خدمات و بهبود اوضاع روستایی بود چنانچه اکنون نیز جمهوری اسلامی نظیر این روابط را با ژاپن و اروپای غربی و ترکیه و... دارد. با توجه به اینکه ژاپن در یلوک امیر نالستی قرار میگیرد. بعلاوه در طول جنگ حداقل سی میلیون دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرده ایم. ثانیاً "در آن شرایط هیچ نیروی مردمی حتی آیت الله کاشانی به این موافقت بقیه در صفحه ۲۱

صورت می گرفت... دستگیری مجاهد بزرگسید مجتبی نواب صفوی رهبر جمعیت فدائیان اسلام و جمعی دیگر از بارانش و زندانی نمودن آنها در دوره حکومت دکتر مصدق صورت گرفت."

راه مجاهد

دستگیری ایمان توطئه ای از جانب دربار بود و مصدق نیز از نظر قانونی قادر به دخالت در این امر نبود. زیرا شهید نواب در دادگستری پرونده ای غیر سیاسی داشت که به قبلاً از نخست وزیر مصدق مربوط می شد. این پرونده باز مانده بود و ۲ ماه پس از نخست وزیر مصدق توسط عناصر وابسته به دربار به جریان افتاد تا از این طریق فدائیان اسلام را بر علیه دولت ملی بسج نمایند.

از این وقایع در شرایط کنونی نیز اتنای افتاده است مثل دستگیری اعضای نخست وزیر در سال ۶۴ که نه مورد تأیید رئیس دزات بود و نه مورد تأیید امام. نبودنده خود اعتراف می کند که مسئولیت امور نظامی و انتظامی در دست شاه بود. مصدق در این مورد اختیاری نداشت. (رسالت ۲۶ بهمن ۶۵)

ملتهای مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با آمریکا میجنگد امام خمینی

نامه‌ی به

آینه‌ی آذری متی

بسم الله الرحمن الرحیم

در کتاب اسرار آل محمد، تألیف سلیمان بن عیسی، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است در این حدیث، بحال ادامه حدیث راه روش تحریف کنندگان تورات و انجیل (هود و یسوع) معرفی گردیده است (صفحه ۲۴۰ چاپ دوم) در حدیث فوق:

اولاً - دستهای مرموز در مرتطم زمانی، عامل اصلی تحریف تاریخ معرفی شده اند. ثانیاً - به ریشه تاریخی حیرات موجود در زمانهای تیره منته است. توضیح اینکه حیرات موجود در هر انقلابی منجمله انقلاب اسلامی، دارای ریشه‌ای در تاریخ گذشته می باشد. این وصف، هر قاضی که در باره تاریخ گذشته داشته باشد، موجب تعجب و تشنگی یک جریان تاریخی در حال شده و روی خط مشی کنونی ملان تاثیر خواهد گذاشت. تحریف تاریخ موجب ایجاد نوعی نسنه در تشخیص حق و باطل و قیام تاریخ شده و باعث محو جلوه دادن حیرات مخرب در زمان حاضر می گردد.

از آنجا که جامعه مدوین، موضع سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل جریان تحریف تاریخ، الاخص در رابطه با بهت ملت ایران داشته است، بر آن شدیم تا تحریفی که در کتاب جهره حقیقی مصدق السلطنه صورت گرفته و توسط جامعه مدوین، بدون نقد منتشر شده است را نشان دهیم تا در این بهای بودی، به این واقعیتها توجه شده و مصداق عادلانه ای صورت گیرد. از طرف دیگر برخی از این تحریفیات در صفحه "تاریخ انقلاب" رونامه رسالت صورت گرفته است که حیاباتی از حیث اسنادی آن رونامه می باشد.

کتاب "چهره حقیقی مصدق السلطنه" دارای دو قسمت است، ابتدا تحلیلها در باره سوابق مرحوم مصدق شده و سپس به مواضع ایشان پس از انتصاب به نخست وزیری اشاره گردیده است. به منظور طلافی منصفانه سخن، درباره قسمت اول، به معرفی کتاب خاطرات و تألمات مصدق اکتفا می کنیم، که بخشی اول آن درباره سوابق ایشان می باشد اما درباره قسمت دوم کتاب، به دلیل اینکه صرفاً تصاریف شخصی درباره مصدق نبوده، بلکه تصاریف در باره بهت ملت ایران می باشد، توضیح می دهیم که به نظریات مرسود، در محورها زیر درک می کنیم:

- اول - تصاویر درباره رابطه حکومت اسلامی و حکومت مرموز (ناسیونالیسم)
- دوم - تصاویر درباره انتصاب دکتر مصدق به نخست وزیری
- سوم - تحریف موازنه منعی مرحوم مصدق و انچه و استیلا به آمریکا
- چهارم - توطئه دوطبقی کردن کاشانی - مصدق در بهت متی
- پنجم - تصاویر درباره قتل ۳۰ تیر
- ششم - چند تقاضا از جامعه مدوین حوزه علمیه قم

اول - تصاویر درباره رابطه حکومت اسلامی - حکومت مرموز:

در صفحه ۱۸ کتاب آمده است: "حکومت مرموز و پدیدارگر و فاسد و عمال و رانی آن ... حلقه دین از سیاست، تمدن و تمدن به مفهوم مرموز آن و استقرار فوجک اوپایی بجای روشنگر اسلامی و جدا کردن حکومت مرموز بجای حکومت اسلامی را تبلیغ می نمودند."

در این نوشته حکومت مرموز در مقابل و علیه حکومت اسلامی قرار می گیرد و از آنجا که مصدق را یکی ناسیونالیست میدانند، او را عامل دستگیر استعاری در داخل و خارج می کند، چنانچه در صفحه ۲۸ می گوید: "مادر این تحقیق گریه خواهد دید که مصدق، عامل قابل اعتماد دستگیر استعاری نبوده است." در این رابطه چند نکته قابل ذکر است:

اولاً - حجر حکومت مرموزی مرحوم مصدق، استقلال مملکت از بیخ اسارت استعمار و احیای مابین اساسی بود که این حجره، در شعار ملی کردن صنعت نفت متعجب گردید. این وصف، استقلال مملکت نه تنها در تقاضای با اسلام نبوده، بلکه اسلام چنین مورد گزافی را تا بلایز میگرد و با آن برخورد تقابلی بخش می نماید.

ثانیاً - اگر حکومت مرموزی را بدون مرموزی، و نسبت به خارج معرفی کنید، در آن صورت مرموز و استیلا کاشانی و سایر جریانها که حکومت ملی را تأمین می کردند، برای خود استعمار تلقی خواهند شد زیرا مرموز کاشانی نیز یک روحانی ملی بود و از این جمع عضویت تشکیلاتی جنبه ملی را پذیرفته بود.

ثالثاً - با تئوری که کتاب فوق نسبت به ناسیونالیسم دارد، در رابطه با کشورهای منطقه الاخص ناسیونالیستهای مبارزی چون عبدالناصر، قذافی، اسد و ... دچار اشتغال خواهند شد.

این مسئله باعث خدشه دار شدن مواضع جامعه مدرسین در رابطه با بهت های آزادی بخش و بیوزیر بازمی شود. رابعاً ایجاد دوطبقی گانگ حکومت اسلامی - حکومت مرموزی باعث درگیر شدن سربازهای مذهبی و ملی با یکدیگر می شود، حال آنکه دشمن مشترک هر دو اینها آمریکا و اسرائیل می باشد. تحقق این دوطبقی گانگ در منطقه، بصورت زیر نظامی است - اصل و در داخل بصورت درگیری روحانیت - روشنگر درآمده است. توجه داشته باشید که مرحوم آیت الله کاشانی و مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خراسانی، حکومت ملی را تأمین کرده و اصراری بر حکومت اسلامی نداشته و در طول حکومت مصدق حق یک اعتقاد که مربوط به امامت مصدق باشد به ایشان نکرده بودند.

دوم - تصاویر در مورد انتصاب مصدق به نخست وزیری:

در صفحه ۶۲ کتاب مرموز، عامل انتصاب مصدق به نخست وزیری، عوامل امیرالیزیر معرفی شده اند. عوامل امیرالیزیر به حد کافی برای مصدق، موفقیت لازم برای احراز نخست وزیری بود آورده بودند و در این حلال بود که در میان بهت و محبت حلال، جمال امامی، رهبر جناح مخالف بهت متی، پیشنهاد نخست وزیری مصدق را کرد.

در این رابطه چند نکته قابل ذکر است:

۱- مخالفان مصدق از جمله جمال امامی، معتقد بودند که چهار ماهه مقاله امصدق این مسئله مسئولیت خطیاری طرح ملی شدن نفت، بر عهده خود او گذاشته بود. برای گمان در احراز این برنامه، در مانده شده و شکست خواهد خورد. اگر چه پیشنهاد نخست وزیری را نمی پذیرفت، عملاً از در خارج میباید و معمولی آدم منعی نانی که شعار ملی شدن نفت را میباید در حضور نیست در عمل به آن تمیل مسئولیت گذر میباید و از این طریق مرموز میباید. (چون شور و غوغا میباید برای رئیس مرموز)

۲- تحلیل دکتر مصدق از شیوه انتصابش به نخست وزیری، به نقل از "تقریرات مصدق در زندان (ص: ۱۱۲)": این گامیبه (حسن علامه) جنبه محلل داشت و زمینه را برای نخست وزیری سید ضیاء الدین طباطبائی مهیا میکرد تا باید مسئله ملی شدن نفت راه سنگ خود مشق سازد به همین دلیل متولیان مجلس به این امید که من نظیر دوره چهارم دهه، نخست وزیری را خواهد پذیرفت در جلسه مخصوصه به نامگذاری من ابراز تمایل کردند، در حالیکه در همان موقع، سید ضیاء الدین در بندار مستقر بود تا میزبان به نامش صادر شود امامی که بهت در در خطر میباید رای تقابلی را با نامه تنها به شرط تصویب قانون طرح احزاب ملی شدن صنعت نفت پذیرفت.

از اسناد فوق چنین بر می آید که پیشنهاد نخست وزیری از جانب جمال امامی و علاوه بر ... به مصدق، توطئه ای از جانب مبارزین مرموزی کردن حدیث بوده است. اگر مصدق قبل از تصویب قانون احزاب ملی شدن نفت، در دامان مرموزی مرموزی از خروج وی از مجلس در تصویب طرح فوق کارشکن میباید (زیرا در صفحه ۱۲ همین مرموزی در اقلیت بود) در آن صورت دولت مصدق به دلیل فقدان پشتیبان قانونی، در ملی کردن نفت ناچار مانده و سناط میباید. شق دوم این بود که مصدق از قبول نخست وزیری امتناع کند که در اینصورت سید ضیاء نخست وزیر میباید. شیوه مرحوم مصدق در برخورد با توطئه فوق این بود که قبول نخست وزیری را مشروط به تصویب قانون احزاب ملی کردن نفت نمود و از اینصورت توطئه را عمیقاً خنثی کرد. توطئه دیگری را حسن کرده بود که او را نخست وزیر نبوده و سپس ملی فرمان شده از این سمت او را عزل نماید. مصدق شرط دیگری برای قبول نخست وزیری اضافه کرد که اگر شاه او را عزل نماید نتواند دوباره به مجلس برگردد و کار نمایندگان خود را ادامه دهد. حق رونامه رسالت شماره ۱۸۱۲۷ حد پیشنهاد نخست وزیری به مصدق را توطئه ای علیه مصدق قلمداد کرده است.

سوم - تحریف خط موازنه منعی مصدق و انچه و استیلا به آمریکا و انگلیس:

دلیل که در کتاب نامبرده، برای انچه وابسته بودن مصدق به آمریکا و انگلیس عنوان شده است مبارزین از:

- ۱- انتصابات مصدق (انتصاب زاهدی به وزارت کشور)
 - ۲- پذیرش سلطه نظامی مستشاران آمریکایی
 - ۳- تن دادن به قرارداد بانک آمریکایی بین المللی
 - ۴- امضاء قرارداد حملاتی مشترک با آمریکا (قرارداد اسل ۴)
- در زیر به بررسی اینها موق می پردازیم:

۱) نایب گرومن محدودیتهای مصدق در انتصاب وزراء گامیبه:

در صفحات ۶۲ و ۶۴، انتصاب زاهدی به وزارت کشور و انتصاب متین دفتری و کاظمی را دلیل بر وابستگی مصدق به آمریکا و انگلیس ذکر می کند و بدین مصنون می نویسد: "شاید به دلیل وجود شخصی چون مصدق در این دولت و فراموشی سوابق در میسهای گامیبه او بود که دولت انگلیس ملی شدن نفت را ظاهراً به رسمیت شناخت." (ص: ۶۳)

امیدواریم به این مسئله توجه شود که پذیرش ظاهری اصل ملی شدن نفت، در اثر مقاومت مرموز و به انگلیس تسهیل شد. برین مال از این مسئله خدای ناگروه حیرات محرض، همین از امام حسین به روابط ایشان از جمله نزدیک به تطبیق زاده و منی صدر و منی رضا کرات با نماینده کارتر در پاریس استناد نموده و به ایشان مارک وابستگی به آمریکا میزند زیرا کارتری بیامی به امام در پاریس اصل انقلاب را پذیرفته بود. (چون شور و غوغا میباید و صاحب جناح سید محمد تقی خراسانی با رونامه انگلیس)

اما چند نکته درباره انتصابات دکتر مصدق:

اولاً - هر نخست وزیری در رابطه با معرفی گامیبه اش، محدود به ترکیب و لطیف سیاسی نمایندگان مجلس است و مانند استقلال کامل میباید، در زمان تصدی مصدق به نخست وزیری، نمایندگان واقعی مرموز در مجلس نشان ندهد و در اقلیت بودند بنابراین اگر مصدق از خود انحرافی از جناح مقابل بگیرد این امتیاع میگرد، نمایندگان صلاحیت گامیبه اش را در کرده و کار دولت در اصلی ترین مسئله که ملی کردن



نفت بود تک من ماند. از طرفی به دولت مارک دیکاتور و صد مستروله زده وی از منوی می خورد.
تا آنجا - بعضی از این افراد که اگر درای چهره شناخته شده ای هستند، در آن شرایط از وجهه ای
ملی برخوردار بودند ارحله مستتر زاهدی که عصر امیران ملی بود و با کثرتی آیت... کاشانی
و سایر اعضای جبهه ملی رابطه نزدیکی داشت. حتی زمانی که مصدق در سال ۲۲ اقدام به دستگیری
زاهدی نمود، آیت... کاشانی به او پناه داده و منابع از دستگیری وی گردید.
در ۱۵ اردیبهشت ۲۲ روزنامه کیهان گزارشی از ملامت زاهدی با آیت... کاشانی درج کرده
است که در مکتوبات آیت... کاشانی - ج ۳ - ص ۲۵۲ به چاپ رسیده است. در این ملامت آیت...
کاشانی سخنانی درین خصوص دربار مستتر زاهدی عنوان میکند: «مناسبتی مجلس میابند و
بعلاوه مورد احترام همه آماان بوده و هستند و از مواجبهائی که تاکنون برای شما مشاهده شده، مناسب
حیث من خدمت شما را به بهضت ملی ایران صورت آموزش نگرفته ام و امیدوارم به خدمات بیشتری بتوانم
نازل نمود».

با این اوصاف در کبری مصدق با این عناصر درینو تشکیل حکومت ملی سحره تفرقه در صورت بهضت
ملی میشد، زیرا مستتر زاهدی درین عناصر صلی رآته. کاشانی از این صلی موی برخوردار بود.
تألی - اگر استصاف این افراد را توسط موجود مصدق، دلیل راستی این به آمریکا بگردید و به محدودیتهای
اوتوجه کنید، امده حسینی را تریه دلیل استصاف آن که داشته اند زیرا سوال خواهد بود، از طرف دیگر به
امام علی (ع) به دلیل انقادی اشعت بن تیس " در ولایت بین درینو تشکیل حکومتش اعتماد خواهد
کرد، اشعت کسی بود که بلوای حکمیت را به با کرد، در توطئه نور امام علی (ع) دست داشت، دخترش
امام حسن (ع) را سموم نمود و سریش در واقعه کربلا ترویجی اصحاب امام حسن (ع) شمشیر کشید
امام علی (ع) با توجه به اسلام نمائی اشعت و بیابلهائی که در موردین داشت درگیر شدن او را در روی
من راست. به همین خاطر، در وجود بقالی بخش با اشعت، ماهیت واقعی او آشامد
را بآ - تریه موجود مصدق، این بود که تمام جناحهای داخلی، حتی شاه را در توصیه ملی شدن نفت
سلطه استعمار سبیج گذر در این راه به تمام جناحهای داخلی آردی میزد. در مورد زاهدی نیز تا زمانی
که مرتکب حوی نشد، اقدام به دستگیری وی ننمود. امیدوارم از ملامت ملی (ع) درس بگیریم
که آن ملحد "ها را نمیتوان تمل از ارتاب به جنایت، قصاص کرد. مصدق در عین وجود صبر واقعی
که باز اهدف و شاه و... داشت، با هیچیک از آنها سازش نکرد و استقلال مملکت را زیر پا نگذاشت.
چنانچه در ۴ تیر شاه دیگر مستدر در راه گاه نظام، چهره گردنای ۲۸ مردار اعطی و تا شدی که از
جانب عده ای صورت میگرد، امشاء نمود

۲ - تحریف مواضع مصدق در باره سلطه نظام مستشاران آمریکایی:
در صفحات ۲۷ و ۲۸ کتاب آمده است: «مصدق السلطه تلاش میکرد سلطه نظام مستشاران
آمریکایی را بر مهن ما تثبیت کند... مصدق ضمن سرزنش تهرلی برای تقویت استقلال و مافی
متول کتک نظامی آمریکا را مطرح کرد. وقتی که مدت قرارداد تمد - آن - به پایان رسیده، مصدق
ملی نامه ای ظاهر به برخی موارد آن، اعتراض کرد و این اعتراض هرگز از صحنه تبلیغات و صحنه
روزنامه های دولتی تجاوز نشیکرد»
اکنون درباره قرارداد تمد - آن - توضیحی داده و سپس مواضع مصدق را در مورد آن شرح
میدهیم. این موضع نه تنها تبلیغ نمود، بلکه دست مستشاران نظامی آمریکا را نیز از ایران کوتاه نمود.
همانند تجدید موافقت نامه کتک نظامی آمریکا به ایران در قرارداد تمد - آن - من در وقت تدوین مصدق معتقد
بود دولت آمریکا شرط تجدید موافقت نامه نظامی را، بدین معنی متقابل از سوی ایران داشت. بر
طبق مقررات «بیان امنیت متقابل» در صورتی که آمریکا با کشور دیگری وارد جنگ میشد، دولتهای امضاء
کننده این بیان، موظف بودند در آن جنگ به سود آمریکا شرکت کنند.
دکتر مصدق شرط مقررات بیان امنیت متقابل را بدین ترتیب، زیرا ایران را متعهد می ساخت که
در برابر دریافت کتک نظامی آمریکا، خود را به دفاع از تمام غرب متعهد سازد. مصدق معتقد بود که بدین
چین تعهدی اجابت ایران، سبب خواهد شد که موضع بیطرفی ایران در امور بین المللی، شدیداً به مخاطره
مبتعد. بدین جهت بود که ارسال کتک نظامی آمریکا به ایران در اول خرداد ۱۳۳۰ (۱۷ مه) من از دست در بر
مصدق) منوقت گردید.

۳ - تحریف مواضع مصدق درباره قرارداد آمریکایی بانک بین المللی:
یکی از تحریفیات آشکاری که درباره بهضت ملی صورت گرفته است، موضع حکومت ملی منجمله
مصدق، درباره قرارداد فوق میباشد. در صفحه ۲۸ کتاب آمده است: «مصدق با مداخله بانک امریکایی
و بین المللی در مسئله نفت موافقت کرد»
ابتدا درباره روش شدن شرایط طرح این قرارداد، اشاره ای به خاطرات یکی از مشاوران مصدق
نموده و سپس مواضع مستدر موجود مصدق را درباره قرارداد بانک بین المللی می آردیم.
اظهارات مهندس حسینی: «بیشهاد بانک بین المللی را موجود مصدق با سه شرط طرح کرد. دکتر حسینی
دکتر سائیان را انتخاب. کثیر صبح که در منزل دکتر مصدق حاضر شدم، دیدم که آماان دکتر مسجایی
و سائیان هم آنجا هستند. سائیان نظر ملاحظه می نمودند. گفتند به پیشنهاد بانک بین المللی مخالفت
آماان سائیان و مسجایی نظرشان این بود که چون دولت گرفتاری مالی فوق العاده دارد، این پول می
تواند، دولت را از گرفتاری بیرون بیاورد و طبعاً قابل قبول می دانستند. آنها می گفتند: حسینی من -
گذار، مسئله نفت حل شود. موجود مصدق میفرمود: «بگذارید مهندس حسینی حد نظریش را بگوید.
گفتند: آماای دکتر، این قرارداد مخالف ملی شدن است. هدف آنها همین است که مدرکی
مخالفت اصل ملی شدن ارزشما بگیرد. اگر رویه ای مخالف اصل ملی شدن توسط شما دنبال شود
که دیگر اثری از بهضت و هدف آن که آزادی ملت ایران است باقی نمی ماند»

شرکت سابق سبب میشد که موضوع فراموش ملی شدن صنعت نفت و خلع ید یکی متفق شود.
دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألمات ص ۲۶۸ می گوید: «خدم موافقت من با پیشنهاد
بانک بین المللی از این جهت بود که بانک من خواست از روی خدمه موزون، سنخ از دولت ایران
در وقت شرکت سابق تحصیل و ملی شدن صنعت نفت را که دولت انگلیس از طرف خود و شرکت
صاحب امتیاز شناخته بود، من اثر کرد. بنا میگذارد بانک برای این نیلده بود که از راه خیر خواهی
ربع تک اختلاف کند بلکه آمدنشان به ایران از این نظر بود که دولت را فعال کند و مستقل در ربع
شرکت تحصیل و آنرا کماکان در همان جایگاهی که داشت مستقر نماید. این بود که به نمایندگی
بانک گفتند: مرا به خیر تو امید نیست مشر مرسان و آنها دیگر منحنی نگفتند و رفتند»
کتاب چهره حقیقی مصدق السلطه در وجود با نصیه بانک بین المللی، از موضع آشکار
نیزه ای داخلی منجمله مصدق و حسینی - جلد شش برش کرده و اعتماد به نقل قولی از همین آمریکایی
در ص ۶۹ مصدق را موافق قرارداد بانک بین المللی معرفی کرده است. حال آنکه سلامت نیزه ای داخلی
منجمله مصدق با همین آمریکایی قابل نیامی نیست.

۴ - قرارداد اصل ۴ (اصلاح شرایط همکاری شرکت با آمریکا در زمینه انرژی):
در صفحه ۱۱ کتاب آمده است: «تعاقد مصدق و مملکت آمریکایی در اول خرداد در دولت
اوعلنی شد و قرارداد خانمانه همکاری مشترک با آمریکا را رسماً امضاء کرد و راه حاسوس آمریکا به
نام اداره اصل ۴ در این امتناع گردید... و به نام موافقتنامه عمومی کشاورزی امضاء شد...
این موافقت نامه از قبیل بهبود اوضاع روستایی و ایجاد روابط بهتری بین موجد و مستاجر با تقویت
و توسعه موسسات محلی دولتی و... چه ربطی به آمریکا داشته است»
و سینه ۱۴ چهره ای که مرید مادر شرایط کتونی از آمریکا دارد با بهضت ملی وجود کرده است
حال آنکه در آن شرایط، آمریکا چهره کویه کویس را داشته و در بین مرید ایران به عنوان کشوری بی -
طرف محسوب میشد. آمریکا من از جنگ دوم جهانی انانان عقب نشینی کرده بود و در عارت
نفت، نفتی نداشته و حربه آشکاری علیه ایران نداشت، آنکه موق مثل این من بلند که راستن
در لحظ دزد سعادت با زبان واریا را انتخاب دولت جمهوری اسلامی، دلیل بر کتک دولت به این
کشورها در دوازده گرتن لانه حاسوس نفی نمائید. اشکال نویسنده این است که تاق شکست بلبر
برای امیرالمرید قابل است و در گوشه دهستان حایق برای اراه مرید، اسطرنج و ظهور تدیجی
امامزادان قابل نیست. با این مانور فندی ایشان باید مروری انقلاب اسلامی را هم توطئه امر
تکلیها بداند به رشد انقلاب و مرید که بدین انقلاب را به آمریکا تحویل نمود.

چهارم: توطئه مصدق - کاشانی کردن بهضت ملی برای نولوموسی دیاروشاه:

آیت الله کاشانی و دکتر مصدق در کنار هم، علیه استعمار انگلیس مبارزه کرده و به بسترانه
تشیخ مرید، نفت را ملی نمودند. اختلافی که بعدها من این دو شخصیت ایجاد شد، اختلاف من
دوملر صد استعمار بود و لکن دستهای مرید را من زدن به این اختلافات، آن را به عنوان اختلاف
حق و باطل جلوه دادند تا دشمن مشترک یعنی دربار (پایه ریشی انگلیس) به فراموش سپرده شود و نیروی
داخلی به حلق هم بدینند. عده ای به موجود کاشانی مارک انگلیس من زدن و خود را طرفدار مصدق معرفی
میکردند (حقیقتاً) و عده ای دیگر به موجود مصدق مارک آمریکایی زده و خود را طرفدار آنرا... کاشانی
معرفی می نمودند تا از این طریق بهضت ملی را وابسته به خارج معرفی کنند و اختلاف مصدق - کاشانی
را بصورت اختلاف آمریکا و انگلیس نشان دهند. حال آنکه تضاد واقعی ماریت بود از جنبه استقلال
(کات، صحت، تمیز، تمیز، تمیز، تمیز، در برابر جنبه وابستگی (دربار، شاه، ماسواستدرانش و غیره...)
در صفحه ۲۲ کتاب آمده است: «... این جنگ (مصدق - کاشانی) ماسی دومرز یادوسا -
مستدر نیست بلکه جنگ بین حق و باطل من باشد»

آیه ۱ - کاشانی در زمانی که اختلافات با دکتر مصدق، در اوج خود قرار داشت طی صلحنامه
که روزنامه اطلاعات ۸ مرداد ۲۲ امضاء به چاپ آن نمود، درباره اختلافاتش با مصدق می گوید:
«من با مصدق در مورد مبارزه با بیگانگان و مسائل استعمار هیچگونه اختلاف نظر عمیق نداشته و
نادر، اختلاف عقیده ما فقط از لحاظ حفظ قانون اساسی بود...»
بوجود نیلده موجود کاشانی و مصدق، این اختلاف را داخلی و روستانه میدانستند، دستهای
دومرز را برای اجنبی، به این اختلافات دامن میزدند. مناسبانه عده ای از نیروهای داخلی نیز در این
توطئه قرار گرفتند.

به نظر میرسد ریشه آنکه اختلافات دو شخصیت ملی رمزدهی بصورت حق و باطل معرفی
شده، در عده کویس مسائل داخلی رمز می باشد. حاصل دامن زدن به این اختلافات این بود
که حکومت کور با به حالیت یکی از دو جناح داخلی (مصدق - کاشانی) ترجیح داده شود.
در شرایط کتونی نیز دستهای مروری، اختلاف بخش خصوصی - بخش دولتی، دولت -
بنیاد رسالت را اقتدر دامن می زدند تا دشمن مشترک یعنی آمریکا و اسرائیل و صلوات فراموش شوند.
ترجیه داشته باشند که آمریکا و اسرائیل از طریق کاشانی شیت نفت، با هر دو جناح (بخش خصوصی و
دولتی) درگیر شوند. خوشبختانه با موضوعگیری امده حسینی از حقت این اختلاف گامته شد و جمله
هر دو جناح ترجیه زدیم یعنی - صهر نیستی عراق گردید و لکن این اختلاف در گامال هائی دیگر از
طریق باز داشت. کارکن نخست وزیر در بل می شود که باید در این رابطه به نقش دستهای مرور
توجه شود.

با عبرت گیری از تاریخ معاصر، فراموش نکنیم که آثار اختلاف نظرها در داخل ناخوری عده
شوند که تبدیل به تخاصه رکیه گردند، عناصر وابسته، در سازمانهای مختلف را به روستانی که اختلاف
نظری آنها...، ترجیح خواهد داد و این مسئله شرع حزنه تسلیم شدن به کور است

نهم - قضاوت درباره قلمه ۴۰ متر:

کتک مرور در رابطه با قلمه ۴۰ متر به جید واقعه زیر اشاره نموده و مصدق را محکوم کرده است.
۱ - تقاضای اختیارات از مجلس مندم

موضع دکتر مصدق:

شرایط راه مصدق - ص ۲۹ به نقل از مصدق: «او (آیت الله) من این میانجی آمده بود که
تأسیسات نفت جنوب را از ما بگیرد و به تصرف شرکت سابق بدهد. اداره مورین بانک از طرف



اخبار جنگ اسلام و کفر



ویزگیهای عملیات کربلای ۵

مقدمه:

در مقدمه ذکر این نکته لازم است که عملیات کربلای ۵ دوهفته بعد از پایان عملیات کربلای ۴ آغاز شده و دارد که یکی از علل پیروزی عملیات کربلای ۵ را شهدای کربلای ۴ بدانیم. چرا که شهدای کربلای ۴ موجب شدند که فرماندهان عراقی بدام غرور افتاده و خیال تخت گردند و حتی صدام به حج عمره رفته و بسیاری را مرخصی دهند و فرماندهان ما از این فرصت استفاده کرده و عملیات کربلای ۵ را طراحی کردند و از آنجا که عراقیها فکرمی کردند، حداقل فاصله بین عملیات کربلای ۴ و عملیات بعدی آن ۲ الی ۶ ماه خواهد بود. از این رو هوشیاری لازم برای مقابله با عملیات کربلای ۵ را نداشته و در مقابل این طراحی سریع غافلگیر شدند چرا که از جایی ضربه خوردند که حساب نمی کردند.

الف - ایمان به اصل ضربه پذیری امپریالیسم

در کربلای ۵ مهمترین آرایش دفاعی دشمن شکست خورد، استحکاماتی که به لحاظی آنرا ما ژنوفرانسویها تشبیه میکردند. استحکاماتی که در ایحاد آن از متخصصین فرانسوی و شوروی و سایر کشورهای غربی استفاده کرده بودند. شکست آرایش دفاعی شلمچه ترس و وحشتی بود بر اسرائیل و آمریکا و ارتجاع عرب که در مقابل ایمان و اراده انسانها هیچ سیستم حفاظتی و هیچ آرایش دفاعی پایدار نخواهد ماند.

بنابراین قول فرماندهان نظامی ما بطوری که برآورد تدریجی هر دو دفاعی در شلمچه معادل یک پیروزی فاو بود. است و هر متر پیش روی در کربلای ۵ معادل چندین کیلومتر پیش روی در مناطق دیگر برآورد شده است. مطبوعات جهان اعلام کرده اند که آرایش دفاعی شرق بصره منهدم شد. صدام دیگر قادر نیست در برابر مرتجعین عرب و مردم عراق و سربازان و فرماندهانش ضربه پذیری خود را به لحاظ دفاعی کتمان کند.

ب - عملیات محدود دولی چشمگیر

گرچه کربلای ۵ به علت مساحت عملیاتی محدود بود ولی به لحاظ حساسیت بصره و شلمچه و استمرار رومی امانی در عملیات

نقطه عطفی در عملیات کربلای ۵ بچشم میخورد و آنهم طرح جدی مسئله تهیه سلاح خصوصا سلاحهای سنگین و پیچیده از دشمن میباشند.

و دستاوردها بی که داشت به عنوان یکی عملیات چشمگیر در افکار عمومی جهان به بار نشست. گرچه عملیات ظاهرا "محدود بود ولی دشمن هر آنچه نیرو در چنته داشت به میدان آورد بطوری که تحلیل گران خارجی نوشتند پشت صدام خالی شده و چند پیروزی پشت سر هم میتوانند راه را برای فتح بغداد هموار سازد، و همچنین صدام در جلسه ۵ ساعته ای که در طی عملیات کربلای ۵ با فرماندهان خود داشت اعلام کرد که اگر

خوردیم بدین دلیل بود که علیرغم اینکه هدفها مشخص و محدود و خوب هم شناسایی شده بودند ولی اینها جای توکل به خدا را در طی عملیات پر کرده و موجب شدند آنطور که شاید و باید به خدا در طی عملیات توکل نشود. بنا بر این میتوان شهدای کربلای چهار را عامل مهمی برای پیروزی کربلای پنجم دانست. حال به ذکر برخی از ویژگیهای کربلای پنجم می پردازیم.

ما ۹۰٪ ارتش خود را هم از دست ندهیم باید فاو را پس بگیریم. چرا که پیروزی کربلای پنجم را معلول پیروزی رزمندگان ما در فاو میدانند.

ج - ضربه پذیری به نقطه قوت دشمن و بی امانی عملیات

شلمچه حایبی بود که عراق محکمترین و پیچیدهترین آرایش دفاعی و بیشترین نیرو و تجهیزات را در آنجا گرد آورده بود و عراقیها همزمان با کنفرانس کویت و کنفرانس همبازی در اوج هوشیاری و آمادگی باش بودند و میتوان گفت مهمترین عامل پیروزی، انسان الهی شده بودند برتری تجهیزات.

ضربه به نقطه قوت عراق در طی عملیاتی بی امان دستاوردها بی به شرح زیر در برداشت:

- ۱- بی اثر شدن سلاح شیمیایی از آنجا که در طی عملیاتی ما در شلمچه خط مقدمها نزدیک گشت سلاح شیمیایی دشمن بی اثر شد چرا که وقتی خط مقدمها نزدیک شده با سلاح شیمیایی ممکن است بر علیه خودشان بکار برود و این تحرشهای دشمنی آینده، که اگر عملیاتی بی امان باشد خط مقدمها نزدیک و نتیجه آنکه سلاح شیمیایی بی اثر میگردد.
- ۲- دستاورد دیگری آنکه بدلیل نزدیکی

و انتقال یک تانک و کلا سلاح سنگین به آنطرف اروندرود و دریاچه ماهی کاری بس مشکل میباشد. با این شیوه تهیه سلاح از دشمن در طی عملیات علاوه بر خود کفایی نظامی این مشکل نقل و انتقال نیز حل میشود. عده ای میگویند ما م زمان (عج) چگونه نه سلاح پیچیده زمان خود دست می یابد؟ پیروزی فاو و کربلای ۵ برای ما ملموس ساخت که نیروهای حق با اراده سازمان یافتند میتوانند از طریق دشمن به سلاح زمان خود مسلح شوند.

ه - تحکیم مواضع و انگیزی تبلیغ

یکی از ویژگیهای این عملیات این بود که پس از فتح یک موضع و استقرار در آن و تحکیم پدافندی، پیروزی در آن موضع را اعلام میکردند. در حالیکه در برخی از عملیات گذشته در ابتدا هر موضعی بدست رزمندگان فتح میشد اعلام مینمودند و گاه بدلیل عدم پدافند قوی مجبور میشد عقب نشینی می شدند و این تاثری در روحیه رزمندگان و مردم میگذاشت.



و - هدف عملیات انهدام نیرو و خورد کردن ماشین جنگی عراق

بنظر میرسد هدف عملیات را صرفا "انهدام نیرو و اعلام کردن، موجب کینه و انتقام متقابل گشته و مغایرت جنگ را بی بخش و خرافاتی نذر درون ارتش عراق میگردد، و موجب تقویت انگیزه نیروهای مسلح عراق میباشد چرا که از ابتدای جنگ هدف ما، جهت دادن و بکار گرفتن ارتش عراق علیه صهیونیسم بوده است.

ز - خطر پیروزی نظامی برای آمریکا

در سیر حرکت استکبار دیده شده است که هر کجا احساس کرده که حرکت حق گسترش و عمق بیشتری می یابد و ضربه بیشتری به او وارد میشود، تن به ضرر کمتری و عقب نشینی از مقابل حرکت حق را داده است. مثلاً در لبنان اشغالگران امریکایی و اسرائیلی وقتی با مقاومت و ایثار رزمندگان لبنانی روبرو شدند، با همه مشکلات و موانع آن، نقل

خط مقدم با پشت جبهه و کم بودن فاصله خط مقدم ها نیروهای تازه نفس میتوانند سریع جای نیروهای در خط را گرفته و به آنان فرصت جمع بندی و استراحت ندهند.

د - خود کفایی تسلیحاتی در ادا مه جنگ

نقطه عطفی در عملیات کربلای ۵ بچشم میخورد و آنهم طرح جدی مسئله تهیه سلاح خصوصا سلاحهای سنگین و پیچیده از دشمن میباشد. این شیوه در مقابل آن عده که بتداوم جنگ را صرفا " با خرید سلاح آنها طبعاً " امریکایی امکان پذیر میدانستند گشایش و فرجی است در امر جنگ برای رزمندگان و مسئولین و آنان را به این جمع بندی مؤمن ترمیم سازد که بدون تکیه به سلاحهای امریکایی و وابستگی به آنها میتوان سلاح جنگ را از طریق عملیاتی بی امان از دست دشمن کسب نمود. میتوان جنگ را از طریق عملیاتی بی امان ادامه داد و سلاح را از طریق دشمن بدست آورد. اگر ما تکیه مان به خرید سلاح باشد، آنها از طریق درآمد ارزی نفت، با همه مشکلات و موانع آن، نقل

دشمن وقتی شکست خورد و مرعوب شد باید او را تعقیب کرد تا ابرقدرت را مجدداً او را تجزیه کرده اندام جنگ را بجا رساند و کار را یکسره نمود



اخبار جنگ اسلام و کفر

راه مجاهد - گاهی برای دستگیری يك قاتل جانی ، دهها پاسدار جوان ممکن است به شهادت برسند لیکن بایستی توجه کرد که بر خلاف آنچه نهفت آزادی معتقد است ما صرفا با شخص عدم تفاد نداریم و اساس ادامه جنگ دفاعی ما بر تنبیه متجاوز استوار است . برادران نهفت می بایست توجه داشته باشند که ما در میان شلوغ بازار امالت قدرت شرق و غرب جنبشی مستقل و اسلامی برای آزادی همه مستضعفین بنا

تا نیروی نظامی و اقتصادی و دشمن بالقوه را نابود کند و خود را از خطر آسوده سازد بنا براین اگر قرار باشد پیروزی های اخیر را به کسی تبریک گفت ، سیاستمداران اسرائیل به بیش از همه کم دریافت کنند این تبریک هستند و مسافران مسئولین و مردم شهید پرور ما آتش بیار تنور جهانسوز صهیونیستها علیه اسلام و ایران گشته اند .

راه مجاهد - اسرائیل از جنگی که ازین رفتن نیروهای ضد امپریالیست را در بر داشته باشد و باعث وابستگی بیشتر طرفین به غرب بشود ، خوشحال و از جنگی که شیوه های خود کفا داشته باشد و باعث سنج نیروهای ضد امپریالیست شده و به ایمن ترتیب بر کثرت نیروهای دشمن غرب بیافزاید متنفرند . جنگ دفاعی ما علیه رژیم عراق علیرغم وجود برخی شیوه های نارسا ، جوهری مستقل ، ضد امپریالیست و ضد صهیونیست و بسیج کننده توده های مستضعف منطقه را داراست و نمود این امر را در بسیج مسلمانان لبنان علیه غرب و اسرائیل میتوان دید .

بدهد و همانطور که حجه الاسلام رفسنجانی گفتند میا مسیر فروش سلاحها را تعقیب میکند و سلاحهای پیشرفته بحزبا اجازه میا به کسی فروخته نمیشود ، بهتر بود که برادران نهفت آزادی مطرح میکردند که چرا با علم به وحشی بودن دشمن بعضی ، دولت در این هفت سال اقدامی در جهت ساختن پناهگاه در شهرهای مورد خطر نکرده است .

شما کشور کهنسال ایران را بدون نظر خواهی از مطبوعات و حتی مجلس میدان آزمایش برای احراز قدرت خود کرده اید . - حال که میگوئید دست بالا در جنگ را پیدا کرده اید ، و از طرف همه کشورها برای پذیرش آتش بس تحت فشار هستید چرا برای اثبات حقانیت ایران و مقابله با تبلیغات جهانی ، سیاست تبلیغاتی و دیپلماسی خود را تغییر نمی دهید و پیشنهاد های متقابل و معقول برای خاتمه جنگ نمی دهید ؟

راه مجاهد - برخلاف آنچه که مطرح کرده اید ، امام خمینی و جمهوری اسلامی سیاست جنگ طلب ندارد بلکه مثل شما شعار صلح میدهد لیکن در مورد شرایط صلح با شما اختلاف دارد . شما معتقدید که بدون تغییر در حاکمیت عراق آتش بس را پذیرفته و صلح کنیم . عراق معتقد است که حتی بدون اینکه بپذیرد که آغازگر جنگ بوده است ، با او صلح کنیم . جمهوری اسلامی معتقد است که شرط اصلی پایان جنگ و برقراری صلح ، تغییر در حاکمیت عراق و

اسرائیل علیرغم ظاهر فریبکار خود از ادامه این جنگ بخصوص با شیوه های مستقل و خود کفا ناراحت است آنچه را هم که از حجه الاسلام رفسنجانی در مورد پذیرش جانشین آمریکائی در عراق نقل کرده اید اگر جمله ای دیپلماتیک و با هدف تعدیل غرب و تشدید تفاد های دول امپریالیستی نباشد (که به نظر ما تا حد زیادی چنینی است) ، نظر مستضعفین و ایثارگران جنبه های نبرد نیست .

بررسی نامه نهفت آزادی

به حجه الاسلام رفسنجانی

نهاد ما بود در آغاز راه مورد حمله واقع شده ایم و حال میخواهیم این معادله را که "هر کم زبیر بار شرق یا غرب نبود می بایست نبود شود" بر هم بزنیم و تحقق این امر اصلترین ضامن تدوم حیات جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است و در این راه هر چقدر شهید هم بدیم ارزش دارد . البته ما انتظار ارائه اینگونه استدلالهای عوام پسند را از این برادران نداشتیم بخصوص برادرانی که سابقه طولانی سیاسی داشته و مدتی هم اداره امور نظام را در دست داشته اند . این برادران بخوبی میدانند که يك کشور در صورتیکه در مقابل تجاوز همسایگان خود امنیت نداشته باشد به هیچ وجه قادر به اجرای هیچگونه برنامه اصلاحی و اقتصادی نخواهد بود . ملت ما هنوز خاطره تغییر سیاستهای دولت مرکزی را بدلیل قشون گمشای های دول خارجی در مرزها فراموش نکرده اند . ما برآنیم که اینگونه اتفاقات هرگز تکرار نشود . البته مانعیم معتقدیم که شیوه های جنگی بهتری وجود دارد که در عین وارد کردن بیشترین ضربات به عراق ، شهدای کمتری داشته باشیم

در تاریخ سوم بهمن ماه ۶۵ نامه سرگندارهای از سوی نهفت آزادی ایران به حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی انتشار یافت . در این نامه پس از تبریک بخاطر پیروزی های اخیر در جبهه های جنگ ، و تقدیر و تشکر از مردم ایثارگر ، مطرح شده است که :

- امکان اظهار نظر و انتقاد نسبت به مسائل کشور برای صاحب نظران وجود ندارد و در این مورد انحصارگری شدید وجود دارد .
- در تبلیغات تنها به قاضی رفته و یک وجه قضیه را مطرح می کنید ، از میزان تلفات نیروهای خودی و حملات عکس العملی در حمله به شهرها هیچ نگفته اید .
- در این نامه نسبت به آوارگی ها و تلفات مردم که ناشی از بمباران ها است اظهار نگرانی و اعتراض شده است .
- غیر از نظریه خودتان هیچ نظریه ای را در این مورد قابل طرح نمیدانید .
- در این نامه نسبت به مقابله به مثل موشکی و زدن مناطق مسکونی عراق اعتراض بعمل آمده است و گفته شده است که از جنبه های انسانی و اسلامی به مسئله مقابله به مثل توجه چندانی نمیشود . همچنین مطرح شده است که آیا دلائل قصاص و انتقام ، مقابله به مثل ، مجازات متجاوز و اعمال فشار بر عراق و سرعت کار برای واداشتن دشمن به تسلیم ، دلیل محکم مبتنی بر قران و سنت برای کشتار کسانی که در جنگ مشارکت نداشته اند می باشد ؟

- با تبلیغات نادرست و ناشیانه موضع سیاسی کشور را در میان کشورهای منطقه و کنفرانس های بین المللی ضعیف کرده اید .
- این پیش روی ها را به چه قیمتی کسب کرده اید ؟ آیا حق مصرف سرمایه کشور و اندوخته نسل های کشور را در این مسیر دارید ؟ آیا برای مجازات يك جانی حق دارید صد ها هزار و شاید ملیونها جوان را به کشتن بدهید ؟ کدام جریان پس از باز پس گیری گوسفندان از گرگ همه گله را به دم دندان و جنگال تیز او می فرستد ؟

آیا شما وکالت از طرف ۴۰ میلیون نفر دارید که از مطالبه خسارت جنگی به شرط ساقط شدن تمام دارایی های شما میگویند ؟
آیا تمامی این خونریزیها منجر به جایگزینی يك حکومت بعضی دیگر یا يك حکومت آمریکائی که قبلا اعلام کرده اید که حاضر به پذیرش آن هستید نمی شود ؟
چرا مرزهای هوایی کشور بس روی هواپیماهای عراقی باز است ؟ آیا بهتر نبود بجای خرید موشک زمین به زمین ، موشکهای زمین به هوا و رادار میخرید ؟

راه مجاهد - ضمن تایید نظر ایشان در مورد محکوم و غیر اسلامی بودن عمل مقابله به مثل موشکی و بمباران شهرهای عراق ، متذکر می شویم که راه حل خرید سیستم های پیشرفته رادار و دفاع ضد هوایی ، به وابستگی می انجامد . چرا که آمریکا حتی به کویت هم حاضر نشد سیستم موشک ضد هوایی "استینگ"

برادران نهفت می بایست توجه داشته باشند که ما در میان شلوغ بازار اصال شرق و غرب ، جنبشی مستقل و اسلامی برای آزادی همه مستضعفین بنا نهاده ایم .

راه مجاهد - در عین حال بهتر آن بود که این نامه با لحن نرم تر و دوستانه تری نوشته می شد . زیرا به هر حال این شیوه باعث تضعیف مسئولین جنگ شده و خودتان بخوبی میدانید که تضعیف مسئولین جنگ در شرایط حاضر به نفع چه کسی تمام میشود .



برگزاری نظام آغازگر جنگ است . بنا براین اگر در مورد شرایط حرنی وجود دارد بهتر است در مورد شرایط بحث کنیم نه اینکه مارک جنگ طلب به نظام بزنیم .

شما در ماههای اخیر دو اعتسراف شایان اهمیت کرده اید . یکی اینکه ادامه جنگ نفع ابرقدرت ها است . دوم اینکه داوطلب یا حد اقل حاضر به مذاکره با آمریکا شده اید و پذیرفته اید که بدون معامله و جلب نظر آنها بدون استفاده از راههای دیپلماسی برسیدن به پیروزی محال یا مشکل است . آیا نمیباید بپذیرد که سرسختی و ادامه سیاست جنگ جنگ تا پیروزی ، اگر نگوئیم پیروزی کامل از نقشه و خواست ابرقدرت ها برای تامین منافع آنها و تضعیف حیثیت و حیات ماست . لا اقل هماهنگی با انسان و بازیچه شدن ما در دستشان است . چطور میتوانیم با اسلحه آمریکائی و وساطت اسرائیل بردشمنی که معتقدید مورد حمایت آمریکا و اسرائیل است پیروز شوید ؟

گفتنی تر و مبهمتر و حساستر اینک که ادامه این جنگ علاوه بر در خط آمریکا و شوروی قرار داشتن در خط اسرائیل است

جنگ جنگ است و عزت و شرف دین و سپهر ما در گرو همین مبارزات است



اخبار داخلی

پاسخ‌های رئیس‌جمهور به سؤالات دانشجویان

مقدمه
در جلسه پرسش و پاسخی که جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای در مسجد دانشگاه تهران برگزار کردند به سؤالات دانشجویان در زمینه‌های مختلف سیاسی اجتماعی پاسخ گفتند ایشان در مقدمه، ضمن برشمردن خصوصیات اخلاقی نیکویی که لازم است در دانشجویان باشد، به انتظارات مردم از دانشجویان و اهداف سیاسی آنان اشاره کردند.

پس از ذکر مقدمه سؤالات دانشجویان مطرح شد در ابتدا سؤالاتی در مورد زمان پایان جنگ و نحوه مقابله به مثلاً در برابر رژیم عراق مطرح شد که جوابهای آن بطور تفصیل در نشریات و خطبه‌ها و... تاکنون بسیار مطرح شده است. در ادامه سؤالاتی مطرح شد که مضمون آن‌ها در زیر آوریم.

سیاست خارجی

سؤال: آیا اینکه مطرح می‌کنند در وزارت خارجه و جناح است یک جناح خواهان برخورد سیاسی با آمریکا و یک جناح خواستار برقراری ارتباط با آمریکا آنهم در زمان حیات امام آیت‌اللهین موضوع صحیح است؟ نظر جناب عالی چیست؟

ج- وجود و جناح در وزارت خارجه را مطلقاً تأیید نمی‌کنم و هیچ‌کس نه در وزارت خارجه و نه در کل نظام و مسئولین بالا طرفدار رابطه با آمریکا نه در زمان حیات امام و نه بعد از امام نیست هر کس هم چنین ادعایی بکند یا از روی اشتباه است یا از روی غرض در این قضیه مک‌فارلین، قضیه اخیر آمریکا و وزارت خارجه مطلقاً در حالت نداشتن، حتی اطلاع هم نداشتند. مسئولین وزارت خارجه نه وزیر و نه معاونین و نه عناصر فعال.

یک عده مسئولین سطح بالا جریانات را اطلاع داشتند و بطور دقیق و ماهرانه و با احتیاط تمام آنرا هدایت میکردند بقیه دستگاہهای دولتی هم از این خبر نداشتند جزمیان مسئولین سطح بالای کشور بودند هم‌همشون در این قضیه اظهار اطلاع کردند و موضعگیری کردند و وسائل را بیان کردند. خود شخص حضرت امام هم که همان‌طور که خودشان هم از بیاناتشان بدست آمد و دیگر مسئولین هم گفتند و بنده هم شهادت میدهم از آغاز در جریان این قضیه قرار داشتند.

بنابراین این حرفی که در جناح آنجا هست یکی طرفدار ارتباط یکی طرفدار برخورد این حرف درستی نیست از روی حدس است که مطابق واقع نیست. البته سلاطین سیاسی ممکن است مختلف باشد چه در وزارت خارجه و چه در خارج وزارت خارجه این اختلاف سلیقه در مورد آمریکا مطلقاً نیست. همه در مورد آمریکا

کردیم و با ایشان مذاکره کردیم و وقتی ایشان اظهار رضایت کردند یا تأیید کردند آنوقت ما اقدام کردیم چون انجام دادیم البته الان مثالهایش در ذهنم است لازم نیست که حالا بگویم فلان مورد و فلان مورد و فلان مورد اگر جلسه در حد من و شما بود اشکال نداشت از این ریزتر هم میشد صحبت کرد اما خوب طبیعتاً است که جلسه در حد من و شما فقط نیست معنی است گوسپای نامحرمی هم بعد از جلسه این مطالب را بشنوند و مناسب

حقیقی سیاسی و فرهنگی در سطح جهان بود و هیچ کس ارزشی برایش قائل نبود و ایران را فقط با نام نفت و خاویار و قالی آن کسانی که میشناختند میشناختند تبدیل شده به یک ملتی در دنیا که تعیین کننده سیاستهاست. با ابر قدرتهاست و پنجه نوم میکشد ابر قدرتها را وادار به تسلیم میکند. در زمینه مسائل جهانی، در زمینه روابط بین المللی، موضعگیری او، نگاه او، اخم او، لبخند او، معنی دارد و رویش حساب میشود این عظمت یک ملت است فرهنگها در دنیا مشورتی دارد سؤال کننده دارد ملتها امروز به ما نگاه میکنند اینها چیزهایی است که اثر انقلاب ما بر اثر کوشش مسئولین ما بوجود آمده امروز وضع بسا آتروز تفاوتی کرده در حد ۱۸۰ درجه. امروز دانشجوی خوب علامت این نیست که بخواد با این نظام و با این دولت با این مسئولین با این روال و سیاستها مقابله کند. نه این یک انحراف است. همانطور که در جریان مهدی هاشمی ملاحظه کردید آن گروهیکه امام آنها را منحرف دانستند و خودشان هم آمدند و به انحرافشان اعتراف کردند. یکی از قلمهای اعترافشان این بود که تلاش میکردند زنها را نسبت به مسئولین بدبین کنند. این در یک نظام اسلامی کار بدیهه انتقاد کار خوبیه سؤال کار خوبیه استفسار کار خوبیه ولی افترا کار بدیهه بدبین کردن کار بدیهه تهمت زدن کار بدیهه آن تحلیل سیاسی که

اما اینکه اما موقتی به یک عده ای حمله کردند چند نفر بیاید این را مستمسک قرار بدهند... برای کوبیدن یک جریان مخالف خودشان و به مناسبت این ۸ نفر اسم کسان دیگری را مطرح کنند... کسانسی را خدا انقلاب معرفی کنند، نخیر این خلاف شرع است هم قطعاً خلاف نظرها ما است.

بناسات کل نظام را به زیر سؤال ببرد یا بخصوص فلان مسئول و فلان مسئول را به زیر سؤال ببرد آن تحلیل سیاسی یقیناً سالم نیست و ناسالم است و البته معنای این نیست که تحلیل دهنده آدم ناسالمی است نه ممکن است تحلیل دهنده آدم سالمی است ولی فریب خورده. این تشریحاتی که در این نامه به آن اشاره شده من نخواندم ندیدم البته یک تشریحی را در مورد سفر مک‌فارلین دیدم اما چون مفضل بود فرصت نکردم نگاه کنم ممکن است حالا بعد بتوانم مروری بکنم اما تشریحاتی که اشاره میشود من نمیدانم کد امپاست اما هر تشریحی را هر اظهاری که تصمیم این است که خطرات این است که دانشجویان را نسبت به مسئولین بدبین کند این یقیناً خط منحراف و ضد امام است.

جریان ضد مهدی هاشمی

۱- سیاسی: در مورد خطر جریان سید مهدی هاشمی امام خطر انحراف از اسلام را مطرح کردند ولی عملاً رسانه‌های گروهی و بعضی ها که ادعا دارند در این مورد کوتاهی نمودند شما چه نظری دارید؟

۲- من نظرم نظر امام است. این یک گروه براندازی بود که زیر یک پوشش حق به جانب داشت فعالیت میکرد و تلاش میکرد منتصبی براندازی نه مثل براندازی سلحشاهان فلان گروه. یک براندازی خزنده یک براندازی دراز مدت. متأسفانه توانسته بودند خیلی جاها هم نفوذ کنند، توی حوزه هم یک مشت "تم کرده" درست کرده بودند. حتی بعد اطلاع دارم یعنی شنیدم

مسائل سیاسی دانشجویان

سؤال: طی دو ماهه اخیر اظهار نظرهای بیسی در مورد مسائل سیاسی دو ماهه اخیر از سوی مسئولین تشکلهای اسلامی دانشجویی ابراز شده است با توجه به اینکه در بعضی موارد با اعلام اینگونه نظرها سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی، دولت مسئولین نظام جمهوری اسلامی به زیر سؤال برده شده لذا ما ملیم نظر جناب عالی را در رابطه با نحوه و حالت و اظهار نظر سیاسی قشر دانشجویان داریم؟

ج- دانشجویان باید استفسار کنند، سؤال کنند، فکر کنند و تحلیل کنند در این هیچ شکی نیست و این برای دانشجویان است و آگاهیهایی او را بالا میبرد. البته دانشجویان باید خیال کنند که همواره باید موضع مخالف خوانی با مسئولین را در پیش بگیرند این یک اشتباه و انحراف است بیکروز بود که دانشجوی خوب و فعال اونی بود که با نظام سرچنگ داشته باشد. امروز آنروز نیست. آنروز یک نظام خسروی بود و ضد مردمی کارهایش و تصمیماتش بنحوی توطئه علیه ملت و توطئه علیه اسلام و توطئه علیه مصالح مردم مس و ملی و توطئه علیه قشرهای گوناگون از جمله قشر دانشجویان. امروز نظام یک نظام مردم مس است. امروز ما که مسئولین نظام هستیم از متن مردم هیچکدام از احاد مردم نمیتوانند ادعا کنند که از افراد این نظام مردمیتند نه یک دوران مشخص یک نفر را بعنوان یک مسئولیت گماشته اند این کارش را انجام میدهند، بارش را بر میدارند سنگین یا سبک، خوب یا بد باز هم بر میگردند سر جای خود شری. بنابراین همه جز مردمند، همه همه مردمند و همه مسائل مردم را درک می‌کنند و لمس می‌کنند و من اینرا با جرات و قاطعیت میگویم امروز نظام یک نظامی است که دارد برای مردم تلاش میکند کار میکند مسئولین نظام شب و روز ندارند زحمت میکنند بیشترین تلاش‌ها را میکنند بیشترین جوشها را میزنند بیشترین بارها و سنگینترین را به دوش میکنند و به فضل پروردگار ملت ما و کشور ما که بیکروز در انزوای

اصل برای ما باید آبرو و حیثیت اسلام و تحقیق ارزشهای اسلامی و انقلاب باشد



العملهای خشن نشان دادند در بعضی از جاها
و تریبونها آن راهم اصلاً بنده نمیتوانم قبول کنم و
موافقت کنم زیرا که آنرا هم یک حرکت گروهی و انسانی
احسان میکنم که هست .

مسئله شوروی

۶- با توجه به اینکه حضرت امام شوری را شرق
تجاوزگر معرفی کرده اند و با توجه به موضع خصمانه
کرملین نشینان علیه انقلاب اسلامی که معلول آن
تجهیز کامل صدام است و همچنین کشتار مسلمانان
افغانستان توسط ارتش سرخ و ... چرا مسئولین
در صدد گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با
روسیه هستند . رابطه داشتن با متجاوز به جان
و ناموس مسلمانین یعنی چه ؟

ج- انشاءالله یکجوری جواب بدهم که هم صد در صد
درست و دقیق باشد و هم جوابی باشد که اگر گوش
نا محرمی هم شنید اشکالی نداشته باشد .

جواب این است که ما طراحی سیاست خارجی را برای
صالح کشور و انقلاب میکنیم . ما بر سر قضیه افغانستان
و سر قضیه عراق این دو مسئله مهم با روسها نیست
لحظه کنار نیامدیم و نخواهیم آمد اینها بدانید هر
کس هم غیر از این بگوید بیخود گفته است . مخالفت
ما مؤثر هم بوده است . الان دیدارهایی در ژنو
انجام میگردد درباره مسائل افغانستان . دولتهای
منطقه هم که اصرار داشتند ما در آن شرکت کنیم
همواره در این چند ساله رد کردیم و شرکت نکردیم
آن دیدارها موفق نبوده بخاطر مخالفت ما و عدم
شرکت ما . ما در قضیه افغانستان موضع روشن و قاطعی
داریم و به هیچ وجه کنار نمی آیم . در مورد عراق
هم همینطور در زمینه جنگ با بنده
ملاقات میکند با آقای هاشمی ملاقات میکند با
نخست وزیر ملاقات میکند این هم رئیس کمیسیون همکاری
اقتصادی بین ایران و شوروی است و ملاقاتش با
مسئولین چیز بدی نبود و تازه ملاقاتهایش همانطور
که شما در خبرها شنیدید آنی را که با خودش برود
اگر ببرد بیشتر بنفع ماست حرفهایی که او شنیدند
نقطه نظرهایی که او آگاه شده قوت مواضعی را که از
لطف جمهوری اسلامی او احساس کرده و وحدت بیسان
و وحدت نظری را که در بین مسئولین بدست آمد اینها
همه اثر برای روابط دیپلماتیک ما با روسیه در آینده
بلند مدت بسیار چیزهای مفیدی است و شأن و قدر
انقلاب و نظام مبتنی بر انقلاب را بیشتر برای آنها
روشن میکند . این یقیناً به سود ماست .
والسلام

این بلکه دشمن را خو شحال نکند مردم را مایوس
نکنید و زمینه را برای ایجاد ابهام در ذهن
مردم فراهم نکنید . البته آن ۸ نفر که در مجلس این
کار را کردند کسانی دیگر هم قبل از آنها اینکار را
انجام دادند در تریبونهای غیر مشخص و روشی
که حتی در بعضی از روزنامهها هم در آمد . من
توصیه میکنم آن کسانی که در این قضا یا همان موضع
آن ۸ نفر را داشتند یک مقدار از فرمایش امام را اقلأ
به خودشان بگیرند و لذا اینکار مورد عکس العمل تند
حضرت امام قرار گرفت و ایشان قاطع برخورد کردند .
و بسیار هم بجا بود که با این حرکت قاطع برخورد
شود . البته من صریح عرض کنم به شما بگم با آن چه که
در مجلس شورای اسلامی بعد از موضعگیری امام
پیش آمد بنده موافق نیستم مخالف امام لازم میدانم
یکوتی به جمعی از امت یا به یکسگی تشریحی
بزنند خوب آنها باید بفهمند و اگر هم نفهمند باید
تکرار شود و باید عکس العمل را ببینند اما اینکه

کرده برای اینکه ایشان را به زیر سؤال ببرد و خیلیها
را میخواسته به زیر سؤال ببرد و خیلیها را میخواهند
به زیر سؤال ببرند . اما این به عهده ماست که
بنشینیم و تحلیل بکنیم فکر کنیم تیز بینانه و دقیق نگاه
کنیم و ببینیم که آیا شایسته است که شخصی مثل آن
مقام معظم را بخاطر اظهارات یک منم یک فاسق
یک کسی که بخاطر گناهش به زندان افتاده و امام در
مورد او آنجور حرف زدند بخاطر حرف او اظهار او
نسبت به شخصیت ایشان تردید پیدا کنیم؟ نخیر
بنده تردید پیدا نمیکنم شما هم تردید پیدا نکنید .
بنظر من هیچ انسان منصفی تردید پیدا نمیکند . اما
این مانع از این نیست که ما فکر کنیم . او نیستش
همین بوده بلکه نیت او همین چیزها بوده . البته
نیتهای بد دیگری هم داشتند خیلیها را آنها می
خواستند به زیر سؤال ببرند البته خیلی اظهارات
دیگر هم او کرده مسائل دیگری هم او گفته غیر از آن
نوار مطالب دیگری هم گفته که در آن میخواسته که اگر

منتهی شنیدن در حد خیلی بالایی است تقریباً مینویس
گفت اطلاع . که بعضی از کسانی که در آن جمع بودند
و معمم بودند سابقه عمده داشتند به ۴-۵ سال
میرسد . ۴-۵ سال است که عمامه سرشان است و
ادعای اجتهاد میکنند اینها قرار بوده که چهار
صبح که گذشت یک چهار لای سفید هم توی پیشان
پیدا شد بعنوان روحانیت مبارز بیایند توی میدان و
ببینند تکلیف مردم و تکلیف کسانی که میخواهند از اینها
حرف بشنوند و عمامه و ریش اینها نگاه کنند جسی
میشد . البته همه شان معمم نبودند بعضی هاهم
غیر روحانی بودند منتهی در حوزه نفوذ داشتند .

۳- با توجه به صاحب سید مهدی هاشمی و با
توجه به اینکه آقای ری شهری اعلام کرده اند امام قیلا
این صاحب را دیده اند آیا بنظر شما این صاحب
تضعیف مقام رهبری نیست چرا که در این صاحب
صریحاً اعلام شد که این آقای (مهدی هاشمی) تا
بحال به آقای منتظری خط میداده اند و بعداً هم
منجر به تذکره دفتر ایشان شد . لطفاً توضیح بدهید

ج- خوب ایشان گفتند ما میخواهیم به آقا خط بدهیم
یا خط میداریم اما آیا آقا هم خط آنها را قبول می
کردند یا نه اون اهل بحث است اون خیلی کارها می
خواسته بکنند . اول برادرش در بیت آقا بوده و
به خیال خودش یک شفیع و یارنی قوی توی بیت داشته
خودش هم از قدیم بچه همان مناطق بوده و خدمت
ایشان میرفته می آمده از زمان طللی یک حسن ظنی
را روی سوابق ممکن است در ایشان نسبت به خودش
بوجود آورده باشد اما آیا حضرت آیتا . . العظمی
منتظری که یک شخصیت برجسته و ممتاز انقلاب و
اسلام هستند و بنده افتخار میکنم وجود یک چنین
شخصیتی در همان اسلام انقلابیون . آیا ایشان
از آن آقا خط می گرفتند ؟ او که نمیتواند چنین ادعایی
بکند . حالا به فرض ادعا هم که بکند کهنه خط
میدادم . بلکه ایشان خبر میدادند خیلیها خبر صوسی
دادند ماه و وقت خدمت آقای منتظری میرسیدیم ایشان
یک شت نامه و مطلب در اختیارشان بود . نامه برای
ایشان مینویسند تلقن میکنند به دفترشان افراد
می آیند به ایشان مراجعه میکنند . ائمه جمعه به
ایشان مراجعه میکنند طلبه هایی که در حوزه هستند
سردرس ایشانند به ایشان مراجعه میکنند مسئولین
کشور به ایشان مراجعه میکنند مسئولین درجه ۱ درجه
۲ درجه ۳ از رؤسای سه قوه گرفته از بنده شخصاً
گرفته تا فلان مدیر کل ، یا فلان مدیر سازمان ، فرمانده
فلان لشکر سپاه ، فرمانده فلان بخش ارتش همه خدمت
آیتا . . العظمی منتظری میروند و همه به ایشان حرف
میزنند و ایشان اطلاعات زیادی دارند . غالباً وقت
ما میرویم ایشان مطالبی حاضر کرده توی شت دارند
گاهی نوشته اند روی کاغذ آماده کرده اند مطالبی را
جمع بندی کرده اند و آماده کرده اند . ایشان یک چنین
آدمی است . آدم آگاهی است بیخودی که مجلس
خبرگان روی شخصیتی تکیه میکنند . بیخودی که ماها
ارادت به یک کسی که پیدا نمیکنیم . ماکه نمیشود
گفت که ایشان را نمیشناختیم یا دیگرانی که هستند
نمیشناختیم ما همه را میشناسیم . این کسانی که در
حوزه های علمی هستند شاید کمتر کسی . توی این
برجسته ها و زیده ها باشد که ما نشناخته باشیم یا
ایشان نگذرانده باشیم یا اینها کار نکرده باشیم در
در دوران مبارزه بعد از پیروزی انقلاب کار علمی
کار سیاسی کار انقلابی در میان همه شخصیت
آیتا . . العظمی منتظری شخصیت ممتاز است شخصیت
برجسته ای است . نه به مقام ایشان و دامان ایشان
از ناحیه آن اظهارات باید هیچگونه غباری ننشینند
او میخواسته تضعیف کند او را ، بنده به احتمال
زیاد نزدیک به یقین او اصلانمزم فکر کرده و صحبت

از یکطرف در بالا اعتراف سید مهدی دللی تلقی
میشود بر انحراف او ولی از طرف دیگر گفته میشود
وی آدمی منم و فاسق بوده و بخاطر گناهش به زندان
افتاده . حال این سؤال جدی تر مطرح میشود که
آیا درست است که قسمتها بی از اظهارات یک فاسق
در تلویزیون سرتاسری که بر علیه آیتا . . منتظری
بوده ، بخش میشود و قسمتها ی دیگر ما حبه بخش
نمیشود؟ آنچه که مسلم است تا شرا این صاحب
را در افکار عمومی نمیشود انکار کرد . راه مجاهد

یک وقتی اینها بخش شد اقلأ یک کسی یک جمعی ،
یک جامعه ای ، مورد خدشه قرار بگیرند یعنی مثل
اوتی که دم مرگ هم که بود میخواسته با لایحه یک
جوری بنماید که اگر می غلطد و می لغزد کسان دیگری
را هم با خودش کمی بغلطاند و بلغزاند .

راه مجاهد

از یکطرف در بالا اعتراف سید مهدی دللی
تلقی میشود بر انحراف او ولی از طرف دیگر گفته
میشود وی آدمی منم و فاسق بوده و بخاطر گناهش
به زندان افتاده . حال این سؤال جدی تر
مطرح میشود که آیا درست است که قسمتها بی از
اظهارات یک فاسق در تلویزیون سرتاسری که بر
علیه آیتا . . منتظری بوده بخش میشود و قسمتها ی
دیگر صاحب بخش نمیشود؟ آنچه که مسلم است
تأثیر این صاحب را در افکار عمومی نمیشود انکار کرد .

اصحاب ثمانیه

۳- نظر حضرتعالی در مورد جریانات انحرافی
اخیر و هشدار شدید الحن امام به اصحاب ثمانیه
در رابطه با سؤال از وزیر خارجه چیست ؟

ج- اصحاب ثمانیه بقول این برادر یا خواهری که
سؤال کردند روشن شد یعنی اینها از وزیر خارجه
پرسیدند حالا من نمیتوانم بگویم که اینها واقعاً
بعضی ها نسبت به این اقدام نظر سوشی داشتند
تمسک است که واقعاً بعضی هاهم نظری نداشتند
بهر حال اغراض و نیتها را خدای متعال میداند
این سؤال را کردند این سؤال اگرچه بسیار آن
عکس العمل امامها و اجتهاد نمیشد ممکن بود به دنبال
خودش همینطور جریانهای را باز بوجود آورد و دیگرانی
را هم با ز تشویق بکند و نتیجه این بشود که یک
حادثه ای را که برای جامعه و برای انقلاب بیخودی
بود مغرضانه وسوسه دشمن یک شکست معرفی کنند
و نه فقط بلکه طعم شیرین موفقیت را از کام پیروز
بزدایند . همچنانی که امام هم اشاره کردند گفتند
کام مردم را تلخ نکنید یا چیزی شبیه این . نه فقط

بیمه از صفحه ۱۱

مواجه شد و دوریا فتند که در آینده ای نزدیک
بوسیله رزم و مقاومت ایثار رگران لبنانی
تا رومار شده و محصوره عقب نشینی میشوند
ضرر کمتر (عقب نشینی) را با لایحه پذیرفته
و از خاک لبنان بیرون رفتند . و با این
شیوه میخواهند بگویند ما به میل خود خارج
شدیم تا از لگوشدن مقاومت و رزم مبارزین
لبنانی جلوگیری کرده و مانع از گسترش
و همه جانبه شدن این عقیده شوند که
" از شکست غرب و استکبار در رزم بی امان
و مقاومت ایثار رگران مستضعفین است " .
در آستانه پیروزی کربلای ۵ نیز یک جناح
آمریکا که خواهان رابطه با ایران و حذف
مشروط ۱۰۰ بود سعی کرد از جناح دیگر
منطقه زدایی نماید و به زبان دیپلماتیک
بگوید که اگر ایران را بحال خود رها کنیم
ممکن است به پب و زبیهای نظامی دیگرناقل
شود و لذا برای آمریکا حذف مشروط و یا کنترل
شده صدام کم خطر تر خواهد بود چرا که معتقد



است در سیر دیپلماتیک حذف صدام ، ایران
هم محروم است تعهداتی در مورد ثبات نفتی
منطقه و صدور انقلاب بدهد اما مسئله اصلی
این است که اگر گروه ریگان - مک فارلین
حاضر به عقب نشینی و حذف صدام شده بودند
بدلیل مقاومت رزمندگان و برای جلوگیری
از پیروزی نظامی آنان در جبهه های جنگ
بوده است .

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است امام خمینی



اخبار داخلی

کردیم برای رفع آن غائله و بعدش که من
مفر کردم به ژاپن به نظر رسید که مشو لان
مریکایه فکرافتادند که وضع جدیدی
بوجود آورند.
پیغامهایی از طریق دولت و مقامات
رسمی دادند که ما آمادگی داریم که
تبازهائی شما را تا می‌کنیم و در پیغامها ایشان

و با صافه یک نفر از افراد وارد تریه امور
سای که بطور ناشناس در میان آنها بود
ما بیشتر به این نتیجه رسیدیم که حسن نیتی
در کار نیست ...

از اینکه با خودشان پیام ریگان را برای
سران کشور ما آورده بودند، سوئ طن ما بیشتر

است تا روابطشان را با ایران اصلاح بکنند.
عاجزند از تصمیم‌گیری عاجزند.

اینها هیچوقت با ایران بعنوان ایران
تماس نداشته‌اند، آنان با ما موریب خرید
اسلحه از طریق همان دلالها تماس داشته‌اند و
فکر می‌کنم هنوز هم قطع نشده باشد. ولی آن
واسطه‌ها که عمل می‌کردند در این میان، آنها

گام به گام

با حجة الاسلام رسبانی در قسیمک فارلین



مقدمه:

در مورد سفر گروه مک فارلین به ایران
صحت‌های زیادی شده است به نظر رسید که
موتق ترین کانال برای دنبال کردن این
تمه استناد به صحت‌های حجه الاسلام
رفسجانی است.

از آنجائیکه روزنامه‌های بومیه
اقدام به درج خلاصه مطالب مباحه
نمودند و با لغات اساسی آن را تغییر داده‌اند
سعی کردیم محورها مهم آن را که عیناً
از نواریباده شده بیاوریم. در شماره ۴۰
محورهای مهم سخنرانی ۱۳ آبان را آوردیم
و در این شماره مباحه مطبوعاتی و مباحه
باشمکه تلویزیونی سی - سی - اس آمریکا
سورخ ۶۵/۱۴/۸ را می آوریم.

در رابطه با مردم مقدمتاً لازم است
که توجه کنیم به خط مشی موجود است:
عده زیادی هستند که حالام بقایای
وجود دارد و موضع آنها این است که منتظرند
در سیاست خارجی تضادی پیش بیاید، آمریکا
و انگلیس با هم اختلاف پیدا کنند. تضاد بین
این اردوگاه و آن اردوگاه و از طریق
تصادفها بتوانند یک نفسی بکشند و حرکتی
راه بیندازند و مردم را هم بدنبال خودشان
بکشند این منطق منطقی است که دیگر
خریداری ندارد.

ولی موضع دو من نسبت به مردم این است
که می‌آیند مردم را به صحنه می‌آوردند و از آن
در جهت مصالح روز مملکت استفاده میکنند
تکیه به مردم دارند به منظور تحلی قدرت
در برابر امپریالیسم، تا در معاملات سیاسی
بین المللی این قدرت و نفوذ بصواب آید
متأسفانه در این جنبش انقلابی ما، رگهایی
از این تفکر دیده میشود امیدواریم در بیشتر
انقلاب این خط مشی اصلاح و تجدید نظر شود.
موضع سوم، عشق به مردم است که از
عشق به خدا نتیجه میشود و اگر تکیه به
مردم هم میکند، برای استفاده از مردم و
تجلی قدرت نیست بلکه چون به مردم عشق
دارد، آنها را از زمانهدی میکند و چون میگوید
که مردم باید حکومت بکنند بنا بر این
تضمین این حکومت همان سازماندهی و بسیج
مردم است. این تفکر است که میگوید
"مَنْ يَتَّخِزْ مِنَ اللَّهِ لِيَوْمٍ فَتْرَةٍ" سوره هود
آیه ۳۰. آیات مربوطه نوح (ع) است که
ملا و سرمایه‌داران میگویند تا اول از مردم
حداشوتا ما با تو صحبت کنیم بعد نوح (ع) بگوید
اگر من از مردم جدا شوم از جانب خدا کی
به من کمک خواهد رسید؟ کیست که به من
یاری کند؟

مباحه با سی - سی - اس آمریکا
بعد از حادثه هواپیمای تی - دلیو -
ای، که در لبنان اتفاق افتاد، ما کمک

شد. ما که هنوز در خصومت با هم برخوردار
میکنیم چطور برای ما پیام میفرستند؟
مخصوصاً "آوردن هدیه اسلحه کمری و اینطور
چیزها در عین حال همان موقع که آنها اینجا
بودند ما هیچ‌تی راه لبنان فرستادیم
و موفق شدیم خواسته‌های گروگانگیرها را
محدیدین لبنان را برای اینها بیاوریم
و دیدیم اینها ترتیب اثر چندانی نمیدهند.
به خواسته‌های آنها و دیدیم جدی هم نیستند
در برنامه. البته در مذاکرات هم دروغ
های - به ما گفتند که ما میدانستیم دروغ
میگویند مثلاً گفتند سی و چند لشکر شوروی در
مرزهای شمالی آماده شده اند تا به زودی به
ایران حمله کنند و چیزهایی از این قبیل
ما حق داشتیم که اینها را اینجا بازداشت
کنیم و نگذاریم از ایران خارج شوند، آقای
مک فارلین را از اینکه مسئولین ایرانی
موافقت نکردند با او ملاقات کنند و هدیه‌اش
را قبول کنند، به سختی عصابی بود و او را
عما بیت میکرد، ما چون هنوز فکر میکردیم
بی نتیجه نماند این مسائل، اینها را
بازداشت نکردیم و اجازه دادیم که از
ایران رفتند و ما حرا را هم فاش نکردیم برای
اینکه نکلی مسائل قطع نشود.

بعداً، در حوادث بعدی معلوم شد که
مسائل دیگری هست که بیشتر سوئ طن ما را
تحریک کرد و سوند بیشتری بدست ما داد که
امریکا با زهمان خصومت خودش را با ما دارد.
یکی اینکه مسئله رایا اسرائیل مخلصوط
کردند با اینکه هنوز ما حاضر نیستیم هیچگونه
ارتباط معاملهای و یا غیرمعاملهای با
اسرائیل برقرار شود.

ما اسرائیل را از ریشه غیر مشروع میدانیم
و حتی دولت آمریکا و مردم آمریکا دولت
قانونی رسمی هستند و برای ما تفاوت زیادی
دارد در برخورد با این دو دولت.

عجز آمریکا در تصمیم گیری
آمریکا در داخل خودش یعنی دموکراتها
و جمهوریخواهها و کاخ سفید از گرفتن یک
تصمیمی که همه شان هم میگویند به مصلحتشان

البتة رابطه‌ای با دولت ایران داشته‌اند.
آمریکا با یدنات کند که خصومت با این
دولت ندارد، خصومت با این مردم و این انقلاب
ندارد، اگر این موضوع را آمریکا نتواند ثابت
کند راه ما برای آینده صاف خواهد شد، البته
شرایطی هم هست و اگر آمریکا بخواد همینطور
که از اسرائیل حمایت می‌کند، حمایت کند طبیعاً
هیچوقت رابطه ما با آمریکا حسنه نخواهد شد.
چون اسرائیل ما به بسیاری از ضررها در منطقه
است و چیزهای دیگری نیز هست، ولی عمده
کاری که آمریکا شیفا یا بد کند این است که
با یدنات کند که خصومت با ما ندارد و ما این
کار را بعنوان یک آزمایش الان شکست خورده
می‌بینیم.

مختصاً من این موضوع را تعیین کرده و
اعلام داشته‌ام: اموالی را که مالان در آمریکا
داریم غیر قانونی در توقیف می‌باشد، آمریکا
این اموال را آزاد کند، و این یک دلیل برای
ماست.

انهدام ماشین جنگی و آزادی عراق

از جمله چاپ لندن: ایران خواهان
تصفیه حساب با عراق هستند و سلیله از زمین
بردن ماشین جنگی عراق آیا ممکن است این
گفتار را توضیح دهید

ج: منظور ما جنگ فرسایشی نیست. این را
قدرتهای استکباری میخواهند و خود داشته
باشند ما نظیرمان اینست که در منطقه کربلای
ه بگونه‌ای ارتش عراق را که تنها پشتوانه
حزب بعثت است تضعیف کنیم در این مرحله
که راهی برای آزادی عراق باز نکنیم
ما فکر میکنیم اگر ماشین جنگی عراق صدمه
حدی بخورد معلوم بشود این ماشین جنگی
نمی‌تواند حزب بعثت را حفظ کند از درون عراق
توسط مردم عراق با کمک‌هایی که ما خواهیم
کرد حزب بعثت ساقت خواهد شد ما فکر نمی‌کنیم
ضربه‌ای که از بصره به ارتش عراق وارد
خواهیم کرد یک ماهیت فرسایشی داشته باشد
بلکه ماهیت یک ضربه هولناک و ... دارد
نکته دیگر اینست که ما میان عراق از صدام

آمریکایک موی اسیرا ئل را به همه کشورهای عربی نمیده . "آیه... منظره"



گاباگام...

ما یوس نشوندحالا میان عراق شوروی فرانسه آمریکا مرعین منطقه (کویت اردن - مصر و دیگران) هه ز فکر میکنند ارتش عراق میواند مقاومت کند ضربه ای که ما وارد خواهیم کرد و الان قسمتی از آن وارد شده آنها راه ما یوس میکنند حمایت نکردن آنها راه را برای آزادی عراق هموار خواهد کرد.

نیروهای شهادت طلب در شکستن خط دشمن مهمترین سلاح است

ازوال استریت ژورنال : من هنگامی که درحبه بودم سیاهیان میگفتند سلاحهای پیچیده ای که داریم نقش مهمی در عملیات کربلای ۵ داشته مخصوص نیروی هوایی که عراق را مدافع هوایی ناتوان کردند آنها این سلاحها امریکایی است . آیا در سال گذشته تسلیحاتی دریافت داشته اید و آیا اساساً سلاحهای امریکایی نقش اساسی در عملیات کربلای ۵ داشته است یا خیر؟
ج : بطور کلی آقایان لاند میدانند که ما در زمان رژیم گذشته عمده ارتباطاتمان با امریکا بوده و عمده سلاحهایمان امریکایی بود نیروی هوایی ، هواپیماها ، هلیکوپتها ، بدافندرادار و بخشی از تانکها و توپخانه های امریکایی هستند و در زمان جنگ هم ما تلاش نکردیم که سیستممان را عوض نکنیم چون اولاً این سیستم خیلی گران است و ثانیاً دردناک نیست که یک سیستم پیشرفته در اختیار ما بگذارد ، کا عمده ما در دوران جنگ این بود که حتی الامکان قطعات که خودمان زیاد کار کرده ایم و کپی کرده ایم و ساخته ایم ، سلاحهای امریکایی را حفظ کنیم مقداری اش را که نتوانستیم خودمان تهیه کنیم اینها را از بازار آزاد بخواهیم خریدیم از دلالتها ، کارخانه ها ، شرکتها و کشورهای دیگر که شاید از این سلاحها دارند اینها را به ما میدهند گرانتر و شاید از این سلاحهای امریکایی را استفاده میکنیم گرچه چسبیری که جدیداً از امریکا گرفته ایم زیاد نیست خود امریکا کتیبها هم گفته اند مجموعش ۳۰ میلیون دلار است گران هم داده اند شاید قیمت واقعی اش ۲۰ یا ۱۵ میلیون دلار باشد ما در یکسال یک ملیا رد دلار خرج جنگمان است بعد ۳۰ میلیون دلار در مقابل در مقابل آنهمه خرج چه تاثیری میتواند داشته باشد . عمده پیشرفت ما سلاحهای پیچیده نیست خود ما در حبه ها دیده اید شکستن خطوط دشمن مهم است و آن را نیروهای شهادت طلب و مومن انجام میدهند .

مجاهد زون افریک چاپ پاریس : اسرائیل اعلام کرده که ایران بمب اتمی می سازد ، یگان نیز تهدید به حمله به ایران کرده نظر شما چیست ؟
ج : خبری که اسرائیل پخش کرده اند از قول یک قاچاقچی نقل کرده اند که موادی

داشته که قرار بوده به ما بفروشد که کار بود در ساخت بمب اتمی است و معامله هم انجام نشده خوب اگر این خبر درست باشد معلوم است که چیزی نشده بمب اتم را که آنها گفته اند میدانند صنعت پیچیده ای دارد و برای کتوری که راکتور قوی هم ندارد خیلی آسان نیست ، بطور کلی عقیده ما در مورد سلاحهای اتمی است که باید کل سلاحهای اتمی محسوب شود و این مشکلی که الان وجود دارد که سلاحهای در انحصار رینج یا شش کشورمانند این راه هم قبول نداریم هیچکس نباید داشته باشد و فکر میکنیم اگر آنها داشته باشند خود خود کشورهای دیگری هم دنبال آنها خواهند رفت و قابل کنترل نیست .

اسرار : شورای امنیت امروز طرح پیشنهاد دبیرکل در مورد جنگ احتمالی را بررسی میکند نظر شما در مورد پیشنهاد دوطرح چیست ؟
ج : اگر بخواهند کاری و تصمیمی در مورد جنگ بگیرند و این کار این است که متجا وزرا معرفی کنند و اعلام کنند که عراق متحسوز است و مسئول جنگ حزب بعث عراق است و اطمینانی که برای همه روشن است و خیلیها اعتراف کردند باین : اینها از اینها شروع کردند تیجه بخش است و ما آماده هستیم در این صورت با اینها همکاری کنیم چنانچه متجاوز بودن عراق هر محکمه ای که بخواهد وارد کار شود و خود محکمه هم صلاحیت داشته باشد این میتواند راه را باز کند برای حل و فصل امور ولی اگر غیر از این باشد هر کاری بخواهند بکنند بی نتیجه خواهد بود .

تلویزیون ماداگاسکار : شایعاتی مبنی بر اینکه نامه از ریگان دریافت کرده اید و هم کتاب مقدس بعنوان هدیه و همچنین سلاحهای مختلف آیا بنظر شما ریگان قبلاً از این جریان اطلاع داشته ، در مورد اسلحه و نقش اسرائیل در معاملات تسلیحات ایران چیست ؟

ج : نامه ای تا بحال از ایشان به من نرسیده اسلحه بله ایشان چند تا کلت کمری بعنوان هدیه فرستادند قبول نکردیم برگرداندیم انجیل را توسط فرستاده دیگری فرستادند نه مک فارلین در مورد اسرائیل هنوز نمیدانیم در این جریان اسرائیل نقشی داشته است یا نه اگر داشته از ما مخفی نگه داشته چون اگر ما میدانستیم اسرائیل کوچکترین نقشی داشت به هیچ وجه حاضر نبودیم از امریکا کمک اسرائیل چیزی بگیریم واقع اینست که ما اعتماد نتوانستیم به امریکا کتیبها پیدا کنیم چون به وعده های ایشان عمل نکردند و تخلف میکنند من فکر میکنم اینکه آقای ریگان گفتند من میخواهم رابطه برقرار کنم حدی هستند و تشخیص دادند بیه مطلحت امریکا است که با جمهوری اسلامی قهر نباشد ولی داخل امریکا رقیبهای آقای ریگان بخاطر تسلیحات که در گذشته در امریکا درباره جمهوری اسلامی شد از آن زمینگی استفاده کردند و ایشان را شکست دادند .

آقای ریگان ضعف نشان داد و شکست خورد ... الان شکست خورد وضعی احساس میشود البته باید کسانی را بیشتر ملامت کرد که بخاطر مسائل سیاسی همان چیزیکه خودشان هم قبول دارند که گفتند ایران یک کشور قوی و ستراتیژیک در منطقه است و نمیشود با او قهر بود ، اینها هم ادعایی که کردند با ملتشان صادق باشند ، نکته دیگری که بچشم من خورد

اینکه آقای ریگان صریحاً "اعتراف کرد که ما هیچ سندی پیدا نکردیم که جمهوری اسلامی در مسائل تروریستی دست داشته باشد اظهار شجاعانه ای بود برخلاف تبلیغات جاری امریکا از اینکه انجیل فرستادند احساس سدی نداشتیم ایشان مسیحی هستند عقیده به انجیل دارند ، این را علامت بیطرفی نشان بدهید آثار خصومتها را کم کنید ، ما هم مایلیم واقعاً ما مایلیم بنده خودم و سایر دوستانمان ما مایلیم که کمک کنیم در لبنان کسانی که گروگان گرفته شده اند اینها را آزاد بشوند

تلویزیون نیوز : آخرین تماس دولت امریکا در ایران درجه زمانی بود کجا وجه کسانی با هم صحبت کردند و چه چیزهایی بحث شد ؟
ج : حتی بعد از فاش شدن مسافرت شکست خورده مک فارلین ما موران امریکایی ما ما موران خرید اسلحه ما که تحت نظر ما موران اطلاعاتی ما کار میکنند مذاکراتشان را ادامه دادند و فکر میکنم آخرین جلسه ای که اینها داشته اند در فرانکفورت بوده و حدود یکماه پیش حدوداً یکماه پیش بوده که وزارت خارجه امریکا همراه این افرادی که ساعتی آمدند کسی فرستاده بنام آقای دانیال که ایشان از طرف وزارت خارجه طرحی آورد بود که گفته قضیه باید به وزارت خارجه امریکا محول شده که ما موران مذاکرات ما پرسیدند چه بکنیم ما گفتیم که طرحی از آنها نپذیرید ما دیگر اعتماد نداریم به امریکا صداقت ندارند و حرف همان است که امریکا کتیبها باهدا اموال ما را آزاد کنند و ما هم در صورت آزاد شدن اموالمان آمادگی داریم به آنها کمک کنیم و هر چیزی قبل از آزاد شدن اموال ما از طرف ما قابل قبول نیست ...

واشنگتن پست : ... آیا برنامه ای برای دیدارهای بعدی در آینده وجود دارد یا بحثهایی در حال ادامه هستند آیا میدواید که در آینده بحثهایی انجام شود یا غیر از اسلحه هایی که در انبارهای امریکا هست اسلحه های دیگری حاضرید از امریکا بگیرید ؟
ج : ما دیگر برنامه ای برای این مسائل نداریم چون آن چیزی که از طرف ما بوده همان روند معمولی مان بوده که بعد از انقلاب و شروع جنگ از هر جا که قطعات اسلحه های امریکایی که در اختیار ما مان هست پیدا میکردیم غیر از اسرائیل که از آن ما حاضر نیستیم بخریم می خریدیم ما این روند را هنوز هم ادامه میدهم یعنی از هر کجا که میتوانیم این امکانات را تهیه میکنیم تهیه میکنیم اگر امریکا هم آمادگی داشته باشد آن نیازهای ما را بدهد سرتیرو نداشته باشد آمادگی داریم بگیریم و در شرایطی که می بینیم امریکا حتی در این جریان هم خصومت نشان می دهد فعلاً وضع را مناسب نمیدانیم برای مذاکره با امریکا کتیبها و برنامه جدیدی نداریم .

تلویزیون بلژیک : ... شرایط واقعی ایران - ای پایان جنگ چیست ؟

ج : شرایط واقعی ما : یکی متجاوز کیفر ببیند خسارتی که وارد شده پرداخت شده مردم عراق که آواره شدند برگردند به عراق

تهران تایم : ... ایران چه ترتیباتی برای دفاع از شهرها فراهم کرده ؟
ج : تدبیراتی ما اینست که در جنگ فشار بیشتری روی ارتش عراق بنا وریم و جنگ را تمام کنیم ، تدبیر دیگری مقابله به مثل است که با تلخی انجام میدهم که باز دارند با تدبیر مقابله زدن بغداد که در آینده آن را تشدید خواهیم کرد .

گفته میشود آقای دکتر ولایتی میخواهند به مسکو بروند این سفر چه اهمیتی دارد ؟
ج : ما برنامه مان اینست که با همسایگان روابط حسنه داشته باشیم منجمله با شوروی گرچه شورویها با اسلحه های زیادی که در اختیار عراق گذاشتند مسئول بخشی از این جناحتها هستند ولی ما را با زمینداران زابنگ تلاش کنیم روابطمان را بهتر کنیم ، این سفر بر مبنای تحکیم روابط انجام شد ، دعوت وزیر خارجه شوروی .

کیهان هوایی : با توجه به ماهیت ارتجاعی کنفرانس سران اسلامی موضعگیری ایران صرفاً "از عدم بیطرفی کشور میزبان در قبال جنگ و عدم امنیت خلاصه شده است ، شرکت مبارک در کنفرانسی با وجود مشخص بودن آن از سه ماه پیش بعنوان گامی در تاپید کمب دیوید - کمتر از طرف ایران مورد توجه قرار گرفته علت چیست ؟
ج : نکته خوبی را تذکر دادند مسئله کمب - دیوید - اهمیتش برای ما خیلی زیاد است

امریکا نه یعنی ۳۰۰ میلیون جمعیت امریکا ، آنها هم اغلبشان مستضعفند ، مثل جهان سوم . قدرت امریکا قدرت سیاسی ، اقتصادی فرهنگی ، نظامی ، رسانه های گروهی ، حکومت کاخ سفید در اختیار رهپو نیستها است آیت ا... العظمی منتظری

روزنامه جمهوری اسلامی : تحلیل شما از فشاری امریکا جهت برگزاری کنفرانس اسلامی در کویت و نیز عدم شرکت صدام در کنفرانس چیست ؟

ج : روشن است امریکا در کنفرانس دوستان زبانی دارد عوامل امریکا از قبیل آقای ماسارک - ملک حسین و کشورهای یمن شمالی ، کویت ، عربستان و دیگران حضور دارند شاید اکثریتی هم داشته باشند امریکا مایل است کنفرانس هایی باشد

فایمنشال تایمز : ... آیا رفتن صدام قابل قبول است یا اصراً در حزب بعث ازین سرود : البته ما از اول هم گفتیم صدام ، و فکر میکنیم صدام برود حزب بعث نمیماند ، در عین حال خوب این هم منطقی نیست که در عین جنگی باین وسعت تنها صدام مجازات شود و بقیه سران حزب بعث که تحقیقاً موثر بودند در این جنایات از آنها صرف نظر شود ما من فکر میکنم اگر صدام برود راه برای بقیه قضیه باز میشود . بقیه در صفحه ۲۶

هدف ما باید حفظ شعارها و ارزشهای اصلی اسلام و انقلاب باشد
آیت الله منتظری



ضرورت بحث

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
بمنوان مرکز تحقیق مسائل سیاست خارجی
نقد عمده‌ای در تربیت کارکنان وزارت
خارجه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
ناردر . خوببختانه تکامل سمینارهای
ما ماهانه و اب مالب آن از طرف مؤسسه
فوق زمینه خوبی را در جامعه بوجود
آورده تا عرچه بیشتر این مباحث مورد
بررسی قرار گیرد . از آنجا که بدناما
این تشریها در عمل اثرات منفی بسیار
مماورد و این نظرات به عنوان دیدگاه
های رسمی جمهوری اسلامی تلقی میشود بر
آن عدم تابه بررسی و نقد آکا دمک آنها
ببرنازم . در این مقاله به بررسی برخی
نقطه نظرات مطرح شده توسط دکتر لاریجانی
در سمینار ما ماهانه وزارت خارجه معبرنازم
لازم بتذکرات مطالب داخل گومه از کتاب
گزارش سمینار جلد اول چاپ مورخ اردیبهشت
و مرداد ۱۳۶۳ استخراج شده است .

بررسی دیدگاههای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی درباره:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی

عرفات دارد ؟ قبل از بیروزی انقلاب
اسلامی جنبه فلسطین " ام القرای " و امهد
مستضعفین جهان بود . عرفات در جهت رفع
نمازهای جنبه فلسطین با دولت‌های عرب
رابطه برقرار می کند و این روابط را
برای حفظ جنبه فلسطین لازم میداند . به
این ترتیب چه تضمینی وجود دارد که این
روند در رابطه با انقلاب تکرار نشود .

ج : معامله با ابایی با معامله
بیرسر صدر انقلاب

این جریان همچون منارح می کند :
" قدم بعدی داشتن ما ، برنامه استراتژی
دفاعی در قبال این تهدیدات است . فرض
کنند در ضمن این استراتژی دفاعی که باید
به کمک بازوی نظامی مملکت تهیه نمود
نماز به یک نوع بخصوص از موشک‌های زمین
به دریا داریم . حالیا بدیده که این موشکها
را از کجا باید تهیه کرد ؟ چه کشورها می‌توانند
می‌کنند ؟ اگر دیدیم مثلا چین این نوع
سلاح را دارد . برای تهیه آن نمی‌توان
بکراست رفت به پکن و گفت : لطفا چند
صدتا موشک نوع فلان بدهید ؟ خیلی ساده
نمی‌دهند . اینجا این وظیفه و مسئولیت
وزارت امور خارجه است که مسرحرکت را
طراحی کند و قدمهای حساب شده را ترسیم
نماید . باید معین شود که چین در صحنه
بیس‌المللی چه میخواهد . باید بدین نسیم
که چینیها به انقلاب ما چگونه نگاه می
کنند . باید بدانیم که چینیها در فر وین
تسلیماتان چه ساساتی پارند ؟ همه این
مسائل و نظائر آن باید بررسی شود . آن
موقع است که میتوان طرحهایی را پیش
نمود و مطابق آن عمل کرد . تا به نتیجه
مطلوب ما را ها ندی باشد . " (ص ۱۱)
اشکال عمده در این قسمت از بحث نیز
همان عدم مرزبندی نمازها میباشد که
بعلت تحمل سیستم وابسته سلطنت بطور
طبیعی نمازهای آن سیستم هم امالت پیدا
کرده است . برای پاسخگویی به اینگونه
نمازها روابط با قدرتها بزرگ و دولت‌ها
های استکباری اجتناب ناپذیر می باشد .

این در واقع همان پیروی از منی سابق
است . دولت‌ها نیز در صورتی حاضر به معامله
با ما میباشد که منافعشان در منطقه و سایر
نقاط از طرف انقلاب تهدید نگردد . در نتیجه
می‌بینیم که ما برای تأمین کالاهای مورد
نماز علاوه بر بیها می‌دی آن مجبور هستیم
از عمارهای اصل انقلاب همچون صد و
انقلاب و آزادی قدس نست برنازم . مثلا
نماز شوروی عدم حمایت از نهضت‌های
آزادبخت اقناستان و نماز امریکا مبارزه
با تروریسم (رزمندگان مسلما فلسطینی
و ...) میباشد . آیا در این صورت ما
میتوانیم بگوئیم که اینگونه معاملات درست
و بر اساس رضایت خدا میباشد . این
تئوری در نهایت نیز با اصل استقلال سیاسی
معارض میباشد . زیرا خرید کالاهای مسیور
نماز ما منوط به رفع نمازهای طرف معامله
مگردد . در این بخش خواست دولتهای
دیگر منهای درست ما غلط بودنشان اصلت
پیدا می‌کند . ما این سیاست تبعیت جمهوری
از دیگران را ترویجی دارد .

ما از وزارت خارجه و مسئولین این
مؤسسه می‌خواهیم که اصول سیاست خارجی را
با توجه به مبانی قرآنی و سنت پنا میرتبیین
نمایند و نیروها را در این زمینه فعال
کنند . نه اینکه تشریهای سیاست خارجی
را با ملاک منافع مادی ما تفکر علمی و ساس
عربیمن الملل تبیین کنند .

سلطنت ایجاد میشود ثانیاً الگوی یک
سیستم مستقل به مستضعفین ارائه میگردد
لیکن اگر به نمازهای با زمانده از رژیم
وابسته سلطنتی همچون خط تنا و مورا -
اندازی صنایع مونتاز خرید سلاح
و امالت بدهیم و بر آوردن این
نمازها حتماً با صدور انقلاب تماره بسنا
کرده و حرکت در جهت رفع این نمازها باعث
رنج مسلمین خواهند بود . زیرا احیای سیستم
سابق رابطه با دولت‌های استکباری ساس
وابسته را در پی دارد .
۲- اگر ببینیم صدور انقلاب و رفع نمازهای
جمهوری اسلامی تعارضی ایجاد شده باشد به
جای حذف صدور انقلاب ما این تضاد را به
شیوه اصولی حل کرد . حل این تضاد مستلزم
این است که دیدگاه خود نسبت به صدور انقلاب
و نمازهای جمهوری اسلامی را مورد بررسی
قرار داده و آن را ریشه‌یابی نمائیم
۳- این اصل راهم قبول دارند که
" علت محدثه علت مبیقه هم هست " آنچه
که باعث شده جمهوری اسلامی " ام القرای -
نا را اسلام " شود بپوند آن با توده‌های
مستضعف منطقه و جهان بوده است . بنا بر
این حفظ و تنا و م آن نیز تر بپوند بسا
مستضعفین از طریق صدور انقلاب میباشد .
در اینجا این سؤال مطرح است که با
این استدلال وزارت خارجه چه نتقادی به

خورد ولی بدلیل عدم تحولینما دی ما سرور
بخشی از نمازهای آن سیستم بر جمهوری
اسلامی تحمل میشود . یکی از وظایف دولت
مرزبندی نمازهای کاب با زمانده از آن
سیستم میباشد . متأسفانه این مرزبندی
در تذکر فوق صورت نگرفته است . اگر
نمازهای جمهوری اسلامی را نمازهای مکتبی
و درستی بدانیم این نمازها با صدور انقلاب
تعارضی پیدا نمی‌کند . بعنوان مثال اگر این
نمازها را رسیدن به خود کفایی کسا ورزی
صنعتی و همراه با بسوج مردم دانسته
و در این جهت حرکت کنیم در این صورت صدور
انقلاب هم تحقق پیدا می‌کند زیرا اولاً
تحولینما دی در سیستم باقی مانده از رژیم



الف : صدور انقلاب

این دیدگاه منارح میکند " مطالبهای
ما در بیرون مرزها بیان از دو مقوله خارج
نستند " صدور انقلاب " و " رفع نمازهای
جمهوری اسلامی " مقصود ما از صدور انقلاب
اینست که امروز ما شاهد آنیم که نرسلا
مختلفه اسلامی هسته‌های پنا ر شده‌ای از
مسلمین تکامل شده صدور انقلاب یعنی توجه
به این هسته‌ها که درجه و ضمیمتی قرار دارند
ذکر این نکته در اینجا لازم است که
صدور انقلاب صرفاً به معنای صدور فرهنگی
انقلاب نصری ما عد بلکه صدور شیوه‌های مکتبی
انقلاب در همه وجوه اعم از ساسی و فرهنگی
اقتصادی و میباشد . مثلا در وجه
نظامی شیوه‌های جها دی - امثاری جنگ به
لبنان و منطقه ما نرسده است . حال اگر
تحولاتی در سایر وجوه انقلاب نیز به وجود
بیاید آنها نیز به منطقه ما در میگردد .
بعنوان نمونه اگر در زمینه اقتصاد مستقل
از نفت بتوانیم به دستاورد مثبتی برسیم
الگوی زنده‌ای برای کشورهای منطقه خواهیم
بود . بنا بر این حل مسائل اقتصاد دی
نظامی و شیوه‌های خود کفای خود
بهترین شکل صدور انقلاب است . نکته دیگر
اینکه مؤسسه فوق تا کنون در جهت صدور
انقلاب و حل مسائل جنبشها دستاوردی اره
نداده و تا بحال تمامی انتشارات آنها
در باره رفع نمازهای جمهوری اسلامی و رابطه
با دولت‌ها بوده است .

ب : هماهنگی " صدور انقلاب " و
" رفع نمازهای جمهوری اسلامی "

این تذکر منارح می‌کند که اگر ببینیم
صدور انقلاب و رفع نمازها تعارضی میباشد
اولویت و حکومت با اصل رفع نمازهای
جمهوری اسلامی است . زیرا جمهوری اسلامی
امروز حکم " ام القرای نا را اسلام " را دارد
(ص ۱۰)
در رابطه با این محور بحث لازم است بگوئیم
۱- اگرچه با پیروزی انقلاب اسلامی
سیستم باقی مانده از رژیم سلطنتی صریحه

لازمه فداکاری در راه استقلال تحمل مارک و سمیت است .

آقای دکتر امیرعلایی درباره تقوا و فداکاری مرحوم مصدق خاطره‌ای را برای یکی
از برادران نقل نموده‌اند که در زیر می‌آوریم :
" مدتی بود از جانب عمده‌ای تهدیدیه ترور شده بودم . یک روز به ملاقات دکتر مصدق
رفتم . دکتر پرسید چرا ناراحتی مگر اتفاقی افتاده است . گفتم چیز مهمی نیست
وی اصرار میکرد تا علت ناراحتی ام را بداند گفتم " چرا باید به خاطر خدمتی که به
استقلال مبین میکنیم توسط عمده‌ای از دوستان تهدیدیه ترور شویم " دکتر مصدق قاه
قاه خندید و گفت تو پیش آشیخ علی با یافته خوانده‌ای ، یک مسئله فقهی را یادآور
میشوم . گفتم بفرمائید . دکتر گفت آیا میدانی رابطه و ضوابط نماز چیست ؟ اصلی در
فقه است که میگوید مقدمه واجب ، خودش واجب است و همانطور که کار واجب یعنی نماز
به مقدمه واجب یعنی وضو احتیاج دارد و این مقدمه واجب ، خودش واجب است
کار سیاسی هم یک واجب دارد و یک مقدمه واجب ، راست گفتن در کار سیاسی واجب است
این راستگویی و فداکاری احتیاج به مقدمه واجب دارد . این مقدمه واجب اولش
این است که فحش میدهند بعد میزنند ، بعد حیس میکنند ، بعد میکشند تمیشود
آخرش را که فداکاری است و واجب است قبول داشته باشی ولی از مقدمه اش که شنیدن
فحش و ... است و مقدمه واجب است اظهار ناراضیتی کنی . ما که در راه خدمت به
مملکت قدم بر میداریم باید بیه این چیزها راه تمنان بمالیم و ناراحت نشویم "

راه مجاهد : از آنجا که استقلال خواهی با تمسک به صفت صمدیت پروردگار
در انسان ظاهر میشود ، عشق به استقلال موجب میگردد با تقوا و صبر و تهمت شنیدن و مارک
خوردن را تحمل کنیم و قدممان در این صراط مستقیم الهی ست نگردد . مرحوم مصدق
نیز به دلیل عشق و افری که به استقلال مملکت داشت . مارک خوردن و ترور شدن
هراسی به دل راه نمیداد و این تهدیدات و خطرات را در راه رسیدن به استقلال طبیعی
میدانست و تحمل میکرد .

اخبار خود کفایی

رشد و توسعه کشت و زری

محصول گندم استان کردستان با اجرای طرح سنابل ۲۰۱ نسبت به قبل ۱۷۰ هزار تن افزایش یافته است. ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار هکتار از اراضی استان کردستان زیر کشت دیم قرار دارد.

۶۵/۹/۹

وزیر کشاورزی: بارش جمعیت سالانه ۱/۵ میلیون نفره لازم است هر سال ۳۰۰ هزار تن گندم بیشتر تولید کنیم. امسال با توزیع بذراصلاح شده و باران کافی و موع ۵۰۰ هزار تن افزایش تولید گندم داشتیم. ولی نیمی از این میزان مربوط به بارندگی بموقع است.

۶۵/۹/۲۷

تولید گندم و برنج در استان مازندران در سال جاری به ترتیب ۲۵۰۰ و ۱۳۰ هزار تن نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

۶۵/۹/۱۷

تولید دانه آفتابگردان روغنی در خراسان امسال به ۵۰۰ تن رسید که سه برابر نسبت به سال قبل افزایش داشت.

۶۵/۹/۲۵

تولید آفتابگردان روغنی در آذربایجان غربی نسبت به سال گذشته سه برابر و محصول سویا ده برابر افزایش داشته است.

۶۵/۹/۳۰

صدور محصولات کشاورزی مازندران به خارج کشور نسبت به سال گذشته ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.

۶۵/۹/۲۷

سطح کشت توتون در مازندران امسال ۲۰ درصد افزایش داشته و ۵۷۷ هکتار می باشد.

۶۵/۹/۲۷

یک کشاورز آذربایجانی از هر هکتار زمین ۴۵ تن سیب زمینی برداشت کرد.

یک پنبه کار روستای ورامین از هر هکتار زمین ۳/۸ تن محصول و شپنبه برداشت کرد.

۶۵/۹/۱۷

یک کشاورز نمونه از هر هکتار بیش از ۲۵ تن چغندر قند برداشت کرد.

پرورش دام

مسئله علوفه

برای تأمین گوشت قرمز مورد نیاز سالانه حدود ۴۵ میلیون تن علوفه نیاز است که حدود ۱۰ میلیون تن از مراتع کشور و ۱۵ میلیون تن از مزارع و مازاد کار خانجیات صنایع کشاورزی تأمین میشود و بقیه که ۲۰ میلیون تن است از طریق افزایش تولید در واحد سطح، احیا و اصلاح مراتع و... باید تأمین گردد.

برای این کار طرح ۵ میلیون هکتاری تولید علوفه در اراضی شیب دار کم بازده در دست اجراست. یک طرح ۵ ساله از سال ۶۶

پیشروی خود کفایی

اقدامات انجام شده در عرض یک ماه

در نتیجه اولاً در ۴ هکتار شالیزار حدود ۷ تن ماهی تولید کرد. ثانیاً ۴ هزار اردک تولید نمود. ثالثاً محصول برنج بدینوسیه ۱۰٪ افزایش داشت. رابعاً مصرف سموم نباتی و کود شیمیایی را به صفر رساند ماهیها با تغذیه کرم و حشرات و غلغلهای هرز با افت مبارزه کردند و اردکها با تغذیه از حشرات و دیگر محیط را پاکسازی نمودند و فضولات آنها جای کود شیمیایی را گرفت.

۶۵/۹/۶

رشد اقتصادی (مستقل و خودکفا) تنها در سایه سیج مردم امکان پذیر است. شهید سعید محمد...

است. از سال ۵۸ تا ۶۴ بالغ بر ۲۰۰ هزار هکتار از این اراضی تحت پوشش این طرح قرار گرفت. در سال جاری ۱۰۰ هزار هکتار اضافه شد.

۶۵/۸/۲۲

در مورد طرح فوق وزیر کشاورزی گفت: این طرح ۵ ساله جمعاً ۱۱۸ میلیارد ریال درآمد خواهد داشت. لازم است اجرای این طرح استفاده از نیروهای مردمی است.

۶۵/۹/۲۷

امسال بمنظور تهیه علوفه برای اولین بار در ایران ۴۰ تن بذر سودانگراس بدست آمد. قبلاً این بذر با مبلغ هنگفتی از خارج وارد میشد. تولید این گیاه علوفه ای تا ۱۵۰ تن در یک هکتار و در زمانی کوتاه نقش موثری در تأمین علوفه دامها دارد.

۶۵/۹/۲۴

پرورش ماهی

تولید بچه ماهی در کارگاههای مربوطه نسبت به سال گذشته ۴۰٪ افزایش داشته است. از سال آینده میزان فعلی ۸۰ - ۱۵۰ میلیون قطعه به ماهی خواهد رسید.

۶۵/۹/۲۷

زنبور عسل

در استان باختران ۲۰ هزار کندوی فعال عسل وجود دارد. مقدار تولید هر کندو ۱۰ کیلو عسل است. عسل باختران در

نمایشگاه بین المللی اخیر عسل نمونه شناخته شد. سال آینده تعداد کندو ها به ۳۰ هزار خواهد رسید.

۶۵/۹/۲۷

صنایع روستایی

طرح احیا صنعت نساجی در روستاهای مازندران موسوم به "جهاد بافت" با

توزیع ۹۰ دستگاه بافندگی در چندین روستا از سال گذشته آغاز شد.

۶۵/۹/۱۹

خلاقیت و ابتکار یک کشاورز

یک کشاورز روستاهای ساری در مزارع شالیزاری به پرورش ماهی واردت کرد.

پنج باب استخر نیز در پنج روستای شاهرود تماشای شده و مورد استفاده قرار گرفت.

۶۵/۱۱/۲۰

سد مخزنی حق آباد شهرستان سراوان پایان سال پایان می یابد. گنجایران ۵ میلیون متر مکعب است.

۶۵/۱۱/۲۳

۲۷ رشته فلات در منطقه سلیز در هرات در استان یزد مرمت و بازسازی شد.

۶۵/۱۱/۲۰

پروژه آبرسانی نوشابغاش بطول ۱۶۰ متر توسط جهادگران مهاجر آذربایجانی شرقی در دست اجراست و تا سال آینده مورد بهره برداری قرار میگیرد. اعتبار این طرح ۶۰۰ میلیون ریال است.

۶۵/۱۲/۲

چند پروژه آبی مهم در استان گیلان به مرحله اجرا درآمد:

۱- شبکه آبیاری د چار

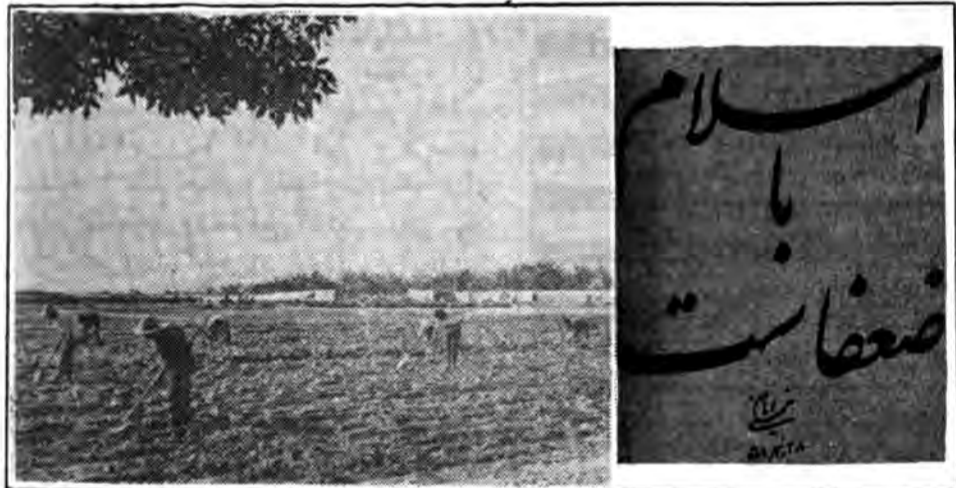
۲- شبکه آبیاری (ژ-۱)

۳- پروژه تأمین آب آشامیدنی رود بار، منجیل

۶۵/۱۲/۵

کشاورزی

خود کفایی در زمینه تولید بذر گندم بجز:



کلیه بذور اصلاح شده مورد نیاز کشور در امرزاعات گندم و جو سالانه به میزان ۹۵ هزار تن بذر گندم و ۱۵ هزار تن بذر جو در مناطق مستعد کشور تولید و در اختیار کشاورزان قرار میگیرد.

۶۵/۱۲/۶

گوشت

در سال گذشته ۲۰ میلیون قطعه جوجه گوشتی توزیع میشد. در سال جاری این میزان به ۲۵ میلیون قطعه در هر ماه رسیده است.

۶۵/۱۲/۱۹

در مجتمع گاو داری که کیلویی با اصلاح نژاد گاوهای بومی تولید شیر از متوسط ۳ تا ۴ کیلو در گاوهای محلی به ۷ تا ۱۰ کیلو در دوردگها افزایش یافته است. در این استان حدود ۲۰۷۸۰۸۶ رأس دام وجود دارد.

اکنون چهار طرح پرورش ماهی با ظرفیت ۱۷۰ تن شروع شده و تاکنون یک طرح به ظرفیت ۲۰ تن به مرحله بهره برداری رسیده است.

این استان مستعد پرورش زنبور عسل است و در حال حاضر ۱۷۰۰۰ کندوی مدرن و بومی در این استان می باشد. تولید عسل در دو سال گذشته بین ۱۰۰ تا ۶۰ تن بوده است.

۶۵/۱۱/۶

با استخر کشاورزی در روستای شهر دامغان پایان یافته و مورد استفاده قرار گرفت.

۶۵/۱۱/۱۸

سد خانی در روستای دسپاه خمین مورد بهره برداری قرار گرفت. ساختن این سد از سال ۶۲ شروع شد. گنجایش آن ۱۱۵۰۰۰۰ میلیون متر مکعب است و ۲۰۰ هکتار رازیر پوشش می گیرد.

سد ناغان در منطقه محروم اردل از توابع استان چهارمحال بختیاری پایان یافته و مورد بهره برداری قرار گرفت. این سد بطول ۵۰۶ متر و ارتفاع ۱۳ متر سالیانه ۷ میلیون متر مکعب آب ذخیره و بیش از ۵۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی را سیراب میکند.

سد عظیم جفاخور با گنجایش ۵۰ میلیون متر مکعب در دست اجراست.

۶۵/۱۱/۱۴

بقيه از صفحه ۱۰

- ۲. تقاضای بیست وزارت جنگ از شاه
- ۳. متعاضات مابین محاکمه تومار

۱- تقاضای اختیارات از مجلس حدومد

در صفحه ۷۲ کتاب آمده است: مصدق پس از برگزاری انتخابات مجلس دوره حدومد که بطور ناقص رسیده بود، داد، برخلاف قانون اساسی تقاضا کرد که مجلس شورای ملی، اختیارات قانونگذاری خود را به مدت آتی به شخص او واگذار کند که این امر خلاف اصل تفکیک قوا و باعث تبدیل حکومت به یک حکومت دیکتاتوری بود.

در این رابطه چند نکته قابل ذکر است:

اولاً - علت برگزاری انتخابات بصورت ناقص، حفری از بحالت ارتش و نقاب در انتخابات بود زیرا نمایندگان مآخنی از قبیل شمس قنات آبادی و میراشرافی رسیدن نمایان اما در حدومد بود بهر حال ارتش به مجلس راه یافته بود و نتیجه به نفوذ متهران ارتش در بعضی از شهرها ستانها که در کنترل حکومت ملی بودند در صورت ادامه انتخابات، نمایندگان درباری موفق به تشکیل اکثریتی در مجلس حدومد میگردید.

ثانیاً - مقصد مصدق از تقاضای اختیارات، احیای اصلاحات داخلی منجمله اصلاح قانون انتخابات، اصلاح قوانین دادگستری و... بود و از آنجا که تعدادی نمایندگان با دخالت ارتش انتخاب شده بودند در برابر احیای اصلاحات موفق گارنگی میکردند. به همین خاطر، مصدق تقاضای اختیارات ۱۰ ماهه ای از مجلس نمود تا در این مدت اقدام به احیای اصلاحات داخلی نماید. تقاضای اختیارات به دلیل محدودیتهای قانونی، ظاهرآ مخالف قانون اساسی تلقی میشد. برای توضیح بیشتر در این مورد به تحلیل مرسوم مصدق اشاره می کنیم، مصدق در کتاب خاطرات و تاملات ص ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ می گوید: چون تکی از طریق مبارزه سیاست خارجی از طریق مجلس حدومد بود، چنین بنظر رسید که هر قدر اصطلاحات دولت با مجلس که مندر، مبارزه سیاست خارجی از طریق مجلس تا حدی تسهیل شود و دولت بتواند بیشتر دوام کند این بود که از مجلس تقاضای این اختیارات را نمودم تا در حدود آن بتوانم لوایح قانونی و ضروری را امضاء کنم و بعد از آن برای تصویب مجلس پیشنهاد نمایم... موضوعی است، تذکره ای، بانکه اعطای اختیارات مخالف قانون اساسی است، این درخواست را میگویم... اکثری موضوع مراحتت مطالعه تومار می نمود که تقویب اختیارات مخالف قانون اساسی بوده یا نه و برخلاف مصالح مملکت بوده یا نبوده است.

از نظر سیاسی، بعد از ملی شدن صنعت نفت که دولت انگلیس کشور را بر این راجع به مورد خزانة دولت دیکتاتوری بود، دولت خلیفه می توانست بدون هیچگونه کمک خارجی و بدون اختیارات، مملکت را اداره کند و با سیاستهای خارجی مبارزه نماید.

از نظر قانونی، دادن اختیارات در مواقع عادی آن همه به اشخاصی که از آن بوقع نمایانان استفاده کنند چون مخالف مصلحت است، مخالف قانون اساسی است و حتی در مواقع جنگ و غیره مصلحت، دادن اختیارات، موافق روح قانون اساسی است چرا که قانون اساسی برای مملکت است نه مملکت برای قانون اساسی.

شرب مشرب در شرح اسلام نفس صریح قرآن حرام است ولی اگر طیب آن را برای سلامت مریض تحویز نمود حرمت آن بر داشته می شود. وقتی سلامت یک مریض ایجاب میکند که برخلاف نفس صریح شرب خمر کند آیا اعطای اختیارات که در صیغ کمالی قانون اساسی تحریم شده، آنگاه برای سلامت یک ملت مخالف قانون اساسی است؟ این صورتی است که در صورتی است. مخالفت با اختیارات این عنوان که مخالف با قانون اساسی است کلمه حتی بود که می خواستند آن در راه باطل سود استفاده کنند. (خاطرات و تاملات مصدق - ص ۲۵۲ تا ۲۵۴)

ثالثاً - اقدام مصدق در اعطای اختیارات قوی دیکتاتوری معرفی شده است. توضیح اینکه حکومتی که برخلاف مصالح مملکت و مردم حرکت میکند برای کنترل مردم مجبور به اعمال شیوه های دیکتاتوری است ولی اصلاحات داخلی در خدمت مصالح مملکت بود مردم، در انحلال مجلس حدومد، رای به انحلال مجلس داده و از دولت مصدق حمایت نمودند بنابراین اعطای اختیارات را در حالیکه احیای مردم برخوردار است نمیتوان دیکتاتوری نامید، هر چند در قلموس دیکتاتوری عینی این امر دیکتاتوری محسوب میشود چرا که دارای بشنواهی ای در قانون اساسی نمیشد. حال اینکه قانون اساسی نسبی بوده و باید در خدمت مصالح اسلام و مردم اصلاح و تکمیل نمود (از طریق مردم) به نظر مردم اصل ولایت نصیه، این نقص تا نوبت را جبران کرده است. ولی با این وجود لیسرا لها به ولایت نصیه مارک دیکتاتوری می زند. آنجا که در رابطه با اعطای اختیارات به مصدق مارک دیکتاتوری می زند. توضیح اینکه هر صالح انقلاب که از حمایت عامه مردم نیز برخوردار است و بر آنها ولایت دارد و منبعت انعمه است، می تواند اختیارات هم داشته باشد ولی اختیارات را هم به با جان دول نماید می کند.

و کمتر مصدق درباره تحولاتی که با استفاده از اختیارات توانست ایجاد کند. در صفحه ۲۳۸ کتاب خاطرات و تاملات چنین می گوید: ... با این اختیارات بود که توانستم در مقابل فشار بیگانگان مقاومت کنم و متجاوزان از سال مملکت را اداره نمایم و در راه آزادی گرفتن کمک و آزادی و استقلال مملکت را از دست ندهم. چنانچه اختیارات نبود و دولت می خواست علناً از دستراستگامی استفاده کند چیزی نمی گذشت که اجناس مرقن میگرد و گرانی زندگی سبب میشد که دولت بجوری خود سقوط کند. از خواستن اختیارات مقصد فقط این بود که در مسائل مالی آن استفاده شود... نقود قانونی در اصلاح بعضی از قوانین موضوعه، کار را به طریقی رسانیده بود که ادارات نتواند وظایف خود را انجام دهند که بعد از تصویب اختیارات و تقدیر آن، متجاوز از دو صد لایحه قانونی از تصویب گذشت که تنظیمشان جزا احتیاج مملکت محرکی نداشت... لوایح قانونی اینجاب تماماً مورد احتیاج دادگستری و ادارات دولتی بود که از آن استفاده میکردند.

از آنجا که تمام ۳۰ نفر برای گرفتن اختیارات و بیست وزارت جنگ بود مراجع مذهبی مردم هم این قید را نماند کردند نسبتاً آن را دیکتاتوری نامید. نویسنده کتاب با دیکتاتوری نامیدن آن خود را در صفت شاه و لیسرا لها تراراده و اصولاً نمیتواند مزایع نماید. ۳۰ نفر را به ۱۰۰ کامتان و سایر مراجعی چون آیتا. آسید تقی خوا ساری باشد

۲) تقاضای بیست وزارت جنگ از شاه:

در صفحه ۷۴ آمده است: چون مجلس با این درخواست عیناً قانون (تساوی اختیارات) موافقت نکرد، مصدق به دنبال بهانه ای برای استعفا بود... به همین جهت در ۲۵ تیر سال ۱۳۳۱ دینامان با شاه تقاضا کرد که سمت وزارت جنگ که تا آن هنگام استصاف آن عملاً در اختیار شاه بود به خود او واگذار شود. این درخواست موافقت نکرد و در اینجا بود که مصدق بدون کمترین مشورت با سایر همکاران بهشت استعفا خود را به شاه تسلیم کرد.

در توضیح فوق علت تقاضای بیست وزارت جنگ از شاه، این بود که ارتش اختیارات تعلق شده است. حال اینکه مقصد از تقاضای بیست وزارت جنگ، کنترل و اصلاح ارتش و جلوگیری از حمله های غیر قانونی آن در امور داخلی بود. شاه با دلایلی حق استصاف وزیر جنگ توانسته بود ارتش بعنوان نیروی توطئه علیه بهضت ملی استفاده نماید. برای نمونه توطئه های را که توسط شاه وزیر و در وسیله قوی استقامت علیه بهضت ملی صورت گرفت مختصراً ذکر می کنیم:

- دستگیری شهید نواب صفوی توسط متهران که موجب شد، مدافعان اسلام به جای دیگری با دستهای مرموزی که در بیست این دستگیری بودند با دولت ملی درگیر شوند، حال اینکه مقصد مصدق می گشت "دستگاه در دست استعمار بود و این دستگاه کار میگرد."

- در واقعه ۲۴ تیرماه ۱۳۳۰، مأمورین متهران به کشتار تویهها بها که در ارتش به ورود متهران نظاهرات کرده بودند، پرداخت و عوامل مرموز در مجلس، مصدق را عامل کشتار معرفی کردند، حال اینکه سرانشر راهدی، وزیر کشور، و سرانشر بقانی: رئیس متهران، مسئول مستقیم این کشتار، بدون اجازه دولت بودند و مصدق آنها را از کار برکنار کرد، و تحویل دادگاه نظامی را در پس از این واقعه، دکتر ماطلی قضیه را تعقیب نمود و در این تحقیق متوجه شد که از یک طرف عوامل اشرف، در حوز تویه این سببگ را راه انداخته بودند و از طرف دیگر سرانشر بقانی یکی از اعضای باند اشرف است.

- دخالت ارتش در انتخابات و وارد کردن نمایندگان تقلبی منجمله شمس قنات آبادی و میراشرافی به مجلس

- سرکوب نمای ۳۰ تیر

با این وصف، مصدق با گرفتن بیست وزارت جنگ از شاه توانست توطئه شاه و در برابر عقیم کند از طریق دیگر اقدام به تصفیه عوامل وابسته به انگلیس در ارتش، از جمله: تقیمار مریخی و باندیزو... نمود و توانست شبکه ای از امیران ملی در ارتش به ریاست مرحوم افشارطوس ایجاد نماید. البته عوامل آمریکا، لاجنص دکتر بقانی، با مشارکت ارتش های تصفیه شده اقدام به ربور و قتل افشارطوس نمودند، تا منابع از اصلاح ارتش گردند.

۳- شعار انحرافی محاکمه قوام:

در صفحه ۷۵ - ۷۶ کتاب مرموز، دکتر مصدق به عدم یگیری عاملان کشتار ۳۰ تیر و سردار آنها تومار السلطنه شده است. چنانچه می گوید: "وقتی تمام ۳۰ تیر به مریزی رسید، مردم مسلمان که با خون رشادت و جرات بیرونی را همراه مصدق در بیرون به تامل نخست وزیر رسید بود، از او می خواستند که با تشکیل محکمه انقلابی، تومار السلطنه و سایر مجانیان را به مجازات برساند... (ص ۷۶) در عمل هیچ اقدامی برای مجازات حاکمان بیگانه و تیرانان ندان." در این رابطه چند نکته قابل تامل است:

۱- در روز ۳۰ تیر ارتش به کشتار مردم پرداخته و مسئولیت مستقیم ارتش در دست وزیر جنگ (شاه) بود و قوام در این رابطه، مسئولیتی نداشت. بنابراین عامل اصلی کشتار ۳۰ تیر شاه و ارتش- های درباری بودند و قوام، مهره ای بیثی نبود و باید شعار محاکمه شاه را نه مشد. در آن شرایط دستهای مرموزی چون دکتر بقانی برای اینکه تونک تیر محمله مردم بطرف شاه و در برابر محروب سازند شعار انحرافی محاکمه قوام را عنوان کردند برای روشن تر شدن این شعار انحرافی، اشارهای به مدافعات بقانی ص ۳۵ می کنیم. از سه چهار گوشه حزب عده ای شعارهایی دادند بدین مضمون: حالا که قوام رفته، شاه هم باید برود. این شعار پیدا بود که از آزادی کومیسیتها و حزب توده و روی بقانی قبلی بود. من حزب آنها را قطع کردم. گفتند: سوگند یاد کرده اند که به اساس مشروطیت و مقام سلطنت ایران و ما را رانند و هستیم و از شعارهایی که احلالگران منتشر ساخته و می سازند مستفیدیم. هر کس می خواهد حزب ما بشود بایدست و الا برود و شعار نباید داده شود.

ما منحصراً با وجودیکه کتاب در صفحه ۱۳۷ و ۱۳۸ این را بیرونه است که شاه، عامل کشتار ۳۰ تیر است، چرا شعار انحرافی محاکمه قوام را اصل دانسته و از این موضع به مصدق انتقاد دارد چنانچه می گوید: ... درسی آمد تیر که به دستور شاه جوی خون در متهران و اهواز و کرمانشاه راه افتاد... شاه در این تدبیر بود و نموندهی کل قوا را به عهده داشت. ارتش و متهران و دربار مری را اختیار او بود.

۲- کتاب مرموز از موضع قانون اساسی، حرکت مصدق را در تقاضای اعطای اختیارات از مجلس غیر قانونی دانسته است. با آنکه کسی که اینچنین روی قانون شده است. تمام مردم در ۳۰ تیر که منجر به سقوط دولت قانونی توانسته بود چیزی به نوحیه می نمود. قوام با طی مراحل قانونی به نصحت وزیر رسیده و از مجلس برای اعتماد گرفته بود و ظاهرآ بیف دولت قانونی بود، از طریق عامل کشتار ۳۰ تیر تیر شاه بود، بنابراین متعاضات محاکمه قوام از چه بشنواهی قانونی برخوردار بود که از مصدق انتظار داشتند با عملی سازد؟

۳- چند تقاضا از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

۱- در کتاب "جمهور حقیقی مصدق السلطنه" متن کامل دفاعیات دکتر بقانی در دادگاه تجدید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
رَبِّجَنَّاتٍ اَلْیَغَارَةِ اَلْخَمَّانِ

تشکیری انجام بسلامه

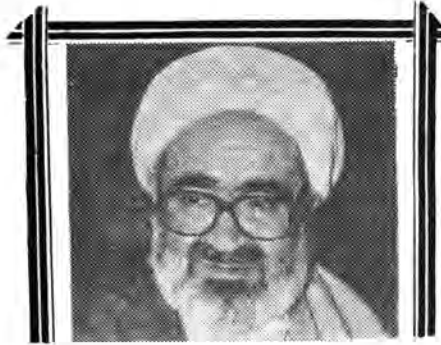
خطبه چهارم با استفاده از سنده بحثهای آیتا... منتظری

"محکم باد دلی که همیشه از ترس خدا مضطرب است، بندگان خدا اینجورند که چون عظمت خدا برایشان مجسم است و بفکر حساب و قیامت هستند همیشه دلشان مضطرب است اینها خوف از مگر خدا دارند"

منظور حضرت در اینجا کسانی است که فقط برای رضای خدا کار می کنند و در اعمال و شیوه هایشان خدا را در نظر دارند و ترس و بیم آن دارند که مبادا کارهایشان برای رضای کسی غیر از خدا باشد. ترس از خدا باعث می شود که ماهیچگاه به هیچ نیرویی غیر از خدا دل نبسته و در اتخاذ شیوه، شیوه ای را انتخاب کنیم که در آن خوشنودی و رضای او باشد. در این صورت است که در هر مرحله به شیوه های جدید و الهی تری می رسم. و در مقابل او هیچ چیز را بست نکرده و سر تسلیم فرود نیاوریم.

این گونه رابطه با خدا باعث می شود که انسان در مقابل دشمن و حرکت های باطل حرکت مستقل خود را انجام داده و تابع شیوه های باطل نگردد. این اضطراب الهی که عامل حرکت مستقل در مقابل دشمن است خود باعث آرامش پویا و شیوه های الهی می گردد.

در مقابل این جریان عده ای هستند که چون نمی توانند نیازهای حق را درک کنند، حرکتی مستقل هم نخواهند داشت و لذا زانها در اضطراب می باشند بطور مثال گناه دیده می شود که مثلا نفت بجای اینکه در جهت جلب رضای خدا، و نیازهای اصل انقلاب و جنگ اسلام و کفر باشد، "حفظ ثباتش" هدف می گردد. نفتی که دائما وضعیتش در تغییر و تحسول است و دشمن می تواند به شکل های مختلف بر روی آن فشار بیاورد. در این حالت همه چیز در خدمت نفت قرار می گیرد، بعلمت اینکه نفت دائما وضعیتش بوسیله توپ و موشک های دشمن



و او یک در نوسان است. دائما انسان مضطرب است و چه بسا برای "حفظ ثبات" نفت نرزشهایی در سیاست جنگی، دیپلماسی، صورت بگیرد و نتوان حرکت مستقلی را انجام داده و دائم تابع حرکت های باطل می گردد. رضای خدا ایجاد می کند که هوشیار باشیم و مبنای اقتصادمان را روی چیزی بگذاریم که ثباتش مستقل از حرکت های دشمن حفظ گردد. مثلا کشاورزی بوسیله توپ های بسیج شده تقریباً بهترین اقتصاد خود کفا و مستقل است. این مثال برای تقریب به ذهن است و گرنه کشاورزی هم اینطور نیست که اضطراب نداشته باشد ولی درجه خود کفایی آن در برابر امپریالیسم بیشتر است.

سَتَرْنِي عَنْكَ جَلْبَابَ الدِّينِ وَبَصُرْ نِيكَ صِدْقَ النَّيِّ
حضرت در اینجا می فرماید آنچه مرا از شما پوشانده بود آن پوشش دین بود و من برای من حجابی آورده بود که هم

در مقابل این جریان عده ای معتقدند که حفظ نظام جمهوری اسلامی يك اصل است و در این جهت می توان از هر شیوه ای استفاده نمود اینجا چیزی که مدنظر است حفظ نظام و نظم موجود نه حفظ ارزشها، در این حالت است که بحرور دست نغویز بیجا و افراط و ایستاده در رخنه کردن در نظام باز شده و اینبار با حفظ ظاهر اسلامی و انقلابی نظام را از ارزشهای استبدادی با ظاهری انقلابی را بر مردم تحمیل می کنند

همچنین در مورد پیام آقای منتظری در رابطه با آزادی زندانیان سیاسی عده ای می گویند که ایشان بیش از حد عاطفی بود و با خدای نکرده ایشان بیشتر سیاسی ندارند و معتقدند که زندانیان در زندان بیشتر هدایت می شوند و آزادی آنها برای نظام خطرناک است

در حالی که آقای منتظری چون مقید به دین و ارزشهای انسانی هستند و معتقدند که شیوه های درست و انسانی ثبات پایدار را به همراه دارد و همچنین نسبت به شرایط موجود و انگیزه های زندانیان شناخت آگاهی لازم را در اختیار اینها دارند و باورند که آزادی زندانیان سیاسی که قتل انجام ندادند و توبه کرده اند می ممکن است از نظر عقیده بسا اختلاف داشته باشند باعث می شود که آنها در برخورد با روحیه ایثار و از خود گذشتگی مردم و رزمندگان و درک ارزشهای آنان بدلیل فطرت خدا و عدل طلبی که دارند انگیزه خدمت خود را از دست ندهند و بجای دلمردگی و بام و منزوی شدن از جامعه و غیر سیاسی شدن، شکوفا شده و عنصری مفید برای خود و جامعه بشوند

در اینجا سئوالی مطرح می شود. که اگر آزادی يك گناهکار توبه کرده، جرم است و اشتباه، چرا خداوند به شیطان مهلت داد؟ آیا برای این نبود که خداوند می دانست جوهره عدل طلبی که در انسان قرار دارد به شیطان اجازه نخواهد داد که قسم خود را ایشوگمراه کردن عامه مردم عملی کند.

کار نمی توانست انجام دهد ولی شمس چون دین ندارد به واسطه بی دینی هر کاری را می کند

انسان مومن بواسطه دینی که دارد هر کاری را انجام نمی دهد یعنی برای حفظ دین هر کاری که انجام می دهد با شیوه های انسانی و اسلامی است انسانی که دین ندارد هر کاری را انجام می دهد از روی گرفته تا جنایت به جان مردم چرا که هیچ پوشش و مانعی در مقابل خود ندارد.

عدام بواسطه اینکه دین ندارد و کافر است هر کاری را انجام می دهد از جمله به شهرها تا استفاده از بمباران شیمیایی. عده ای معتقدند علت اینکه مبادر ایمن شیوه ها مقابله به مثل نمی کنیم از عدم توانایی ماست در صورتیکه چون ما مقید به ارزشهای انسانی و اسلامی هستیم از دست زدن به چنین شیوه هایی خود داری می کنیم. انسانی که مقید به چنین ارزشهای است در سخت ترین شرایط نیز تسلیم شیوه های نارسا و باطل نمی گردد.

بطور مثال در رابطه با نظام جمهوری-اسلامی و دیدگاه وجود دارد:

عده ای معتقدند که دستورات الهی را مقید میکنند در صورتی نظام حفظ گفت و تعمیم می یابد که در آن از شیوه های انسانی و اسلامی استفاده گردد.

نفت ماهیانه ۹۰۰۰۰ ریال حقوق دریافت می کرد. در جریان اصلاحات ارضی به عنوان عضو کابینه امینی رابطه مستقیم با دربار داشت و شاه به امین گفته بود رسنجانی حتما باید در کابینه ات باشد او را برای یک کار جنجالی اجتناب داریم.

امام حسین در رابطه با اصلاحات شاه گفته بودند: آدم معتمد نیستید اصلاحات بیشتر به همین دلیل بازنایند، مخالفت کردند. ما میدانیم چگونه خاطرات یک آدم معتمد روایت شده تحلیل برای نویسنده کتاب شده است و از آن مهمتر حکایت نهایی جامعه مدرسین که برای دستیابی به مثل توله ای از ترکیده شده علم الرجال می خوانند، اقدام به حجاب این اسناد بدون هیچگونه نقدی، نموده اند. لازم به تذکر است که آیه... مثلی در توصیه ای به مسئولین حج بین حضرت گفتند: از طرف علمای دینی ترطنه ای است که می گویند شیعه علاوه بر قرآن و سنت، عزت راهم اضافه کرده است. در حالیکه اهل سنت یک شکه و یک تشکیلات ترکیده شده و معصومی هستند که قرآن و سنت را با امامت کامل دین تحریف به دست ما رسانده اند.

۴- صداقت یک صفت الهی است و شیوه های صادق از بیشترین پایه های مریض برخوردارند برخورد های ناصادقانه با مردم از طریق تحریف تاریخ و دست اندازن واقعیتها از طریق بی نصی و معصوم جلوه دادن طبع روحانیت به در جهت رضای خداست به در جهت رضایت مسلمان. امام علی (ع) و ائمه اطهار (ع)، با وجود معصوم بودن نزد خداوند اظهار استغفار می کنند و در سوره می آقا ب عیب بی ازوبزگیهای مثبت حضرت داوود (ع) ذکر شده است. بت کردن بی عیب جلوه دادن هر طبعی اعد از روحانی و روشنفکر... ترطنه ای است علیه آن طبعه تا از این طریق باعث شود کردن چهره آنان نزد مردم متوهم. سلب کردن نفس لومه و سرزنشگر از روحانیت و عدم استنادی بر روی موجب عجز می شود که صفت بسندیده ای نیست.

تحریف آثار تاریخ باعث می شود مردم در عدالت جامعه مدرسین شک کرده و بی اعتماد شوند و این خود، ضربه بزرگی به اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی خواهد زد. امیدواریم که نوروزی اصلاح شود.

در اسلام

نهضت مجاهدین خلق

اسفند ۱۵

نظریاتی از مقالات ایشان تحت عنوان ضامن شماره ۱ و ۲ به چاپ رسیده است. تقاضا داریم برای رفع ابهامی که نسبت به مواضع جامعه مدرسین در رابطه با جریان مطرفی ایجاد شده است از طرف آن جامعه نسبت به جریان مطرفی موضوعی بنویسند. خیانت های آشکار دکتر تقی عبارتند از:

۱- ارتباط مخفیانه با سفارت آمریکا در دوران حکومت ملی را بیان نقش جاسوسی که از طریق جلد ۲۳ اسناد لانه جاسوسی امضاء شده است.

۲- طراحی و شرکت در ریورین و قتل سرلشکر اشرفی اصفهانی رئیس شهری حکومت ملی که از طریق جلد ۲۳ کتاب "تمکات و درگیری های بیانی در دوران حکومت مصدق" امضاء شده است.

۳- وفاداری به سلطنت و جلوگیری از سقوط آن در مقاطع حساسی که تحت عنوان "چه کسی منحرف شد، دکتر تقی یا دکتر مصدق" به چاپ رسیده است. کتاب فوق متن دفاعیات دکتر تقی در دادگاه تجدید نظر نظامی (سال ۵۱) میباشد.

۴- گفته عمیق در ضمنی آشکارا انقلاب اسلامی و امام حسین و آیه... منتظری و مجوز طلای که در وصیت نامه میاسی، در کتابی به نام "امول یک مبارز" به چاپ رسیده است.

۲- در مقابل تحریف تاریخ سیاسی ایران، با اخذ بهصفت ملی شدن نفت سلطنت بعضاً ناپدید آمیزی صورت گیرد و با تأمل در کتابهایی چون سخنرانیها، نامه ها، مکتوبات آیه... کاشانی (جلد ۱)، خاطرات و آلمات مصدق، مصدق در محکمه نظامی (۲-۱)، ترطنه ریورین و قتل سرلشکر اشرفی اصفهانی، تقریرات مصدق در زندان، دست نوشته های دکتر تقی در کتاب ترازهای از زندگی مهیناظمی، تضاد عادلانه ای نسبت به بهصفت ملی شدن نفت صورت گیرد.

۳- باید توجه کرد که دکتر رسنجان از مهرهای نزدیک به قوام السلطنه انگلیسی رضو حزب و مکررات توأم بوده است. نقش ترطنه آمیز او در قضا بای ۳۰ تیر و همه روشن است. نامبروه امضاء کننده قرار داد کنسرسیوم نفت پس از کوبا (اسپین) بود و بعد از قرار داد نیز به عنوان یکی از کنسرسیوم

بقیه از صفحه ۸

نامه اعتراضی نداشتند. امیدواریم به توان محدودیتها و تاریخی نهضت ملی توجه کنند و با انتظاراتی که از انقلاب اسلامی داریم به بررسی حکومت مردمی صدق نبردا زد و قدر آنرا ضایع ننمایند.

ز - قرارداد بانك بین الملل

رساله ۳۰ بهمن ۷۰
" در گزارشی مفصلی که اخیراً " لوسی هندرسون - مفسر کبیر آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا فرستاده شده نوشته است: دکتر مصدق چه در مورد قبول شرایط بانك بین الملل برای حل مسئله نفت ایران چه درباره قرارداد نظامی ایران و آمریکا حسن نیت بخرج داده و با نظرات آمریکا تنها روی موافق نمانده است."

راه مجاهد

- امیدواریم بدین مسئله توجه نمایند که صداقت مرحوم مصدق با صداقت هندرسون آمریکایی قابل قیاس نیست. بنا بر این بجای اعتماد به سخنان هندرسون نگاهی به موضع مصدق درباره آمریکا و قرارداد بانك بین الملل می نمایم که در کتاب " خاطرات و تاملات مصدق " ص - ۶۸ چاپ رسیده است: " نمایندگان بانك برای این نیامده بودند که از راه خبرخواهی رفع شك اختلاف کنند بلکه آمدنشان به ایران از این نظر بود که دولت را اغفال کنند و سندی در رفع حرکت تحصیل و آفرای کماکان در همان جایگاهی که نداشت متقرر نمایند. این بود که به نمایندگی بانك گفتم مرا به خبر تو امید نیست مگر مرسان و آنها دیگر سخنی نگفتند و رفتند. (رجوع شود به خاطرات مهندس خمینی در مورد قرارداد بانك بین الملل - راه مجاهد شماره ۲۹)

چهارم - نظر امام خمینی در مورد مسلم بودن مصدق

رساله ۲۹ بهمن ۷۰
" شاید اگر امام امت نسبت به وی قضاوت می کرد " آن هم مسلم نبود " ناشی از همین دیدگاههای دکتر مصدق نسبت به اسلام و منتهب بود."

راه مجاهد

- اولاً " امام در محبت خودشان اسمی از مصدق نیاوردند. ثامناً " بعداً " هم توضیحاتی به استاد جلال الدین فارسی دادند که در راه مجاهد شماره ۳۶ تحت عنوان " نظر امام خمینی درباره دکتر مصدق " چاپ شده است. البته توضیحاتی راجع به این نقل قول توسط استاد فارسی داده شد که نفس مطلب را تکذیب نمی نمود. و ما از ایشان می خواهیم اصل مکالمات را به بیان خودشان توضیح دهند. ثالثاً " مکالمات فقهی وجود دارد که در بیان جامعه اسلامی که همه مسلمانند باید برای ارتداد یا غیر مسلم بودن دلیل

آوردند برای اسلامت. از برخی صاحب نظران و نزدیکان امام پرسیده شد که هیچکدام دلیلی از امام ندانند بجز این.

پنجم - خط آمریکا

رساله ۳۰ بهمن ۷۰
" بهرحال سیاست آمریکا در برخورد با نهضت ملی ما ازین با جناح ملی گرای نهضت و قلع نفوذ انگلیس بر نرفت برای جایگزینی خود بود."

راه مجاهد

- سیاست آمریکا تقویت دربار و راه بود که توسط افرادی مرموزی چون دکتر بقایی دنبال میشد. امیدواریم روزنامه رسالت در این تحلیلهای مرموزانه تا ملاحظه بیشتری نماید که از آمریکا می نامیدند مصدق جناحهای آمریکایی و انگلیسی و کلاً " کنترسوم نفت که در سقوط دولت مصدق نقش داشتند تیرنه میشوند."

هفتم - موضع آیت الله کاشانی نسبت به کودتای ۲۸ مرداد

رساله ۲۸ بهمن ۷۰
" سر از کودتا زاهدی می نمود خود را طرفدار نهضت ملی و امام نهاده راه دولت مصدق در ملی نمودن و نمود کند و لذا سعی کرد با مبارزین از درخوش وارد شود و لذا چند روز پس از کودتا بدون قرار قبلی و غفلتاً " به منزل آیت الله کاشانی رفته و سعی در جلب اعتماد آیت الله کاشانی نسبت به خود نمود. آیت الله کاشانی نیز که از ماهیت وی و مقصود استعمارگران آگاه بوده، را از خود رانده و به سرکوب و زندانی نمودن عده ای از مبارزین و روحانیان در جریان کودتا عیداً " اعتراف کرد."

راه مجاهد

- قبل از هر چیز موضع آیت الله کاشانی

درگیری بین حق و باطل، اصیلترین تضاد هر زمان است و هرگونه اختلاف دیگری جنبه فرعی دارد. تضاد اصلی آن زمان، خلاف آنچه ذکر شده، درگیری بین مشروطه و مشروعه (اجرای احکام اسلام) نبوده است بلکه حقیقتاً " مشروطه خواهان با استبداد سلطنتی درگیر بوده اند و حرف آنها نابین بود که مشروطه باید مشروعه باشد

ششم - استمرار نهضت ملی

رساله ۳ اسفند ۷۰
" شاید بتوان گفت یکی از علل منفعل شدن مردم پس از قیام سی ام تیر همین عدم وجود انگیزه امامانه حرکت بود."

راه مجاهد

- دکتر مصدق پس از ملی کردن نفت، اصلاحات داخلی را شروع کرد و در همین رابطه از مجلس اختیارات خواست. اصلاحات او نیز بنحوی بود که نوبت حمله متوجه دربار میشد. (از جمله تصفه در ارتش) علت عدم عکس العمل مردم در مقابل کودتای ۲۸ مرداد تضعیف دولت ملی از طرف مخالفین و منفعل و سادگی اندیش کردن مردم خیانت سران حزب بوده مخزن دگرگونی کودتا و تشکیلات قوی آن بود. اکثر سران نهضت از جمله آیت الله کاشانی، بقایی، مکی و ۴۰۰۰۰ جریان کودتا را تا ناید کردند و کودتا بطور خزنده بوجود آمد و مردم این خزنده را نفهمیدند. علاوه اگر مردم نتوانند تشکیلاتی نداشتند که عکس العمل نشان بدهند، ولی با عکس العمل منفی دربار قهر کرده و دره عمیقی بین مردم و دربار بوجود آمد.

اول - تحسن کلیسای سن مری پاریس و تظاهرات شاه عبدالعظیم

رساله ۲۷ و ۲۸ بهمن ۷۰
مقاله " اسرار پشت پرده سالهای ۵۷ - ۵۶ " آقای با دامچیان " ص ۰۰۰ " سردر و روزنامه (کیهان و اطلاعات) " عزت الله سبحانی و مثنی را نیز از کسانی دانسته اند که این تظاهرات (تظاهرات شاه عبدالعظیم و تحسن پاریس) بخاطر آزادی آنها انجام گرفته است. در حالیکه آنروز بحثی از این افراد نبود و همه شعارها پیرامون امام و آزادی داده میشد و بطوری هم به ما زمان منافقین و همپالکی ها پس از قبیل مثنی نداشت. ولی رژیم که احساس نگرانی مکرر و از طرفین نمیخواست با نمی توانست بازی فنی با بازی سیاسی را رها کند و این تحریفها و انتساب این حرکات به منافقین و آوردن افراد دیگر در کنار حضرت امام و در نتیجه با تمسک آوردن شخصیت امام در نظر داشت که از گسترش و ادامه این حرکت جلوگیری نماید و آن را مخدوش کند."

راه مجاهد

- تحسن کلیسای سن مری پاریس (به نقل از برادر لطف الله مثنی) جهت آزادی زندانیمان سیاسی و بطور مثنی آزادی پنج تن از جمله آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری و عزت الله سبحانی مسند مهدی هاشمی و لطف الله مثنی صورت گرفته بود. آقای با دامچیان بدین مثنی گفتند که خط رژیم معروف کردن سبحانی و مثنی بوده است. او لا " برطسول زندان مثنی رژیم جز خبر دستگیری و انفجار هیچگاه اسمی از او نبرد. اولین بار که مطبوعات اسم از مثنی و سبحانی بردند. توسط ساواک در کیهان و اطلاعات بود. منظور ساواک از این کار مثنی کردن نبود بلکه میخواست سبحانی و مثنی را در خطا قائلین شمس آبادی معرفی کرده و جنبش اصل مجاهدین را انحرافی جلوه دهند.

در رابطه با تحسن کلیسای سن مری، کتابی با شرح و تصویر این پنج نفر چاپ رسیده است. آقای با دامچیان هم از مضمون آن اطلاع دارند. این تحسن توسط شهید منتظری و جمعی از نزدیکان امام انجام شده بود. آثار رژیم شاه خط معروف کردن ما را داشته با باران امام؟ از آن گذشته در شرح و اقصه مذکور اسمی از آیت الله طالقانی و آیت الله منتظری آورده نشده است. تا بتواند سناریوی خود را تکمیل کند. معلوم نیست که چه دستهایی در کار است که مسائل پشت پرده را در حد " پیش پرده " با شمن آورده است. برادر مثنی نقل می کند، وقت سی از زندان آزاد شد و به دینار مرحوم طالقانی رفت اما آن اولین توصیه ای که به مثنی کردند این بود که سعی کند مسائل زندان و تنگ نظریهای آنجا به درون انقلاب کشیده شود. ما تا اکنون به توصیه ایشان عمل کردیم و موجبات تیرنه عافیت طلبانی را که اصولاً نفس مبارزه و زندان را قبول ندارند، فراهم

را در مورد کودتا و سر لشکر زاهدی نقل می کنیم که در کتاب " مکتوبات، سخنرانیها، پیامهای آیت الله کاشانی " ج ۴ - ص ۲۷ و ۲۸ چاپ رسیده است. این مصاحبه با خبرنگار روزنامه " المصری " صورت گرفته است (بعد از زکوتنا)
" من از ژنرال زاهدی ما نام که به من گفت ایران قدم بر مدارد پشتمانی می گفتم و هر وقت که بنظم برسد و برخلاف مصاحبت ایران عمل منناید با او مخالفت می نمایم تا این لحظه نمی توان راجع به اعمال زاهدی قضاوت کرد و ما هم نمی توانیم رویه خود را در قبال او معین نمایم. از او پرسیدم آیا عقیده دارید که مصدق مستحق همین سر نویستی بود که به او رسید؟ او جواب داد: خداوند عادل است و آنچه امروز بر مصدق گذشته نتیجه عدل خداوندی است."

سؤال ما این است که اگر آیت الله کاشانی مخالف سر لشکر زاهدی و کودتای ۲۸ مرداد بودند چرا پس از وقوع کودتا نه تنها مخالفتی با دولت زاهدی ننمودند بلکه کودتای ۲۸ مرداد را تا بید کردند و آن راتوجه عدل خداوندنا میدند. حکومت کودتا با استفاده از این اظهار نظرها دکتر مصدق را تبعید نموده و دکتر فاطمی را به شهادت رسانید.

۳ - تحلیل تاریخ انقلاب

نکردیم . با این خودداری و کسان را که هم در برون زندان وهم بصرون دوقطبی های کذب را ایجاد کردند و با من زدند و حالا هم مسائل زندان را تحریف می کنند خوب شناختم . البته پسران آمار شدن انحراف رجوی برای مردم وریشه بابسی انحراف راه در مقاله "افول با" مجاهد " مسواری از مواضع زندان او را ذکر کردیم . معتقدیم هر کس که انحراف آشکار شود برای جلوگیری از بهت زدگی مردم و منفعل شدن آنها چنین ریشه بابی ازم است .

دوم- میوه مارک زنی

رساله ۱۸ بهمن ۷۵
مقاله "آزار نیت پرده سالهای ۵۷-۵۶" در خود مناقین هم جدایی افتاد و روهای فرصت طلبی مثل میثمی ها از آنها جدا شدند که همان افکار التقاطی را داشتند

راه مجاهد

پس از سخنان امام درباره جریان رسالت از طرف آیت الله آذری قمی ازم ربه بابی مطرح شده بود . لذا ما از موضع دلسوزانه ستون "ریشه بابی" اجمالی مواضع رسالت را شروع کردیم . سعی ما بر این است که اختلافات بصورت مستدل حل شود و امید داریم که باسخ این برخورد مان تهمت و افترا نباشد . لذا بهتر بود آقای با دامحان انتقادشان را یا خودمان مطرح می کردند بصورت درج آن در روزنامه با ارائه دلیل برای اتهامات فوق و کمکی به رشد برخورد های دلسوزانه می نمودند . این که جو مارک و تهمت را دان من بزنند . مواضع ما بطور علنی در نشریه راه مجاهد اعلام شده است و معلوم نیست منظور ایشان از مارک های بی محتوا و بدون دلیل چه میباشد ؟ آقای با دامحان حتی مطالبی را که تحت عنوان خاطرات خودشان از زندان در کتاب "تحلیلی از سازمان مجاهدین خلق ایران" در سال ۵۸ با اسم مستعار "حق جو" نوشته اند و قبول ندارند با اظهارات فعلی ایشان نمی خواند . ایشان در آن کتاب به مقتضای جو اول انقلاب و عهد حنیف نژاد را صادق و مخلص مبارز و خوش فکر و ضامن میرالمسم خوانده اند .

در رابطه با اتهام دیگر یعنی التقاطی بودن آقای با دامحان تعریف منحصی ارائه نداده اند و مشخص نکرده اند که ایندولوی که ما مطرح کرده اسم چه شخصیتی با منطق شرق و غرب دارد . در راه مجاهد شماره ۴۰ مقاله "پیرامون مسئله التقاط" هم مواضع خود را در مورد مسئله التقاط روشن کرده ایم . این اتهام را هم انگلیس وهم مارکستها به جریان مجاهدین می زدند . کسی که دلسوز است باید مرزی بین خود و جریان نامیرده ایجاد کند با حداقل

خود را از التقاط تعریف منحصی ارائه دهد . امام خمینی فرموده اند کتابهای رساوی بیبی از آنچه در قرآن کریم دنبال میشود تبریده است . (۱۷ ربیع الاول سال ۶۳) حال اگر کسی منطق رساوی را کند فهم قرآن بدانند ما نظر آقای با دامحان التقاطی هست یا نه ؟ آیا واقعا "ایران به آنچه امام می گویند اعتقاد دارند؟" ضمنا " برای آشنایی بیشتر با مواضع ما منابع زیر را قبل از قضاوت توصیه می کنیم . بینا با وجود مکتب راهنمای عمل سه تکبیرتقدس و ۱۰۰۰ زانتشارات خدمت مجاهدین خلق ایران .

ایجاد دوقطبی کاذب

روشنگر - روحانی

رساله ۴ بهمن ۷۵
مقاله " بحثی پیرامون مفاسد فرهنگی در نظام گذشته " این همان گرامی در دوره رضا خان به این معنا نیست که ابتدا آدسبابی بودند که به وطنشان معتقد باشند . بلکه همگی با لاقا اغلب آنها به اجنبی وابستگی داشتند و فقط برای مبارزه با افکار اسلامی این موضوع را انتخاب کرده بودند

راه مجاهد

متأسفانه در سیر تاریخی که روزنامه رسالت طی می کند و دوقطری روحانی و روشنگر در مقابل هم قرار داده شده اند . مثلاً " درجایی روشنگر ها و وابسته به اجنبی معرفی می شوند و درجایی دیگر اسلام مساوی با روحانیت قلمداد می شود . (ستاوری های انقلاب اسلامی ۹ بهمن ۷۵) در حالیکه از ستاوری های بزرگان انقلاب اسلامی وحدت بین روشنگر و روحانی است و وحدت حوزه و دانشگاه در همین رابطه مطرح شده است . باجنا شدن این دوقطری از یکدیگر به انقلاب خوبه وارد میشود . به صلاح انقلاب نیست که این دوقطری مؤثر در پیروزی انقلاب را در مقابل یکدیگر قرار بدهیم .

روشنگر و روحانی دو جریان با خلوص انقلاب هستند که مطمئناً اختلافی ندارند . بهتر است بجای کوبیدن یکی از این دوقطری و تآب بندی آنها هراه حلی برای رفع اختلافات داشته باشیم . کوبیدن جریان روشنگری با استناد به چند نمونه از روشنگران وابسته چه مشکلی از انقلاب اسلامی راحل میکند ؟ از طرف دیگر ممکن است کسی پیدا بشود با علم کردن روحانیت مثل غیر معتمدی و مناقین و . . . مارک وابسته بودن رابطه جریان روحانیت بزند . آیا این عشوه درست است ؟ آن زمان که مسئله انتقاد به جریان رسالت در جامعه مطرح بود مان روزنامه گله داشت که چرا این مال می کنند . . . حال آنکه میوه این مال کردن هنوز هم در برخورد های این روزنامه دیده

میشود . اگر به بیهوده دفاع از روحانیت بجریان روشنگری را وابسته معرفی کنیم همکاری روحانیت با روشنگران در طول تاریخ انقلاب زیر سوال میرود . مثل همکاری امام با بازرگان همکاران استالین با مصدق و . . . که هر کدام از مواضع اصل و در جهت منافع انقلاب بود . مینا چه در نهضت ملی زمانیکه مصدق و آیت الله کاشانی از یکدیگر جدا شدند زمینه های تسلط استعمار فراهم آمد . نکته دیگر اینکه اگر روشنگران در این سیستم مدارس و دانشگاهها با روش علمی تربیت می شوند هم اکنون این مراکز بدون تغییر بنیادی بدست روحانیت اداره میشود . (رجوع عود به کتاب دانشگاه مدرن با تغییر بنیادی در نظام آموزشی ما زانتشارات نهضت مجاهدین خلق ایران)

از روحانیت رساوی اسلام قلمداد کنیم هراشتباه روحانیون بحساب اسلام گذاشته میشود آیا درست است که کودتای شریعتمداری به حساب اسلام گذاشته شود ؟ مساوی دانستن اسلام و روحانیت بطور خزندهای اسلام را زیر سوال خواهد برد .

رابطه اسلام و روحانیت

رساله ۹ بهمن ۷۵
ستاوری های انقلاب اسلامی - آیت الله آذری قمی : " رهبر انقلاب ما اسلام را معادل روحانیت و روحانیت رساوی اسلام می دانند انقلاب اسلامی تحقق نمی پذیرد جز با حاکمیت روحانیت

راه مجاهد

جامگه روحانیت در اسلام و نقیض روحانیتون مبارز در پیشبرد انقلاب غیر قابل انکار است که عنایت این مسئله در وجود امام خمینی مشخص است . لذا اسلام منهای روحانیت حرف درستی نیست . اگر نقش روحانیت را در نظر بگیریم ما انقلاب

بقیه در صفحه ۲۴

گفتند اصلاحات از دست میسر بر نیاید و آنها نمیتوانند شعار اصلاح بدهند . امام در مورد شیوه های نارسا موضع گرفته اند و آیه الله منتظری روی مسائل زندانها خیلی فعال بوده اند . امام و آیه الله منتظری هم تعدیل مالکیت را خواستار هستند و هم با دیکتاتوری و سلب آزادیها مبارزه کرده اند ایشان روز سائل جنگ هم فعال هستند و شیوه های رهگشا برای ادامه بهتر عملیات میدهند به او گفتیم بنظر میرسد که در بینش فقهی اینگونه فقها پیش از آنکه انسان خدا

سهم بزرگی از ارزشهای مثبت و دستاوردهای خود را از دست میدهد . از طرف دیگر اگر روحانیت رساوی اسلام قلمداد کنیم هراشتباه روحانیون بحساب اسلام گذاشته میشود . آیا درست است که کودتای شریعتمداری بحساب اسلام گذاشته بشود ؟ ما اینکه روحانیت و اسلام انحرافی انجمن حجتیه رساوی اسلام قلمداد کرد؟ بعد از سخنان امام آیت الله آذری قمی قبول کردند که مواضع روزنامه رسالت اعتبار داشته باشد اما میتوان این اشتباه را به اسلام مربوط دانست ؟ اگر روحانیت رساوی اسلام بدانیم حرکت افرادی مثل سعد ضیاء ، مناقینی ، سید حسن تقی زاده و چگونه تبیین می شود ؟ مرز بندی که امام از روحانیت درباری و غیر درباری میکند نشان دهنده این امر است که روحانیت رساوی نمی توان معادل اسلام دانست . مسأله

از روحانیت رساوی اسلام قلمداد کنیم هراشتباه روحانیون بحساب اسلام گذاشته میشود آیا درست است که کودتای شریعتمداری به حساب اسلام گذاشته شود ؟ مساوی دانستن اسلام و روحانیت بطور خزندهای اسلام را زیر سوال خواهد برد .

جایی دیگر گفته اند مصیبت چند صد آمریکا این است که پنجاه تاروچانی می خواهند مملکت را اداره کنند . ایشان بارها افرادی غیر روحانی مثل بنی صدر بازرگان ، بزندی و مهندس موسوی را تا تبعید کردند . حتی در " هفته دولت" دولت خدمتگزار را در مقابل روزنامه رسالت تائید نموده و این روزنامه را با اینکه روحانیتون رساوی در رأس آن هستند زیر سوال می برند . اهمیت این مسئله تا جایی است که امام خودشان را نیز مساوی اسلام نمی دانند و می گویند اشتباه من را بحساب اسلام نگذارید .

منتولمن روزنامه رسالت آیا می دانند که با مطلق کردن روحانیت ما زیگطرف در این قشر غرور ایجاد کرده و از طرف دیگر قدر نیروهای مخلص غیر روحانی را که برای اسلام و انقلاب ما می گذارند و ضایع می کنند ؟ والسلام

جو اصالت داشتند باشد ، مالکیت اصالت دارد و مالکیت که در بینش الهی از آن خداست و مالکیت انسان امری اعتباری است ، برای ایشان بصورتیکه اصل درآمده و حتی بر اصول دیگر نیز حاکمیت پیدا کرده است چرا که حساسیت آنها اصل عدل و عدالت اجتماعی را هم تحت الشعاع خود قرار داده است آقای خوشین ها هم یکبار گفتند برای برخی از فقها اصل مالکیت از اصل توحید هم مهمتر است به او گفتیم که با این حرفهای تومنیس بیشتر به فکر افتادیم و انشاء الله در این مورد بیشتر صحبت میکنیم .

این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا میکنند من با شما ادا میکنند

شهید مطهری و مبانی فقه

مقدمه:

یکی از مسائلی که تمامی نیروهای انقلاب بر سر آن اتفاق نظر دارند، حفظ و استمرار انقلاب اسلامی میباشد. از طرفی بر سر شیوه حفظ انقلاب اختلاف نظرهاست. نیز در بین نیروهای داخلی مشاهده میشود عده‌ای معتقدند برای حفظ "ام القری" دارالاسلام" (نظام جمهوری اسلامی) حتی میتوان اصول انقلاب منجمله "مسدود انقلاب" را فدا نمود. عده‌ای دیگر برای اصلاح نظام، به برخوردی برای برانداز کشیده میشوند. افرادی نیز توان نظام در حال جنگ را نادیده گرفته و با عمده کردن مسائل فرعی ناخودآگاه در خطر تشدید دو قطبیهای کاذب قرار میگیرند. بنظر میرسد اصولی ترین شیوه‌ای که قادر به حفظ انقلاب بوده و میتواند موجب بقا و جاودانگی آن گردد دادن پشتوانه ایدئولوژیک به انقلاب میباشد. از آنجا که انسانها فطرتاً معرفت طلب هستند برای استقامت بر سر ارزشهای انقلاب حتی در سختیها و تنگناها نیاز به ایدئولوژی دارند که قادر به تبیین ویژگیهای انقلاب باشد. تفسیر سوره "الحمد" امام خمینی گامی بود در این راه که متأسفانه تا تمام نماند. اکنون آموزشهای درندهای انقلاب رایج شده که به هیچ وجهی قادر به تبیین ارزشهای انقلاب نبوده و در مواردی ترسز حرکتی انقلابی نیز میباشد. از آنجا که شهید مطهری وحدت ایدئولوژیک عمیقی با امام خمینی داشتند محورهای آخرین دستاوردهای ایشان را که در مجموعه‌های بنام "مبانی اقتصاد اسلامی" گردآوری شده است نقل میکنیم تا شروعی باشد در جهت آموزش ایدئولوژی که بتواند انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را حفظ نماید.

عدل ملاک دین

"اصل عدالت از مقیاسهای اسلامی است

که با بدیدجه چیز در او منطبق میشود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفت عدل است بلکه آنچه عدل است دین میگوید این معنی مقیاس بودن عدالت است برای دین، پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین مقدسی اقتضا میکند که بگوئیم دین مقیاس عدالت است، اما حقیقت اینطور نیست این نظیر آن چیزی است که در باب حسن و قبح عقلی میان متکلمین راجح شد و شیعه و معتزله عدلیه شدند، یعنی عدل را مقیاس دین شمردند نه دین را مقیاس عدل. به همین دلیل عقل یکی ز عدله شرعیه قرار گرفت تا آنجا که گفتند: "العدل والتوحید علویان والجبر والتشبهه أئوبیان" (ص ۱۴-۱۵)

راه مجاهد: بنظر میرسد استدلال شهید مطهری این بوده باشد که عدل صفت ذاتی خداست و دین به معنای مجموعه احکام صفت فعل خدا میباشد. و مسلماً "صفت ذات که عین ذات است به صفت فعل تقدم دارد.

عدل ملاک فقه

"اصل عدالت اجتماعی با همه احمیت آن در فقه ما مورد غفلت واقع شده است و در حالیکه از آیاتی چون "بالوالدین احساناً" و "وفوا بالعقود" عموماً تفسیر در فقه بدست آمده است ولی با این همه تا کیدی که در قرآن کریم بر روی مسئله عدالت اجتماعی داردمعنا یک قاعده و اصل عام در فقه آن استنباط نشده و این مطلب سبب رکود تفکر اجتماعی فقهای ما گردیده است... انکار اصل عدل و تا شورش کبیم و بیش در افکار، مانعی شده فلسفه اجتماعی اسلام رشد کند و بر مبنای عقلی و علمی قرار بگیرد. و راهنمای فقه قرار بگیرد، فقهی بوجود آید غیر متناصب با سایر اصول اسلام

و بدون اصول و مبانی و بدون فلسفه اجتماعی" (ص ۲۷)

راه مجاهد: اما منیز در پیام حج از علما و جوانان خواستند که روی آیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی قرآن کار کنند. بنظر ما علت اصلی پیدایش گروههای جدا از تشکیلات حوزه‌ها این بوده که جوانان بدنبال اسلام راهنمای عمل بوده‌اند. و حوزه‌ها چنین چیزی را ارائه نداده‌اند. امیدواریم با رهنمودهای امام، تحولی در جهت قرآن راهنمای عمل پیداشود که طبعاً "به نیازهای شهید مطهری هم پاسخ داده میشود.

پیوند اخلاق با اقتصاد

"اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد، مستقیم و غیر مستقیم. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً "یک سلسله مقررات اقتصادی... دارد... پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است... اسلام مردم را توصیه میکند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی، خیانت، رشوه. همه اینها در زمینه ثروت است، و با قسمتی از قلمرو این مفاهیم ثروت است. تا حدود مسائل اقتصادی روشن نشود حدود عدالت و امانت و عفت و احسان و همچنین حدود دزدی و خیانت و رشوه روشن نمیشود. (ص ۳۴-۳۵)

راه مجاهد: بنظر ما اگر اخلاق اسلامی که یک اخلاق فطری و غیر قراردادی است تحقق یابد مسلماً "به اصل مالکیت خدا و امانت بودن کالاهای اعتباری بودن مالکیتهای قراردادی پی میبریم. و حدود و ضوابط اقتصاد هم معلوم میشود شهید مطهری در کتاب "یادنا شهید مطهری" تحت عنوان "اخلاق و جاودانگی اخلاق قراردادی را بشدت رد کرده و آنرا یک چیز غربی و ناشی از خود محوری میدانند رابطه عدالت و حکومت اسلامی

"... امیرالمومنین خود فلسفه پذیرفتن امر خلافت را با این همبستگی داشت که دارد برقراری عدالت میداند میفرماید: "لَوْلَا حُضُورُ الْحَاقِ بِرُوقِيَا مُ الْحَجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرُونَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَيْقًا رَوَا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَغْبٍ مَظْلُومٍ" خلیفۃ "سوگند به خدای... اگر نبود این جمعیت موجود و تمام حجت بر من از راه وجودیاریان و مددکاران برای گرفتن حق الهی و اگر

نبود که خداوند از علما پیمان گرفته است که سکوت و موافقت ننمایند، بر پر خوری و کم کاری ظالم و پایداری شدن مظلوم، مهارت شتر خلافت را بر پشت آن می انداختیم و حکومت را نمی پذیرفتم.

و آیا آنکه به ابن عباس میفرماید: این کفش چقدر قیمت دارد؟ میگوید: قیمتی ندارد میفرماید خلافت و ریاست و حکومت از این سازه کفش هم در نظر من بی قیمت تر است مگر آنکه اقامه حق یا رد باطلی کنم.

راه مجاهد: امام علی (ع) خلافت را برای اقامه حق و رد باطل میپذیرد و به قول امام خمینی حفظ نظامی که برای اقامه عدل تشکیل شده است از واجب واجبات است بنا بر این حفظ نظام اسلامی در گرو اقامه عدل و اسلامی کردن شیوه‌ها است

بديهيات اوليه در علم اقتصاد

"ما برای این علم (علم اقتصاد) باید اصول اولیه‌ای در نظر بگیریم که آن اصول مورد اختلاف نباشد و آن علم واحد نخواهیم داشت... باید ببینیم اصولی که مردم جهان یا عقل صریح خود ما آنها را مسلم همیشه رد چیست؟

- الف - عدل و مساوات
- ب - پرهیز از استعمار... این اصل از فروع اصل عدالت است.
- ج - مسئله حقوق طبیعی و تکوینی که حق ریشه‌گاشی وفا علی دارد.
- د - سوسیالیستها قطع رابطه بین سرمایه و کار را یک اصل مسلم می‌شمارند ولی ما آن را قبول نداریم.

(ص ۱۹۹ - ۲۰۰)

عدل صفت ذاتی خدا و دین به معنای مجموعه احکام صفت فعل خداست و مسلماً صفت ذات که عین ذات است به صفت فعل تقدم دارد

راه مجاهد: بنظر میرسد که شهید مطهری از بدهاوت وجود به بدهی بودن عدل یعنی صفت ذاتی خدا و ندرسیده اند و عدل الهی را اصول اولیه‌ای برای روابط پدیده‌ها (روابط اقتصادی) محسوب کرده‌اند. حال اینکه مبنای آمار و اقتصاد دکلاریک غرب و مددکاران برای گرفتن حق الهی و اگر

فطرت شما توجه به خدا دارد، خودتان متوجه نیستید، همه فطرت‌ها توجه به خدا دارد
امام خمینی

دردفاع از فقه چهارده معصوم فلسفه اصالت خدایا اصلت مالکیت

یکی از فعالین انقلاب اسلامی میگفت در عین ارادت که به سنت انبیا و ائمه و فقه چهارده معصوم دارم، اخیراً سئوالهایی برایم مطرح شده است. سئوالهایی که من را به سوی تعمیق بیشتری در معنای مفهوم فقه میکشاند. بخصوص اینکه من بینم بدلیل ویژگی مکتبی بودن انقلاب، فقه به عنوان مکتب دارد زیربنای همه قوانین و مایه اصلی همه تصمیم گیری ها میشود.

وقتی در سال ۴۱ شاه شعار اصلاحات ارضی داد با آن به مخالفت برخاسته و موضعگیری کردند. چرایش از فقه روی جهاد سازندگی و هیئت های تقسیم زمین که زمین هارا از فئودالها میگیرند و به کشاورزان مستضعف میدهند، حساس بوده و میگویند اینها از شاه هم بدتر کرده اند ولی روی تروریسم که جان مردم را میگیرد حساسیت نداشته و تا به حال حتی يك اعلامیه هم علیه آن ندادند. روی جنایات ضد انقلاب در کردستان حساسیت نشان نمی دهند ولی روی تقسیم زمین و تغییر روابط مالکیت در آنجا حساسند. چقدر حوزه ها بحث های مفصلی روی عقود و معاملات و مکاسب و... میشود و حدود و ضوابطی برای آن تعیین میشود ولی روی جهاد و احکام مربوط به جهاد امر به معروف و نهی از منکر، شکنجه و امور زندانها و... صحبتی نمیشود. با اینکه دیکتاتوری و مالکیت اشتراکی روجوه از کمونیسم هستند، چرا با هرکس که انسداد گزایشی به مالکیت دولتی داشته باشد سرعت از طرف بخش وسیع، از فقه به کمونیسم و

چرا برخی از فقها وقتی شاه علیه نهفت ملی و دکتر مصدق کودتا کرد، عکس العملی نشان ندادند و حتی تأییدش هم کردند ولی

التقاطی بودن متهم میشود ولی هیچ وقت دیکتاتورها و سیستم دیکتاتوری سلب آزادیها را به این مرام منتسب ننموده و هیچ حساسیتی در مقابل آن نشان نمیدهند. چرا برخی از روحانیون وقتی صحبت از اجرای بند ج و تعدیل مالکیت بعنوان حکم ثانویه پیش میاید، تمامی شرایط را برای اثبات اضطرار لازم میکنند و به سادگی تن به اجرای این گونه لوایح نمیدهند ولی اگر اصل ۳۸ قانون اساسی (اصل منوعیت کسب اقرار از متهمین با بکارگیری شیوه شکنجه) بعنوان اضطرار زیر پا گذاشته بشود هیچگونه اعتراضی نمیکند حال آنکه تعدیل مالکیت (در صورت اجرا) نهایتاً مال فرد را به خطر می اندازد ولی عدم اجرای اصل ۳۸ جسدان سلامت وجودی آنها را مورد مخاطره قرار میدهد.

بها و گفتم بنظرم میرسد که در بینش فقهی اینگونه فقها بیش از آنکه انسان خدا جو اصلت داشته باشد مالکیت اصلت دارد... و حتی اصل عدل را هم تحت الشعاع خود قرار داده است.

چرا برخی از فقها برای اینکه حداقل تعدیل مالکیت انجام شود مدجور طرح و لایحه برای از بین بردن اضطرار ارائه می دهند ولی هیچ گاه در صدر بر نیامده اند که طرحی برای اجرای عملیات در جنبه ها بدهند به گونه ای که کمترین مقدار شهید را

مبارزه با طاغوت رسانند و این راه را هر آینه توحیدی است و نیازی به فتوا ندارد. ثالثاً - اگر اذکال کنندگان هدفشان تفرقه انداختن نیست چرا به این توجه نمیکند که اگر مبارزه را یک امر فتوایی هم بدانیم امام فتوای براندازی رژیم سلطنتی را داده بودند و همه جا میگفتند مثل امام حسن (ع) عمل کنه چون موسی (ع) بر علیه فرعون بعوریده همت و عسای موسی را داشته باشی... مجاهدین نیز خلاف آن نکردند. رابعاً - چرا روحانونی که در ایران بودند و از نزدیکان امام نیز بودند عملیات چریکی مجاهدین را تأیید میکردند آیا واقعا عملیات اعدام انقلابی ژنرال برای ما و کینز ملاحری مرثیسی گسارد ناستگاه و انفجار مجله این هفته که عامل فساد بود و عملیات انفجار چینی های ۲۵۰۰ و ۳۰۰۰ مورد تأیید امام نیست؟ خامساً - چرا در تفکر شما آن کسی که میخواهد علیه رژیم مبارزه کند فتوا لازم دارد ولی کسی که در خانه نسته و هیچ حرکتی نمیکند و راه سکوت و سازش را در پیش گرفته بودند فتوا لازم نداشتند در منطبق شما سکون امری طبیعی است و فتوا نمخواهد ولی مبارزه دفاعی بربر است و فتوا امریکا و سلطنت امری استثنایی است و فتوا میخواهد که این با منطبق شما الحسوه عقیده و جهاد "اختلاف دارد" آیا هیچ فکر کرده اید معهود حسن فهمیده (که غیر قانونی به جبهه رفته بود) برای عملی که انجام داد از کسی فتوا نگرفته بود و اینکه امام او را رهبر نامید چگونه قابل تبیین است.

رژیم و ضربه پذیری او را نشان ندهیم و در دفاعیه اش این مسئله را توضیح میدهد. حال با توجه به تحلیل امام نسبت به حرکت لانه و ویژگی مجاهدین که ثبات شکنی بود و هم تحلیل خود مجاهدین از عملیات چریکی چگونه میتوان گفت که امام با عطف ثبات شکن مجاهدین مخالف بوده است؟

مبارزه مسلحانه فتوا لازم دارد؟

عده ای میگویند گروه شهید بخارایی که مبارزه مسلحانه میکردند برای این امر از مجتهدین فتوا گرفتند و لذا مورد تأیید روحانیت قرار گرفتند و نیز حزب ملل اسلامی که معتقد به مبارزه مسلحانه بودند آقای جنئی بر کارها نشان ناظر بود و با فدائیان اسلام هم به همین گونه عمل کردند. ولی مجاهدین برای امر مبارزه مسلحانه و ترور اعضاء از روحانیت فتوا نگرفتند و خود سرانه عمل کردند و لذا نمیتوان مبارزه آنان را تأیید کرد. جواب - اولاً مبارزه با ظلم يك امر فطری دفاعی و ناشی از بنیادیت طلبی انسان است و نیازی به فتوا ندارد بلکه يك امر اصولی است و اصول ولایت بر دار نیست یعنی اگر مجتهدی فتوا بر نفی مبارزه با ظلم بدهد از اجتهاد ساقط میشود. یکی از ملاکهای ولایت فقیه عدالت است. (کتاب ولایت فقیه) حال چگونه لزوم عدل و مبارزه با ظلم را از فتوای مجتهد در آوریم. مجاهدین نیز همچون همسنگهای شععی از فطرت عدالت طلب خود به لزوم

بقیه از صفحه ۶ عملیات محدود رسیده بودند و حتی برای جشنهای ۲۵۰۰ ساله سلطنتی که در مهرماه ۱۳۵۰ بود نیز بران آماج دگی عملیات نداشتند. ولی حنیف نژاد گفت باز آنها که امام خمینی این جشنها را تحریم کرده اند و رابطنی هم نداشتیم که تمایل نجف را منعکس میکرد. سعی میکنم قسمتی از سازمان را برای عملیات در جشنها آماده کنم میرزا مجاهدین خارج از کشور، مستقل از داخل بود و کارهایی میکرد که ربطی به داخل نداشت و سازمان داخل با انتظار نهریه جنگل (نهریه خارج از کشور) مخالف بود. و جریان تراب حق شناس که اوایل سال ۵۱ بود امام رفته بود از جمع بندی نیرون سازمان در اوایل سال ۴۹ اطلاعی نداشت. ثالثاً - امام در تحلیلی که از حرکت لانه جاسوسی کردند ویژگی اصلی وجوده آنها این نداشتند که خوف امیریا لیسرا بر دلها شکست یعنی این همه تجلیل و بزرگداشت از حرکت لانه بر میگردد به اینکه این حرکت نشان نا نامریکا با همه عظمت ظاهریش ضعیف و ضربه پذیر است و بقول آیت الله منتظری شیر برفی است. عمل تسخیر لانه در واقع نهنمت مردم را نسبت به امریکا شکست که این خود زمینه انقلاب بزرگتر است مجاهدین تحلیلگران از عملیات علیه رژیم این بود که در مرحله اول ثبات و ابهت رژیم در انهان مردم بشکند. بقول مجاهد شهید علی میندوست - "جنگ شهری اصولاً جنگ روانی است و هدفش همین است که ضعف

این تجیزات نیست که میبکند، این انسان الهی شده است که میبکند

پسگیری سخنان امام

در هیئت دولت

بسم الله الرحمن الرحيم

امام خمینی در شهریور ماه سال ۶۵ در دیدار با هیئت دولت و ریاست جمهوری بیانات مهمی ایراد نمودند. ایشان ضمن هشدار به قلمشاهی که دولت و نظام در حال جنگ جمهوری اسلامی را تضعیف می کند قریب به این مضمون فرمودند که "عده ای نا آگاه و عده ای آگاهانه در این جریان وارد شده اند که اینهاست که آگاهانه حرکت میکنند ممکن است شناسائی هم شده باشند."

بدنبال این سخنان با لایحه روزنامه رسالت با اکراه پذیرفت که بیش از دیگران مخاطب آن صحبت ها بوده است. ولی دیگر مشخص نشد که منظور امام کدام قلمها و مطالب بوده که اسلام و جمهوری اسلامی را تهدید می کرده و آن افراد آگاه و نا آگاه چه کسانی بوده اند. پس از مدتی هم با شروع دستگیریهای آقای مهدی هاشمی و دوستانش کلا آن پیام و آن جریان به بوته فراموشی سپرده شد.

در مدتی آید جهت شناخت بیشتری از جریان نوقه که دست نخورده باقی مانده است، یکی از مطالب منتشر شده در روزنامه رسالت را که بنظر می رسد مشمول آن صحبتها بود، معرفی و نقد کنیم. مطلب مزبور یادداشتهای آقای زواره ای است تحت عنوان "آیا شورای نگهبان باید مصوبات مجلس را با شرع و قانون اساسی تطبیق دهد یا اراده اشخاص؟" که درش قسمت در روزنامه رسالت به چاپ رسید.

البته انتظار بود که خود روزنامه رسالت از کنار انتقادات امام ساده نمی گذشت و به ریشه یابی در مواضع خود می پرداخت. ولی بهر حال عدم توجه آن نشریه به این موضوع ما را بر آن داشت که در این زمینه قدمهایی از روی دلسوزی برداریم. هر چند که این مسئولیت کماکان برای گردانندگان آن نشریه به جای خود باقی است.

هدف یادداشتها

بدنبال توطئه کاهش قیمت نفت از سوی کمپانیهای نفتی، روزنامه رسالت حرکت خود را با شعار و مقاله "کاهش درآمد نفت و نوید مسرگ دولت سالاری" تشدید کرد و با لایحه آقای زواره ای طی سرمقاله های خود مطالبی را عنوان نمود که دیگر مشخص میگردم مسئله از حد حاکمیت مخالفت سیاسی - ایدئولوژیک گذشته و جریان فوق میگوید شدت ادبیک حرکت تهدیدآمیز دولت را وادار به تسلیم و کناره گیری کند.

آقای زواره ای در قسمت پنجم از مقالات خود در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۵ در روزنامه رسالت درست امروز قبل از بیانات امام چنین میگوید: "۰۰۰ در اینجا با کمال معذرت از علما و فضلاء حوزه های علمیه به خصوص حوزه علمیه قم، گله ای دارم. چرا در مقابل این حملات و ابهاماتی که دارند برای مردم به

اساسی به این امر اقدام نموده است. اولاً در اسلام جز خداوند متعال هیچ فرد و موجودی غیر مسئول و غیر قابل انتقاد و نصیحت نیست. حتی ائمه معصوم ما هم خود را در چنین مقامی قرار نداده اند. به اعتقاد ما جز انبیاء و ائمه معصوم (ع) هیچ فردی نظرات و مواضعش نمی تواند غیر قابل تجدید نظر باشد و هر کس چنین ادعائی کند نه تنها خود را معصوم دانسته بلکه این خودنقطه شروع انحراف و استکبار است. انحراف شیطان هم آنطور که قرآن کریم روشن میکند همین بود که حاضر نشد در برتری خود نسبت به انسان تجدید نظر کند و به استکبار افتاد.

انحراف نظامهای سلطنتی و استبدادی هم همین است که شاه و دیکتاتور غیر مسئول تلقی شده و هیچکس حق اعتراض و انتقاد به آنها ندارد. اگر آقای زواره ای نسبت به امام که ولی امر جامعه است چنین ادعائی میکرد اینقدر جای تعجب نداشت. هر چند که قانون اساسی مقام رهبری را هم غیر مسئول نمی داند و یکی از وظائف مجلس خبرگان را نظارت بر امر رهبری قرار داده که حتی قدرت عزل آن مقام را هم دارد.

نتیجه اینکه موازین اسلامی و روح قانون اساسی هیچ مقامی را در جمهوری اسلامی غیر قابل انتقاد و غیر مسئول ندانسته و هیچ تصمیم و اراده ای را از جانب هر مرجعی که باشد غیر قابل تجدید نظر قرار نداده است.

ثانیاً خود فقها هم ادعا ندارند که صالحترین افراد در تشخیص موارد و موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند. آنها معتقدند که فقه در امور کلی نظر دارد و انتخاب موضوع و مصداق را در انحصار خودشان قرار نداده اند. ولی آقای زواره ای کاسه داغ تراز آش شده اند.

اگر با منطق آقای زواره ای بخواهیم راجع به عملکرد آیتا... شریعتمداری قضاوت کنیم، به این نتیجه میرسیم که شرکت او در کودتایک حرکت اسلامی و عمل به وظیفه شرعی اش بوده و کسی هم حق اعتراض و انتقاد به او ندارد. و اصلاً این مردم بیخبر از فقه و اصول به چه حقی به خیابانها آمدند و گفتند که "مرجع آمریکائی اعدام باید گردد." مگر کسی صالحتر از یک مرجع برای تشخیص مورد و موضوع وجود دارد؟

آقای زواره ای حتی پارافرازی کرده اند و میگویند که هیچکدام از اعضای شورای نگهبان هم نمیتوان انتقاد کرد. حال اگر عضوی از شورای نگهبان به

موافقین و مخالفین نهاد شورای نگهبان تقسیم کند و این اختلاف را بصورت اصلی ترین تضاد انقلاب جلوه دهد. به نحویکه باعث میشود جنگ و دشمنان اصلی انقلاب یعنی توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم بکلی فراموش شود و نیروهای درون انقلاب را به جان هم بیندازد.

نکته دیگر اینکه تمام کسانی که درباره ای امور به شورای نگهبان و یا برخی لویح مجلس انتقاداتی دارند، هیچکدام مخالف "نهاد" شورای و با تحقق بخشیدن به اسلام در امور مملکتی نیستند. بلکه به عکس تمام این انتقادات برای رشد و تحکیم چنین نهادی است. زیرا آنچه که شورای نگهبان و مجلس را تضعیف میکند در جامعه مورد سوال قرار میدهد، مواضع غیر اصولی و فاصله گرفتن آنها از اهداف و خط مشی اسلامی انقلاب است.

انتقاد به عملکرد و یا مواضع اعضای شورای انباید رندانه به تضعیف و مخالفت با نهادهای قانونی جمهوری اسلامی نسبت داد و جامعه را به تفرقه و رودرروئی های کاذب و غیر واقعی کشاند. تشدید اینگونه اختلافات و ایجاد چنین قطب - بندیهای نه تنها به سود انقلاب نیست و موجب بهره برداری دشمنان اصلی انقلاب میگردد، بلکه باعث میشود که اختلافات فکری و برداشتهای مختلف از اسلام نیز در محیطی مناسب حل نشده و باب اجتهاد و آزاداندیشی بسته شود.

۲- "شورای نگهبان، نهاد غیر مسئول"

رسالت - ۶۵/۵/۳۰ قسمت دوم مقالات "۰۰۰ ایراد و اعتراض به نظر شورای نگهبان خلاف قانون اساسی است که به آن رای داده ایم و آنرا قبول داریم. زیرا در قانون اساسی محلی برای

انتظار بود که خود روزنامه رسالت از کنار انتقادات امام ساده نمیگذشت و به ریشه یابی در مواضع خود می پرداخت.

ایراد و اعتراض وجود ندارد. ۰۰۰ آقای زواره ای به چند دلیل شورای نگهبان را غیر مسئول و غیر قابل انتقاد میدانند: ۱- قانون اساسی: میگوید که قانون محلی و راهی برای ایراد و تجدید نظر در مصوبات شورای نگهبان قرار نداده است. ۲- صلاحیت فقهی: میگوید که فقها، و مراجع صالحترین اشخاص برای اظهار نظر در خصوص مورد هستند و کسی نمیتواند در صلاحیتشان شک کند. ۳- نحوه انتخاب: ملت انتخاب فقهای شورای نگهبان را به رهبر یا شورای رهبری واگذار نموده و مقام رهبری هم با استفاده از اختیارات قانون

اگر واقعاً اینها عیاشان علاج درد است، چرا دست خود را به سوی امام و آیت ۰۰۰ منتظری دراز نمی کند؟ مگر کسی در روحانیت بیش از این دویزرگوار دلسوز برای انقلاب و اسلام وجود دارد و بیش از رهبر و قائم مقام رهبری از صلاحیت و نفوذ کلمه برای حل مشکلات انقلاب برخوردار است؟

آیا این سخنان معنی اش جز تحریک روحانیت، حوزهای علمیه و مراجع به قیام علیه دولت در منابر رسانه ها و حتی بلندگوهای نماز جمعه است؟ آیا ایشان در حقیقت نمی خواهند امام و آیت الله منتظری را در تنگنا و فشار برای دست کشیدن از حمایت دولت قرار دهد؟

بنظر می رسد امام نیز با مشاهده چنین مطالبی احساس خطر نمود و با آن لحن سخن گفت. حال به بررسی اجمالی محورهای از مطالب آقای زواره ای تحت عنوان "آیا شورای نگهبان باید مصوبات مجلس را با شرع و قانون اساسی تطبیق دهد یا اراده اشخاص؟" میپردازیم:

۱- "دوقطبی کردن انقلاب" آنچه که در طول این مقالات بوضوح دیده می شود سعی بر این است که انقلاب را به دوقطبی

سپه حق و آ، بسوی کربلا شد بدف این دلیران حرم کربلا شد

ثالثا اینکه اعضای شورا منتخب امام امت هستند لیلی بر مصونیت آنها از خطا و اشتباه و سب و ملامت مطلق آنها نیست. زیرا که انتخاب رهبری نشاندهنده خیرالموجودین است نه اینکه رهبر مصومیت آنها را تضمین نموده است و یا حتی ملامت آنها را در دست تایید کرده باشد. بسیار اتفاق افتاده که حتی خود امام به عدم صلاحیت افرادی که برای سمتهای گوناگون انتخاب کرده اند اقرار کرده و حتی فرموده اند که من در مورد آنها اشتباه کردم.

بنظر میرسد اینگونه تاییدهای مطلق در این مجالات از یک نهاد، پیش از آنکه ناشی از اعتقاد ایشان باشد، از اهداف سیاسی برخوردار است. محتوای مطالب آقای زواره‌ای نشان میدهد که منظور نویسنده از اینهمه تایید و بزرگ کردن شورای نگهبان در حقیقت کوبیدن دولت و جریانهای است که آقای زواره‌ای با آنها سرخوست دارد. زیرا ابتداء در خصوص لایحه مجازات محتکرین نظر دولت و عده‌ای از نمایندگان را منافی با نظر شورا معرفی کرده و سپس آنها را دست به تایید و تکریم شورا می زند.

۳- "تقدم دادن اقوال مشهور فقها، بر اجتهاد زنده امام"
آقای زواره‌ای در موارد متعدد معیار شورا را نگهبان را در بررسی مصوبات مجلس "کتاب و سنت" و "اقوال مشهور فقها" ذکر میکند و تنها در یک مورد به فتوای امام خمینی آنها را پس از اقوال مشهور فقها اشاره دارد.
اولا- اینهمه تاکید روی اقوال مشهور فقها، به چه منظوری است. اگر مقصود آقای زواره‌ای فقها

زنده و معاصر است که این مخالف خواست مردم و مسیر انقلاب است. زیرا در میان فقها و مراجع موجود این امام امت بوده است که بابتش اصیل خود توانسته است انقلاب را رهبری کند و مردم هم در میان عمل صالح زمان به صلاحیت ایشان پی برده، و آنرا تصدیق کرده اند.

اگر هم فقها گذشته منظور است که اینهمه پذیرفتنی نیست که شورای نگهبان فتاوی امام را بر آیت ۱۰۰۱ منتظری را که اجتهادی زنده و متناسب با واقعتهای موجود انقلاب است، در مرتبه بعد از آنها مورد توجه قرار بدهد.

این شیوه را در گذشته انجمن حجتیه هم بکار می برد. جریان حجتیه در بسیاری امور با نظرات و اجتهاد زنده امام مخالف بود، ولی جرات اعلام آنرا نداشت. لذا در بسیاری از اطلاعیه ها و نوشته ها پیش سعی میکرد "روحانیت اسلام" و "آیات عظام" را مقدم بر امام خمینی ذکر کند.

گویا آقای زواره‌ای مواضع خود را بیشتر نزدیک به نظرات فقهای دیگر می بیند تا نظرات امام و آیت ۱۰۰۱ منتظری و لذا با ظرافت خاصی اینگونه برخورد می کند.

۴- "انگیزه انقلاب اسلامی و قیام ۱۵ خرداد"

رسالت ۶۵/۶/۳ قسمت سوم
"در جریان پیروزی انقلاب، قبل از هر چیز مردم اقدام به برچیدن مراکز فساد نمودند. مشروب فروشها، کبابها، سینماها و دیگر مراکز فساد مورد هجوم مردم مسامان قرار میگرفت. مردم در راه پیمایشها و تظاهرات افرادی حجاب متهدک را به درون صفوف خود راه نمی دادند.

حتی بخاطر دارم روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بعد از ظهر در میدان خراسان که در آن زمان مدخل شهر تهران از شرق کشور بود مردم به اتومبیلهایی که سرنشین

بی حجاب داشت و از خارج تهران قصد ورود به شهر را داشتند اجازه ورود نمیدادند، مگر اینکه پوشش مناسبی بپوشند..."

هنوز بیش از ۸ سال از پیروزی انقلاب و سرنگونی سلطنت وابسته نمی گذرد، ولی آقای زواره‌ای چهره آنرا چگونه دیگری ترسیم میکند.

اولا- انقلاب اسلامی ماقبل از هر چیز حرکتی بود علیه سلطنت وابسته و برای رسیدن به یک حکومت عادلانه، اگر مردم با فساد هم مبارزه میکردند، از آن جهت بود که فساد راه نوعی وابستگی تلقی می کردند که جامعه را از وابستگی و قیام در راه خدا باز می میدارد. در همه شعارهای انقلاب اسلامی لبه تیز علیه شاه، امپریالیسم و صهیونیسم بود. اگر هدف مردم قبل از هر چیز مبارزه با فساد می بود، شاه هم که حاضر بود برای بقای خودش بابتی حجابی و شرابخواری مبارزه کند. چنانچه رژیمهای مثل نمری و سنیامیر غم و وابستگی آشکارشان چنین کردند و حتی آنقدر در اسلامیزه کردن (اسلام بمعنای اجرای احکام) جامعه پیش رفتند که حالا در سودان دارن قدری کارهای آنها را تعدیل میکنند.

ثانیا- اگر انگیزه اصلی انقلاب را مبارزه با فساد بدانیم، عافیت طلبها و قاعدین در زمان رژیم سابق تیرته خواهند شد. زیرا آنها استدلال میکردند که اگر ما مبارزه کنیم و به زندان برویم زن و فرزندمان بدون سرپرست شده و به فساد کشیده خواهند شد. اگر هم با زن و فرزند وارد مبارزه شویم، آنوقت معلوم نیست که ساواک به سرشان چه خواهد آورد. با این منطق لابد امام حسین (ع) عرق اسلامی ندافت که زن و فرزندش را به میدان مبارزه برد؟ و اصلاح هر که در این مملکت مبارزه کرده است محکوم خواهد شد. شاید امثال آقای زواره‌ای هم با این نوع استدلالها قبل از انقلاب دست به کاری نمی زدند.

ثالثا- خوب بخاطر داریم شاه ساواک برای اینکه چهره قیام ۱۵ خرداد را که دارکنند و حرکتی را که برای مبارزه با اصلاحات آمریکائی شاه و وابستگی به آمریکا و اسرائیل و اعتراض به بازداشت امام خمینی شروع شده بود، سرکوب نمایند، عده‌ای از او با شردار این روزها مور کردند که به مدارس دخترانه و زنان بی حجاب حمله کنند تا رژیم هم بهانه لازم را برای ریختن خون مردم پیدا کند.

لایه آقای زواره‌ای هم فریب همان توطئه رژیم را خورده اند.

استاد به محکوم و یا مواضع شورا را باید زندان به تصنیف محالست با نهادهای قانری جمهوری اسلامی نسبت داد.

بهر صورت اینکه بگوئیم انگیزه اصلی قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی مبارزه بابتی حجابی و تداوم آن مبارزه با بدحجابی است، قبل از همه دل سلطنت طلبها را شاد میکند و سرکوب مردم را توجیه مینماید.

نتیجه:
آنچه در مجموع از این مقالات متوجه می شویم اینست که هدف نویسنده بی اعتبار کردن دولت و مسئولان خط امام است. و از طریق قطب بندی نظام به حامیان شورای نگهبان و فقه و احکام اولیسه و مخالفین آنها میکوشد و روحانیت، حوزه‌های علمیه و شورای نگهبان را به قیام علیه خدمتگزاران انقلاب و جنگ که مورد تایید رهبر و قوام مقام رهبری هستند، دعوت کند.



بقیه از صفحه ۱۶

انجیل ریگان یا فلسفه کمپ دیوید همه شنیده ایم که ریگان انجیلی برای مسئولین فرستاده بود. آیه‌ای از انجیل استناد کرد که میگوید همه ادیان الهی با هم برابرند.

جالب اینجاست، سادات هم که برای امضای قرارداد کمپ دیوید رفته بود میگفت ما مسلمانان با یهودیها و مسیحیها همه معتقد به خدا ایم و قرارداد کمپ دیوید اتحادی است از اهل کتاب. سادات میخواست قرارداد کمپ دیوید یعنی اتحاد امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع عرب را بصورت قابل قبولی برای مردم مذهبی جا بزند. عده‌ای هم هستند که آگاهانه و یا ساده اندیشانه ملاک دوستی و دشمنی را فلسفه "بود و نبود" دانسته و معتقدند با هر تیری و بی و یا کشوری که بخدا معتقد است اتحاد استراتژیک داریم. توجه داشته باشیم که این اعتقاد چیزی جز کمپ دیوید خرنده نیست.

صدام بوده و ثبات ایدئولوژیک حزب بعث منهای شبکه بین المللی آن نیز وابسته به صدام است اگر صدام سرنگون شود به این ثباتهای چهارگانه ضربه هولناکی خواهد خورد به عنوان مثال وقتی شاه رفت ساواک نیز متلاشی گشت و ارتش تسلیم شد و کلا مملکت به دست انقلابیون افتاد.

اینها معتقدند ثبات عراق به سان پیکره انسانی است که صدام به منزله سر و جریان نفت به منزله خون و حزب بعث و ساواک مان امنیتی و ارتش عراق بدنه، این انسان را تشکیل می دهند. اگر به سر این پیکره که صدام باشد حمله شود به سان رکان نیز ضربه خواهد خورد و همزمان با تمرکز روی صدام بایستی به ثبات نفتی، امنیتی، نظامی ضربه زد منتهی با حفظ الویتها و اصل و فرع کردن. هم اکنون حذف صدام شرط جمهوری اسلامی برای مذاکره و صلح عادلانه است. امیدواریم که با حذف صدام اندیشه، تجاوز ابرقدرتها و زورمندان حذف شده و اسرائیل غاصب متجاوز هم به دست انقلابیون فلسطین بیفتد.

امیدواریم که تلاش فوق گامی باشد در جهت بهتر شناختن و بهتر مبارزه کردن با بعث متجاوز عراق و از برادران دلسوز در داخل و خارج نظام جمهوری اسلامی می خواهیم این تلاش را تعقیب و تکمیل نموده یا از انتقادات خود ما را بهره مند سازند.



شود که تحقق آن در این شرایط حذف صدام آتش افروزی باشد و الا جنگ تا دستیابی به کانونهای آتش در هر کجای عراق که باشد ادامه دارد. این قصاص حق ملت ایران است و از حقوق مردم عراق مستقل می باشد، البته بایستی حرکتی را بکنیم که آنها را فلج کنیم.

ثانیا- به دلیل جنگ رها بخت مردم عراق که فریاد دیا للمسلمین آنها بلند است و از رهبران انقلاب کمک خواسته اند. در این رابطه بایستی در کا در جنگ رها بخت حرکت جوهری در درون عراق را تقویت نموده و نیروهای مسلح ما به عنوان یک شرط کمکی و هماهنگ با داخل عراق عمل نمایند.

ثالثا: "به دلیل رهایی قدس شریف و مبارزات رها بخت فلسطینیان و تحاوز اسرائیل به بلاد مسلمین که به حکم قرآن سسر همه مسلمین دفع تجاوز از طریق مبارزه مسلحانه واجب است. البته عراق با عملکرد خودش نشان داده مانع آزادی قدس می باشد علت تجاوز عراق به ایران وعدم مبارزه عراق با اسرائیل همین اراشه خط مشی آزادی قدس از جانب ایران بود. و بایستی با این مانع مبارزه کرد و ملت فلسطین و ملت ایران و ملت عراق و ملت لبنان و دیگر ملتها دست به دست هم داده و قدس شریف را آزاد کنیم.

ه- نظریه و خط مشی حذف صدام و ضربه به ثباتهای چهارگانه.

این نظریه معتقد است ثبات نظامی امنیتی و نفتی عراق وابسته به

بقیه از صفحه ۲۷

پایان مقاله موشکهای پیچیده به وابستگی می انجامد.

اینکا ر علاوه بر بی گناه کشی موجب مشروعیت صدام شده و به ثبات ایدئولوژیک بعثتها کمک می کند و نمی تواند مبارزه بنیادی با صدام باشد.

در رابطه با ثبات ایدئولوژیک بایست توجه داشت شعارهای صدام میریالیستی و ضد صهیونیستی که عراق مطرح می کند ناشی از فرهنگ ارتشهای عراق می باشد. و به کمک این شعار می خواهد ارتش خود را علیه ما بسج کند بایست توجه داشت که اگر اساس کار ما حرسای در درون ارتش عراق باشد می توانیم با این فرهنگ برخورد تعالی بخش کرده و آنها را جذب کنیم و در خط مشی آزادی قدس فعال نمائیم.

یکی دیگر از موارد ثبات ایدئولوژیک صدام سکوت مراجع عراق در برابر سرکوب و جنایات صدام می باشد. که این سکوت موجب تثبیت ایدئولوژیک صدام گشته است. پیشنهاد ما این است که هسته های اسلامی در دل مبارزه رهایی بخششان در درجه اول به یک انسجام قوی اسلامی رسیده و همزمان با ثبات ایدئولوژیک صدام درگیر شده و به پاکسازی سختیهای خود بپردازند و همزمان با اینکا ر از طریق مبارزه مسلحانه مکتبی ثبات امنیتی، نفتی و نظامی صدام را لرزاند و بشکنند.

به نظرمی رسد جمهوری اسلامی به دلیل برای تداوم جنگ دارد. اولاً به دلیل حکم قرآنی قصاص که بایستی متجاوز محکوم

دنیا اگر از زیر لیر نشود
با پشت به سالار رهبر نشینیم

نظریات بوجهت...

کوه تزلزلی و تغییر عقیده ای به خودشان زده نمی دهند. لذا به این نتیجه رسیدند که این جوانان انگیزه های ایدئولوژیک و آرمان خواهی دارند. تنها با تهدید، شلاق، زندان و اعدام نمی توان سرکوبشان کرد. باید به یک توجیه ایدئولوژیک حوان پسند ملج بود. این است که شاه اندیشمندان راد حزب رستاخیز جمع کرد و از دیالکتیک رستاخیز سخن به میان آورد.

رژیم شاهنشاهی هم با تمام سعی اندیشمندانش به ضعف ایدئولوژی خود پی برده بود. که دیگر یک ساواک و ارتش مزد بگیر نمی تواند در برابر نیروهای حق طلب و عدالت خواه مقاومت نماید.

گرچه امواج انقلاب به شاه فرصت نفس کشیدن و تثبیت ایدئولوژیک نداد ولی باید توجه داشت که حزب بعث عراق از این ویژگی برخوردار می باشد و اگر سازمان امنیت آن هم ضربه ای بخورد قدرت ترمیم و سازسازی دارد و نمی توان آن را با ایران قیاس کرد.

باید اها فاه کرد حتی پس از حذف صدام و انحلال سازمان امنیت و تغییر سازمان بدهی در ارتش نیز باید ایدئولوژی حزب بعث و شبکه بین المللی آن و وجه سرکوب گریش در منطقه یعنی عراق، سوریه، لبنان توجه داشت.

باید بدانیم تاهسته های انقلاب اسلامی عراق جنبه های سرکوب گری این ایدئولوژی را در درون خود پاكسازي ننمایند نمی توانند سقا و رزمندگی خود را تداوم بخشند.

مبادیک وقتی بواسطه بمبارانهای شهرهای شما و کشتن عزیزان شما همصان بشوید و جبران بکشید اینطورى. این انتقام از اونیست، انتقامتان را از صدام بگیرد و از حزب بعث. توجه کنید که مبادا حتی یک گلوله به طرف شهرهای آنها بیندازید همانطور که بهبهان مظلوم است، بصره هم مظلوم است، مندلی هم مظلوم است، همه اینها مظلومند اینها تحت ستم هستند.

ج - نظریه ثبات نفتی و خط مشی فلسج کردن صادرات نفت عراق :

صاحبان این نظریه معتقدند در آذربایجان نفت اساس ثبات نفتی وابسته عراق را تشکیل می دهد. و تا زمانی که ثبات نفتی عراق ضربه نخورد حزب بعث و سازمان امنیت آن و ارتش ضربه نخواهند خورد و امکان رهایی و قیام مردم هم بوجود نخواهد آمد چرا که بعضی ها اما " از طریق یک کودتای نفتی علیه مرحوم قاسم به حکومت رسیده اند و با تکیه به در آمدت محصول نفتی توانسته اند حزب بعث، سازمان امنیت و ارتش مگانیزه و مجهزه سلاحهای پیشرفته را بوجود بیاورند.

صاحبان این نظریه معتقدند که رفاه اجتماعی و ثبات اقتصادی که حزب بعث از این طریق در بین مردم بدست آورده است، ناشی از بخش کوچکی از درآمد نفت است نه تکیه به مردم. حال اگر کاری کنیم که صادرات نفت فلج گشته و بعضیها از درآمد

نفت محروم شوند، حمایت غرب نیز از آنها لغو و ثباتهای چهارگانه آن بهم می خورد و توده ها آزاد شده و قیامهای سرتاسری بوجود خواهد آمد.

باید توجه نمود که کمیانیهای نفت و شرکت های فراملیتی در بیوند با زمانهای حاسوسی سیا و انجلیخت سرویس قادرند ایدئولوژی های کاذب سرکوبگر نیز بوجود آورند.

چنانکه دیدیم در جنگ تحمیلی و این دفاع مقدس ماه هایت وابسته بودن ایدئولوژی بعث که تاکنون پنهان پیوده هویداشد.

در بررسی این نظریه باید گفت اگر ثبات نفتی عراق ضربه بخورد، ارکان بعث عراق بهم ریخته و متزلزل می شود ولی به علت پایگاهی که عربیت و آرمان خواهی عرب و شعارامت واحده عربی در بین مردم عراق و همچنین ایدئولوژی حزب بعث وجود دارد امیرالایم و ارتجاع عرب حزب بعث را کاملاً رها نخواهند کرد و به کمک آن میشتابند و حتی کمبود درآمد نفت آن را جبران می نمایند.

چنانکه وزیر دفاع عراق گفت: فخر و شرف و غرور عرب ایجاب می کند که حتی از آمریکا هم اسلحه بخریم ولی در این جنگ نیازیم. خط مشی فلج کردن صادرات نفتی پیشرفتهایی داشته است و توانسته که تا حد زیادی جلوی صدور نفت عراق را گرفته و با آن راضی پذیر نماید.

بعنوان مثال: عمده نفت عراق از بندر بصره صادر می شد که ابتدای جنگ متوقف گشت و بدون اجازه ایران امکان صدور ندارد. صادرات نفت خام از خط لوله سوریه به بدبترانه هم از ابتدای جنگ متوقف گشته است. در طول جنگ، عراق خط لوله رومیله بنسوع را تکمیل نمود که از این طریق میتواند ماهی ۵ روزه بحرا حمر صادرات

نفتی داشته باشد که تلمبه خانه رومیله هم ضربه پذیر بوده و دوبار بوسیله جمهوری اسلامی بمباران گشته است.

فعلاً قسمت اعظم صادرات نفت عراق از طریق نفت کرکوک به مدبترانه از مسیر ترکیه می باشد که این خط لوله توسط رزمندگان ایران و عراق در عملیات فتح ۲۰ ضربه پذیر گشته که عکس العمل بین المللی هم داشته است.

لازم به یادآوری است تا زمانی که خودمان در خط خودکفایی کامل و رهایی از درآمدت محصولی نفت گامهای بلندی برداریم، در اجرای چنین خط مشی قاطعیت پیدا نخواهیم کرد. اگر نه این خط مشی میتواند کاربرد زیادی داشته باشد.

این خط مشی می تواند رابطه صادرات نفت خام و خرید اسلحه پیشرفته که به نفع شرق و غرب است را قطع نموده و مخازن نفت را برای متصنّفین حفظ نماید.

صاحبان این نظریه معتقدند آنچه مانع رهایی و قیام مردم عراق است، ثبات ایدئولوژیک حزب بعث است و ثبات نظامی امنیتی و نفتی عراق مرهون ثبات ایدئولوژیک و کادرسازی و تشکیلات حزب بعث می باشد. آنگاه که ثبات ایدئولوژی بعث بشکند ثباتهای دیگر متزلزل خواهد شد.

هریک از ارکان رژیم عراق ضربه بخورد حزب بعث با کمک ایدئولوژی و سیستم آموزشی و کادرسازی سریع می تواند آن ضربه را ترمیم نماید.

صاحبان این نظریه نفی کننده ضربه زدن به ثبات نظامی امنیتی و نفتی عراق نبوده، بلکه معتقدند ضربه زدن به ثباتها - ی فوق بایستی در راستای صحیح و در دل ضربه زدن به ثبات ایدئولوژیک و چپ نمای حزب بعث انجام گیرد. منظور این عده از ایدئولوژی، کافر فرهنگی صرفاً " مطالعاتی نبوده، بلکه هدف تصحیح روشهای غیر الهی و اسلامی در خط مشی آزادی قدس میباشد.

تنها همین خط مشی است که چپ نمایی صدام را می شکند و تاکنون نیز لنگیها و خیانت بعثی ها به علت این خط مشی آشکار شده است.

ما باید جهات انسانی را تا آخر حفظ کنیم، جهات انسانی را تا مرز شهادت و فوت باید حفظ کنیم و هیچ وقت عضانی از این نشویم که او را در این کار میکند پس خوبست یکی از شهرهای او را بزنیم.

امام خمینی - کیهان ۶۲/۸/۱۶

باید توجه داشت که نیروهایی میتوانند با حزب بعث برخورد بنیادی کنند که سختیهای ایدئولوژی خود را با حزب بعث در درون پاکسازی کنند. برای نمونه میتوان از وحدت موضع گیریهای حزب الدعوة و همچنین ملامطفی و بعضیها در سرنگونی قاسم داشته اند نام برد و اگر این نیروها جمعیتی صحیح از گذشته خود نزنند نمی توانند مبارزه دراز مدت خود با بعث عراق ادامه دهند.

باید توجه داشت که شعاع عربیت حزب بعث یک شعاع فراگیر در مردم عراق میباشد حتی این شعاع در مجلس اعلی هم پایگاه دارد و حتی مطرح شده بود که مراجعی میتوانند پایگاه مردمی داشته باشند که پذیرش عامه داشته و عرب باشند. حال اگر مبارزین عراقی بخواهند به یک مبارزه صحیح دست بزنند باید بدانند مردم عراق فطرتاً " خدا جو و عدالت طلب هستند و انگیزه عربیت آنها را هر چند قوی، فرع بر این ویژگی باید ایدئولوژی آنها بداند. از طرفی باید توجه داشت با شعاع عربیت برخورد نفی نکرده و ناسیونالیسم عرب که زیر فشار صهیونیسم بوده و هست را در نظر بگیریم.

برای درک عربیت باید به گفتار حافظ اسد در ابتدای این جنگ توجه کنیم. که ایشان گفتند عراق با تاحا وز به ایران با آلمان عرب خیانت کرد یعنی آلمان عرب ملاکی است برای برخورد با اعراب، این را بایستی باور کنیم که عربیت هر چند چشمگیر و صورت فطرت ثانوی در آمده باشد ولی نمی تواند بر فطرت اولیه و خدا جویی و عدل طلب غلبه نماید.

همچنین در رابطه با ضربه زدن به ثبات ایدئولوژیک عراق باید توجه داشت که شعاع سوسیالیسم در حزب بعث و کلاً کشورهای عربی جنگ رهایی بخش و حراً فرینی در درون عراق؛ با فلسفی نداشته و صرفاً " اقتصادی می باشد.

حتی این شعاع در کشورهای جبهه یابیداری یعنی دوستان ایران مثل الجزایر، سوریه، لیبی پایگاه وسیعی دارد. و معنی و مفهوم آن این است که کارخانجات و بانک ها و درآمد نفت و ... همه ملی شده و زمینهای بزرگ بین روستائیان تقسیم شود. حتی مرحوم عبدالناصر هم شعاع سوسیالیسم را مطرح میکرد و توانست با ملی کردن کانال سوئز مردم مصر را علیه استعمار سیج کند.

حال اگر نتوانیم در دل خط مشی آزادی قدس برخورد صحیح و ایدئولوژیک با این شعاع کنیم حتماً " در دراز مدت مبارزه" اطمینان منحرف خواهد شد و ضربه زدن به ثبات نفتی، نظامی، امنیتی نیز چندان مؤثر نبوده و به تثبیت بعثت میان می انجامد.

عده ای شعاع سوسیالیسم را شعاع رگتراپی می گیرند و از طرفی برای ادامه جنگ به شوری که سوسیالیسم و بار فلسفی هم دارد نزدیک می شوند و می خواهند کمک شوری در جنگ با صدام پیروز شوند.

در رابطه با ثبات ایدئولوژیک یک نمونه دیگر اینکه ماهدین عراق در برابر مقابله به مثل موشکی بی تفاوت و با موبد

آن بوده اند. بعدها آیت الله آذری قمی در سرمقاله رسالت مطرح کردند از آیه ۱۹۴ سوره بقره مقابله به مثل به صورت کشتن مردم بی گناه در نمی آید و بایستی با عامل پرتاب موشک و بمب که صدام یا خلبان عراقی می باشند مقابله به مثل کردند با مردم بی گناه. در این رابطه امام امت فرمودند: مبادا یک وقتی بواسطه بمبارانهای شهرهای شما و کشتن عزیزان شما عضانی بشوید و جبران بکنید اینطورى. این انتقام از اونیست، انتقامتان را از صدام بگیرید و از حزب بعث، توجه کنید که مبادا حتی یک گلوله به طرف شهرهای آنها بیندازید همانطور که بهبهان مظلوم است، بصره هم مظلوم است، مندلی هم مظلوم است، همه اینها مظلومند، اینها تحت ستم هستند اما باید جهات انسانی را تا آخر حفظ کنیم جهات انسانی را تا مرز شهادت و فوت باید حفظ کنیم و هیچ وقت عضانی از این نشویم که او را در این کار میکند، پس خوبست یکی از شهرهای او را بزنیم.

در همان سرمقاله رسالت بدین مضمون مطرح شد که دلیل موفق زدن به مناطق مسکونی یک قاعده فقهی است که مقدمه یک امر واجب را واجب می دانند و چون دفاع واجب است لهذا مقابله به مثل مقدمه دفاع و در نتیجه مقابله به مثل واجب می شود.

حال این سؤال مطرح می شود که آیا نمی تواند مقدمه دفاع مقابله و مقابله و بنا به گاه سازی باشند موشک زدن به مناطق مسکونی؟ در حالیکه مقابله و بنا به گاه سازی انتقال ما را بیشتر می کند و مقابله به مثل وابستگی ما را چرا که بایستی در مسئله مقابله به مثل دائماً " به فکری سیستم موشکی پیشرفته تری باشیم و چون ابرقدرتها پیشرفته ترین سلاحها را به عراق می دهند لذا این دور بی -

صده در صفحه ۲۶

ارجاع می دهیم که بهترین گواه است . شنیده ایم آیت اله منتظری در یکی از دیدار هایشان با امام خمینی ، پرسیده اند اگر کسی شمارا قبول نداشته باشد و رجوعی را قبول نداشته باشد ولی محاربه نکند باید دستگیر شود ؟ امام گفته اند ، خیر آزاد است . با این حساب شما که جای خود دارید . ضمناً " پیشنهاد من کنیم انتقاداتتان را با آن آقای روحانی در میان بگذارید شاید مسائل حل گردد . در غیر این صورت مراتب را به گوش امام یا آیت اله منتظری برسانید .

س - در مورد تربیت کودکان شما چه تجربیاتی دارید ؟ وجه کتابهای مفیدی را می شناسید ؟

ج - بطور خلاصه بنظر می رسد کودکان بنا به فطرت پاکشان دارای اخلاق و صفات نیکو هستند . مثلاً " صفاتی چون حقیقت جویی ، عدل طلبی و ضد تبعیض و ظلم ، بی ربایی و خلوص ، صداقت و یکرنگی ، عدم دل بستگی به امور دنیوی ، سریع الرضا ، و ... و از این قبیل صفات را میتوان در اغلب بچه ها بخوبی مشاهده کنید .

اما بوسیله بزرگترها عموماً بعنوان تربیت وادب و اغلب ناخود آگاه ، حسن رقابت و حسادت حس برتری جویی ، دروغ گفتن ، نفاق و ریا حس مالکیت و انحصار طلبی و ... به اطفال معصوم القا و انتقال داده می شود . بزرگترها می پندارند بچه ها خالی از اخلاق نیکو هستند و خود را محق می دانند عادت ها و آموخته های خود را بعنوان حقایق قطعی به بچه ها بیاموزند .

بنظر می رسد تصحیح دید فوق اولیست گام لازم برای شکوفاشدن بچه هاست . بجای مری بودن باید از فطرت پاک بچه آموخت . بایستی در رفتار بچه در ناآرامی ها و سئوالهای او حقیقت جویی را دید و بجای سرکوفت زدن به او بدنبال پاسخ صحیح به نیازهای او رفت . صداقت و یک رنگی او را ارج نهاد و از دروغ های ریز و درشت خود دست برداشت و ...

با این روش شاید به دستاورد های جدیدی برسیم . شما هم ما را یاری دهید .

پاسخ به خوانندگان

جهان بینی کثرت و ماتریالیستی نیز می آید که از این جهان بینی دنیوی به سرمایه داری هم برسیم . در مورد روحانیون طرفدار سرمایه داری غرب نیز این انونمندهی وجود دارد . اگر با عینک منطق بشری و بیانی غریب ارسطو ، که روشن تفکر غرب است به قرآن بنگریم از قرآن تفاسیر غریب زده خواهیم کرد . لذا راه نجات از شرق و غرب رسیدن به استقلال مکتبی و دستیابی به منطق توحید است که از دل مکتب جوشیده باشد . در چنین سیری طبعاً سرمایه برداشتهای صحیح از قرآن و اقتصاد اسلامی نیز دست خواهیم یافت .

س - می گویند بعد از مبارزان شهر قدس طلبه ها را تعطیل کرده اند و روحانیون شهر را ترک کرده اند آیا این کار درست است ؟ پس از مردم عادی چه انتظاری است که در شهرها بمانند و مقاومت کنند ؟

ج - اولاً " توجه داشته باشید درس آیت اله منتظری تعطیل نشد و کماکان ادامه داشت و همه روحانیون هم شهر را ترک نکردند . ثانیاً " انتظار بجایی است که این روحانیون بجای متفرق شدن و مهاجرت و یا تعطیل در سپاه ، خود بسیج شده و پیشتازانه به عمل صالح پناهگاه سازی در شهر می پرداختند همانطور که در سنت پیامبر می بینیم خود در کندن خندق شرکت می جویند . ثالثاً " امر دفاع و مبارزه یک امر تقلیدی نیست که اگر روحانیون نکردند ، از عهده مردم ساقط باشد . (باب دفاع رساله امام خمینی و آیت اله منتظری) کما اینکه در گذشته هم مردم ما چنین عمل نکرده اند .

س - من انقلاب اسلامی ، رهبری امام خمینی و آیت اله منتظری را قبول دارم ولی روحانی شهرمان را باخاطر اعمالی که دیده ام قبول ندارم آیا من ضد انقلابم و ضد قانونم ؟

ج - برادر یا خواهر برای روشن شدن ذهن شما و دیگران شمارا به نظر خود امام

۱- خط جمع ما که به جذب نیرو بهایی نپردازد . هدف ما پاکسازی ریشه های درونی ضربه ۴۰ رسیدن به انسجام مکتبی و تیپوهای مکتبی بود که طبعاً در جوسازی و طرفه آمیزی جنبش ملی و مخالفین ، و درگیریهای سیاسی و معادلات قدرت چند ان مطرح نبود و نقش عملی و آشکاری نمیتوانست داشته باشد .

۲- عملکرد دولت موقت بعنوان اولین دستاورد انقلاب اسلامی و خط امام که با روحیات انقلابی و پر شور جوانها همگام نبود .

۳- نیاز نیروهای آزاننده در انقلاب به تشکیلات با آرمانهای انقلاب همگام باشد که چنین تشکیلاتی فراگیری در ابتدا وجود نداشت و رجوعی امتیازی از این جهت پیدا کرد و در ابتدا هم شعارهای انقلاب را میداد و حتی رهبری امام را پذیرفته بود . هر کدام از ه محور فوق قابل بحث و شرح بسیار است . امید داریم این مختصر مفید افتد .

س - برادری ضمن سؤال از اینکه اقتصاد اسلامی کدام شیوه اقتصادی را قبول دارد . گفته اند تکلیف مردم با اقتصاد غریب بعضی روحانیون که در بین مردم نیز نفوذ دارند چیست ؟

ج - ۱- در مورد اقتصاد اسلامی و مرز بندی آن با اقتصاد شرق و غرب (کار و سرمایه) کتابی تحقیقی داریم که امید داریم زحمت مطالعه آنرا بپذیرید . نام کتاب : دانشگاه مدرس یا تغییر بنیادی در نظام آموزشی است . مقالاتی هم در نشریه آمده است ، سیری در نظرات آیت ... منتظری پیرامون مالکیت راه مجاهد شماره ۱۵ اقتصاد قدس راه مجاهد شماره ۱۱ .

۲- در مورد روحانیون طرفدار سرمایه داری غرب اگر شما به چنین یقینی رسیده اید بایستی مسئله را ریشه یابی ایدئولوژیک کرد . مکتب اسلام که محتوای سرمایه داری ندارد . بنابراین در طرز نگارش میباید داشت از اسلام بایستی شت کرد . از تجربه سال ۴۰ آموختیم که روش شناخت و متد لوزی را نمیتوان از پایگاه فلسفی و جهان بینی اثر جدا کرد . بعنوان مثال همراه دیالکتیک ماتریالیستی ، جهان بینی ماتریالیستی نیز می آید . همراه با منطق ارسطو جهان بینی اصالت ماهیت و عبارتی

س - برادری ضمن ارائه پیشنهاداتی منجمله افتتاح ستونی برای معرفی کتابهای جدید خوب ستونی برای معرفی نهضت های آزادی بخش و ... رسیده اند در مورد موقتیت شما ، مقاله با جنبش ملی مجاهدین در اوایل انقلاب ستوالس دارم . هر چند من دائم تفاوت روی یت پدیده نباید در یک مقطع انجام شود . بلکه باید سیر دراز مدت آنرا دید در ثانی تشخیص حق و باطل به کیت آنها نیست ولی با همه اینها باطل هم بیخود رشد نمی کند و برای رشد خود علل و انگیزه های وجود دارد . چطور شد که شما در مقابل آنها جانبداری نداشتید و دسته دسته به آنها می پیوستند ؟

ج - از پیشنهادات خوبتان متشکریم . در مورد انرافه کردن صفحات نشریه مشکلی با لارفتن هزینه را هم در بین داریم و اما درباره علت کم ترش جریان رجوعی مربوط به قبل از انقلاب میشود . در زندان بعد از ضربه ۴۰ جمع قلیلی شدیم و اکثریت افراد با سابقه سازمان به رجوع پیوستند . حتی برخی از کادرهای سازمان که در زندان قصر بودند ابتدا عدم صلاحیت سعید رجوعی را پذیرفته بودند و انتقادات ایدئولوژیک برادر میثی را نیز قبول کردند اما بعد که به اوین منتقل شدند تغییر موضع دادند . گرچه ما انتقاد های اصولی و بنیادی به رجوعی داشتیم اما پس از آزادی از زندان ، در نگاه اولیه هر کس جریان رجوعی را با توجه به کوشش آن جریان مجاهدین قلمداد می کرد و طبعاً علاقه ای که در بین جامعه نسبت به شهدای سازمان مجاهدین بود باعث آنها جهت گیری می شد . بطور اختصار عمده عواملی که در گسترش تشکیلات رجوعی مؤثر بود بشیچ زیر است (بدون اصلی و فرعی کردن ذکر می کنیم) .

۱- علاقه و احترامی که نسبت به مجاهدین بنیانگذاران مردم بود و جریات رجوعی را ظاهراً تنها مدافع آنان و ادامه دهنده راه آنان میدیدند .

۲- عدم مرز بندی بین شهدای مجاهدین چون شهید حنیف نژاد و ... با سعید رجوعی از طرف مسئولین انقلاب . اگر مسئولین انقلاب برخسود یکسانی در این مورد نمیکردند و نیت اسلامی و صادقانه حنیف نژاد را در جالی خود در نظر میگرفتند بسیاری از تشابه و ابهام بیرون می آمدند .

۳- خط فرصت طلبانه رجوعی که جذب هر چه بیشتر نیرو و توسعه طلبی بود . لذا از هر انگیزه و هر شعاری برای جذب اشخاص مختلف استفاده میکرد .

۴- خط مخالفین رجوعی که مدعی حمایت از خط امام بودند . برخورد های خصمانه ، کینه بجسای هدایت و کرامت منفی کلیه نقاط مثبت و ارزشها و ... زمینه خوبی به رجوعی داد .

۵- عدم انسجام ایدئولوژیک موجود در جامعه انقلابی ما .

ماه مجله

توسعه فرهنگ و نشریات
توسعه نهضت مجاهدین خلق ایران
زیر نظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
مهندس لطف الله میثمی

روش سیاسی ایدئولوژیک - چاپ آشنای

آدرس : توجه شود که راه مجاهدیت کمبود مکانات دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر مسئول نشریه است و مراجعت اجرای قانون مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد اسلامی معرفی میکند تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ شامی بگیریید . خیابان ن - آب منگل - کوچه شهید قاسم می - کوچه نصر دیوان - پلاک ۲۶ - طبقه دوم .

جمهوری اسلامی ایران
وزارت ارشاد اسلامی
اداره نشریات و مطبوعات

آقای لطف میثمی
توسعه فرهنگ و نشریات
پرواز آشنای راه مجاهدیت
توسعه فرهنگ و نشریات
وزارت ارشاد اسلامی
پلاک ۲۶ - کوچه نصر دیوان - پلاک ۲۶ - طبقه دوم .

نمونه اشتراک

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقه مند به اشتراک نشریه " راه مجاهد " هستند ، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند بهای اشتراک :

شماره ۱۲	ریال ۱۲۰۰
شماره ۶	ریال ۶۰۰

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان قیام به نام لطف الله میثمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید .

با گروه های دیگری که مسلمان هستند و استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید